

«شورای هماهنگی کشورهای خلیج» تلاشی از سوی امریکا برای احیاء پیمان سنتو

● تجربه نشان می‌دهد که طرح‌های تجاوزکارانه امپریالیسم بین‌المللی بسرکردگی آمریکا را نمی‌توان به تنهایی و بدون همکاری و وحدت با دیگر نیروهای انقلابی خنثی ساخت. امروز مقدم‌ترین وظیفه انقلابی تمامی نیروهای صلح‌دوست، ترقیخواه و ضد امپریالیست و انقلابی میهنان این است که فعالانه برای فشرده‌تر ساختن وحدت نیروهای ضد امپریالیست و انقلابی ایران و منطقه بکوشند و در جهت استحکام هرچه بیشتر جبهه انقلاب جهانی قاطعانه بیکار نمایند.

در صفحه ۲۷

در صفحه
(۳)

گرامی باد خاطره جانبازی های خلق
در ۱۵ خرداد ۲۲

قیام ۱۵ خرداد، اعلام ورشکستگی خط سازش

قطعه قطعه کردن اراضی ((واحدکشت و صنعت مغان))
فاجعه اقتصادی بزرگی است
در صفحه ۹

شهادت قهرمانانه فدائی خلق رفیق محمدرضا

(علاء) و صاف
در ارتفاعات
الله اکبر



☆ پیروزی رزمندگان و دلاوران جبهه‌های نبرد با تجاوزگران در ارتفاعات الله‌اکبر سرشار از قهرمانی‌ها و حماسه‌های شورانگیز است. پشتوانه قهرمانی‌ها و حماسه‌های این رزمندگان ایمان خلیل‌ناپذیر آنان به استقلال و آزادی میهن و رهایی زحمتکشان از بند و بار ستم و استثمار امپریالیسم است.

☆ شهادت فدایی خلق رفیق محمدرضا (علاء) و صاف عضو کمیته کارگری تشکیلات ساری یک نمونه از صدها نمونه‌ای است که ایمان استوار فدائیان خلق (اکثریت) را در دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن در برابر تجاوزات صدامی - آمریکایی به اثبات می‌رساند. وصیت رفیق و صاف را که گفت: "لزوم حفظ وحدت در پشت جبهه را برای مبارزه با امپریالیسم بسرکردگی آمریکا چندین برابر از آنچه بدان عمل می‌نمائید گوشزد می‌نمایم" آویزه گوش سازیم.

در صفحه ۱۹

حکومت قانون و تصفیه گرایش انحصارطلبانه شرط لازم برای انزوای لیبرالها

اجرای قانون اساسی، امروز به مقدار زیادی می‌تواند در تخفیف تضادهای درون خلق، در تخفیف کشمکش میان نیروهای ملی و ضد امپریالیست و در راستای وحدت توده‌های انقلابی ما موثر باشد.

اصلاحات اقتصادی - اجتماعی، پیشبرد یک سیاست منطبق با مصالح انقلاب چه در صحنه داخلی و چه در عرصه خارج نیز در شرایط امروز کشور نیازمند رعایت قانون اساسی بطور واقعی است و مهم‌تر از همه و مقدم بر همه نیز آن که تقویت نیروهایی که بتوانند در جهت سیاست‌ها و اقدامات منطبق با مصالح انقلاب حرکت کنند، بدون رعایت قانون اساسی به مفهوم وسیع و کامل آن میسر نیست.

درواقع از عدم اجرای قانون و هرج و مرج ناشی از آن، قیل از هرچیز لیبرالها و دیگر نمایندگان سرمایه‌داری از یکطرف و محافل انحصارطلب سیاسی از طرف دیگر سود می‌برند و تنها برای انقلاب و برای خلق ما هیچ چیز خطرناک‌تر از آن نیست که از یکسو بخشی از مردم زیر علم و کتل لیبرالها سینه بزنند و از سوی دیگر گرایش انحصارطلبانه در جمهوری اسلامی تقویت گردد، پایگاه نیروهای ضد امپریالیست تضعیف شود و توده‌های مردم به پراکندگی و تشتت میل کنند.

بقیه در صفحه ۲۵

سطح حداقل حقوق کارگران پاسخگویی مایحتاج اساسی نیست در صفحه ۲۵

در این شماره

جشن کارگری ایران

کارگران بلوک ساز: «حاصل رنج ما را سرمایه‌داران غارت می‌کنند»
سندیکاهاى خیاط و قناد تهران حمله به «انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای»
را محکوم کردند

در صفحه

جشن دهانی ایران

بند 'ج' باید هرچه زودتر اجرا گردد

با مذاکره‌کنان از نابودی محصولات فناوری خورسان باید جلوگیری شود

متحد شوید

تجاوزات امپریالیسم امریکا و رژیم صدام را در هم کوبیم

حکومت قانون و

تصفیه گرایش انحصارطلبانه شرط لازم برای ...

بی‌اعتنائی به قانون، ارتکاب اعمال خشونت-آمیز به نام دفاع از اسلام، عدم تعقیب مجرمین و جنایتکارانی که درباندهای سیاه متشکل شده و در گوشه و کنار شهرها به آزار و شکنجه و حتی ترور نیروهای سیاسی دست می‌زنند و حمایت ضمنی از این باندها توسط برخی از محافل جمهوری اسلامی و اعمالی از این قبیل که آزادی‌های فردی و اجتماعی مردم ایران را به نحو تکان‌دهنده‌ای نقض می‌کند، قطعاً نقض قانون اساسی و نقض ابتدائی‌ترین حقوقی است که قانون برای مردم، محترم شمرده است.

این اعمال همان‌گونه که بارها تاکید کرده‌ایم، بیشترین فرصت را برای لیبرالها و دیگر نمایندگان سرمایه‌داری فراهم می‌سازد تا بر بستر ناراضی‌های مردم، توده مردم را علیه نهادهای انقلابی جمهوری اسلامی بسیج کنند و به یکباره تمامی مشروعیت قانونی نهادهای انقلابی از جمله سپاه، کمیته‌ها و غیره را زیر علامت سؤال قرار دهند.

مقاله "کی باید برود" روزنامه "میزان" ارگان لیبرالها که به احتمال قوی خود بازرگان نویسنده آن است، نمونه بارز بهره‌برداری زیرکانه و هشیارانه لیبرالها از برخوردهای خشونت‌آمیز و تنگ‌نظرانه و غیرمسئولانه نیروهای خط امام است. در این مقاله لیبرالها رسماً و علناً مشروعیت قانونی نهادهای انقلابی جمهوری اسلامی را که قانون اساسی بدرسمیت شناخته است، زیر سؤال قرار داده‌اند.

درواقع این دیگر امروز باید برای مقامات جمهوری اسلامی روشن شده باشد که تا خود، جمهوری در احترام به قانون اساسی پیشقدم نباشد، الزام دیگران به رعایت قانون سست شده نمی‌تواند نهادهایی که قانون را زیر پا می‌گذارند، قانونی دانسته و مشروعیت آن را بپذیرند و از آنها حمایت کنند.

بنابراین روشن است که لیبرالها زمانی نخواهند توانست مشروعیت قانونی نهادهای انقلابی را مورد سؤال قرار دهند که توده‌های

بغیه از صفحه ۱

وسیع مردم، قانونی بودن و مشروع بودن این نهادها را بپذیرند و حمایت از این نهادها را به سود مصالح خویش بدانند و این نمی‌شود جز آنکه خود این نهادها، قانون را بپذیرند و بطور کامل مجری آن باشند و این اعتماد را در مردم پدید آورند که موجودیت این نهادها موجب تضعیف هرج و مرج و پاسداری از آزادی‌های اجتماعی و فردی خواهد بود.

به‌رحال از هر نظر که بنگریم امروز بیش از هر زمان اجرای قانون اساسی ضرورت انقلاب و شرط تقویت نیروهای ضدامپریالیست و انزوای سازشکاران و ضدانقلابیون است و از همین‌رو همه نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست باید در پاسداری از آن و اجرای آن تلاش کنند.

نیروهای رادیکال و ترفیخواه خط‌امام قطعاً خواستار رعایت قانون اساسی هستند چرا که به تجربه دریافته‌اند که نقض قانون اساسی و نقض آزادی‌های سیاسی موجب تقویت گرایش انحصار-طلبانه، تضعیف نیروهای دمکرات در خط‌امام، گسترش ناآرامی‌های سیاسی و بهره‌برداری وسیع لیبرالها خواهد بود.

آنچه هم‌اکنون در واقعیت امر در سطح جامعه شاهد آنیم، آن است که به‌رغم کوشش‌های محافل معینی از خط‌امام، به‌رغم کوشش‌های نیروهای واقع‌بین جمهوری اسلامی و به‌رغم سیاست رسمی اعلام شده از جانب مقامات جمهوری و شخص امام خمینی، تجاوز به حقوق قانونی مردم، نقض آزادی‌های فردی و اجتماعی و شیوه‌های ضد انقلابی ترور، تخریب، تهدید و ارباب اینجا و آنجا اعمال می‌شود، بدون آنکه جنایتکاران، تروریست‌ها و اوباشان سازماندهی شده مورد تعقیب قرار گیرند. درواقع با وجود آنکه جبهه‌های بسیاری از دشمنان قانون اساسی و گردانندگان عملیات تهدید، ارباب و ترور در شهرها و مناطق کشور شناخته شده است و در حالیکه این اقدامات همچنان از جانب این عناصر دنبال می‌شود، نهنتها هیچ نمونه‌ای از اقدامات اساسی جمهوری اسلامی برای دستگیری و مجازات

آنها مشاهده نمی‌شود، بلکه حمایت‌های تلویحی برخی مقامات و محافل منسوب به جمهوری این عناصر را گستاخ‌تر و توده‌های مردم را ناراضی‌تر ساخته است.

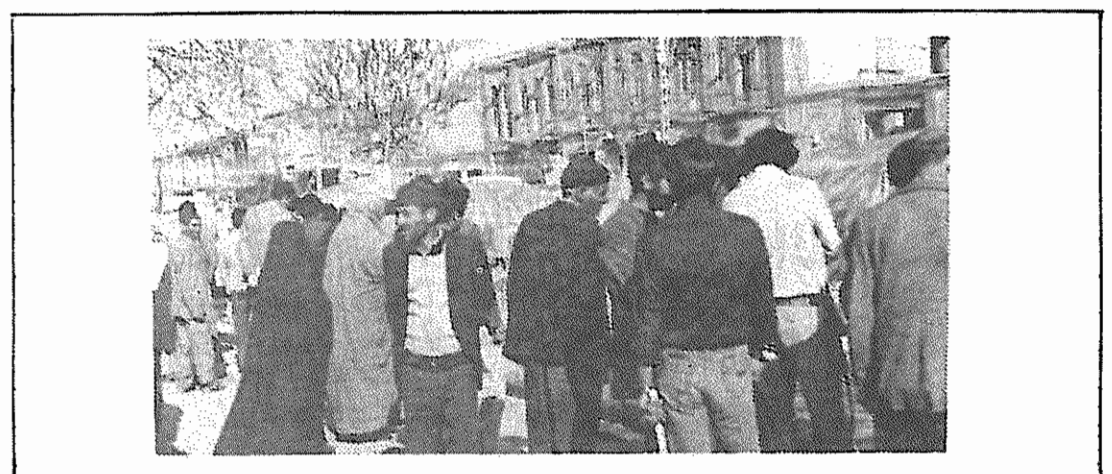
حنایات تکان‌دهنده میدان‌آزادی در جریان برگزاری میتینگ سازمان در جشن کارگری اول ماه مه که موجب به شهادت رسیدن چندین تن از رفقا و هم‌میهمان مبارز ما و زخمی شدن بیش از هزار تن شد و واکنش غیرفعال دولت جمهوری اسلامی در انجام وظایف قانونی خود مبنی بر تعقیب جنایتکاران، حمله عناصر اوباش به خانه و کاشانه مردم در شهرهای فارس به‌ویژه در شهر چهارم که در چند روز اخیر صورت گرفته است، حوادث خونینی که اخیراً در لرستان اتفاق افتاده، حمله‌های اخیر اوباش به برخی کتابفروشی‌های تهران، همگی نهنتها نقض ابتدائی‌ترین آزادی‌های فردی و اجتماعی مردم، بلکه ضدیت آشکار با قانون اساسی است و فی‌الواقع نشانه آن است که یک گرایش نیرومند در جمهوری اسلامی مخالف اجرای قانون اساسی، تحقق آزادی‌ها و از میان رفتن هرج و مرج و تشنج در جامعه است و مصالح خود را مغایر قانون اساسی و ایجاد جو نفاهم و آرامش در جامعه می‌بیند.

ما امروز مبارزه پیگیر و هشیارانه علیه این گرایش را وظیفه همه نیروهای ضدامپریالیست، همه نیروهای استقلال و آزادی ایران از جمله نیروهای ترفیخواه و واقع‌بین خط‌امام می‌دانیم و هرگونه اغماص در برابر این گرایش را برای انقلاب ایران زیانبار می‌سناسیم. این گرایش از موضعی انحصارطلبانه و ضددمکراتیک علیه نیروهای سیاسی وارد عمل می‌شود و بیشترین آسیب‌ها را به انقلاب و به نیروهای خط‌امام وارد می‌سازد.

با توجه به همین واقعیات است که ما تاکیدات آیت‌الله خمینی را در سخنرانی روز چهارشنبه ششم خرداد برای نمایندگان مجلس که بر اهمیت اجرای قانون اساسی و اعلام اینکه امسال سال قانون است، تاکید داشت، با اهمیت تلقی می‌کنیم و بطور جدی خواستار آنیم که این سخنان در عمل توسط مقامات جمهوری اسلامی پیاده شود.

ما همچنین تاکید می‌کنیم که پایبندی حکومت به قانون اساسی، شرط اصلی پایبندی نیروهای ترفیخواه و انقلابی به قانون اساسی است.

بریائی نمایشگاه



نمایشگاه مبارزات مردم ویتنام در تاریخ ۴ اردیبهشت ۱۳۶۰ در محله "نظربگ" همدان توسط جوانان پیشرو محل به نمایش گذاشته شد و مورد استقبال زحمکشان همدان قرار گرفت.

"دست" سرمایه‌داران از زندگی مردم باید

قطع شود، نه دست کسانی که خود قربانی

سرمایه‌داری هستند

طرفداران لایحه قصاص امر بر بریدن دست کسانی می‌دهند که قربانی نظام سرمایه‌داری وابسته شده و به دزدی روی می‌آورند.

ما این اقدامات را محکوم می‌کنیم و اعلام می‌داریم که علت همه انحرافات، علت دزدی، اعیان‌داری، فحشا و غیره نظام غارتگرانه سرمایه‌داری وابسته است. باید به جای بریدن دست کسانی که خود قربانی سم سرمایه‌داری هستند دست سرمایه‌داران بزرگ از جان و مال مردم قطع شود.

بکوشیم تا با استقرار صلح عادلانه در کردستان وحدت مردم میهمان را

علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

گرامی باد خاطره جانبازی های خلق در ۱۵ خرداد ۴۲

قیام ۱۵ خرداد اعلام ورشکستگی خط سازش

۱۸ سال از ۱۵ خرداد خونین ۴۲ می گذرد. آنچه که در ۱۸ سال پیش به وقوع پیوست، آغاز جنبش حق طلبانه‌ای بود که طی ۱۵ سال در ۲۲ بهمن ماه ۵۷ به نیروی اتحاد و فداکاری همه اقشار خلق بارور شد، به میوه نشست و به پیروزی انجامید.

با شکست نهضت ملی و سقوط دولت ملی دکتر مصدق، نه تنها سلطه غارتگرانه و همه‌جانبه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بر میهن ما تحمیل شد، بلکه زیر تاثیر دگرگونی‌هایی که در بافت اجتماعی جامعه شکل گرفت، موقعیت سیاسی نیروهای شرکت کننده در جنبه استقلال و آزادی ایران نیز دستخوش تغییرات چشم‌گیری گردید.

تا قبل از ۱۵ خرداد، رهبران و سیاستمداران بورژوازی ملی ایران در راس جنبش استقلال طلبانه قرار داشتند. ۱۵ خرداد خونین ۴۲ به وضوح نشان داد که این نیروها توان و ظرفیت خود را برای حفظ چنین موقعیتی از کف داده‌اند. این تصادفی نبود که در همان زمان که امام خمینی بطور آشتی‌ناپذیری پرچم مبارزه علیه تحکیم سلطه امپریالیسم و دیکتاتوری شاه را برافراشت، در همان زمان رهبران جنبه ملی ایران با دربار از در مفاشات درآمدند و حتی برپایه اعلامیه معروف الهیار صالح لیدر درجه اول جنبه ملی رسماً اعلام کردند که حاضرند با طرح آمریکائی‌ها در زمینه غارت کشور با تفاهم همکاری کنند.

علیه سلطه امپریالیسم و دیکتاتوری شاه الهام می‌گرفت. قدرت بسیج و الهام بخش آیت‌الله خمینی قبل از هر چیز به مواضع سازش‌ناپذیر ایشان در برابر امپریالیسم و دیکتاتوری شاه مربوط بود. مواضعی که منعکس کننده خواست‌ها و آمال دهها میلیون مردم ستمدیده و زحمتکش و مورد حمایت تمامی نیروهای میهن‌پرست، ترقیخواه و انقلابی میهنان بود.

قیام ۱۵ خرداد خونین ۴۲، اعلام ورشکستگی خط سازش بود و به نوبه خود بی‌اعتبار ساختن نمایندگان این خط را شتاب بیشتری بخشید. نمایندگان خط سازش در برابر حواست حداقل توده‌ها که سرنگونی شاه بود. شعار "شاه باید سلطنت کند نه حکومت" را علم کردند و آنجا که پیشبرد مبارزه‌ای پیگیر با امپریالیسم در دستور قرار می‌گرفت، گام به گام سیاست تسلیم در برابر امپریالیسم آمریکا را پیش بردند. قیام ۱۵ خرداد حدائی این دو خط را عربان کرد و به آن شتاب داد. خدا شدن آیت‌الله طالقانی و بنیانگذاران سازمان مجاهدین خلق از نهضت آزادی از یک سو، و تشکیل سازمان‌هایی که به مبارزه انقلابی با رژیم شاه دست زدند از سوی دیگر همین روند تجزیه که پس از خرداد ۴۲ شتاب گرفته بود، ناشی می‌شد. این امر در جریان مبارزه‌ای که بعدها به ویژه در سال‌های آخر پیش از انقلاب بین "خط سازش" و "خط امام" در گرفت، به "خط امام" کمک کرد تا رهبری انقلاب را به دست گرفته و علیرغم

"تاریخ سی ساله ایران" اثر رفیق حرنی تصویر گویائی در این زمینه ارائه داده است:

خیابان‌های مهم شهر توسط نیروی نظامی از یکدیگر قطع شد و نیروی نظامی همراه تانک و زره‌پوش و جیب‌های حامل مسلسل سنگین، مردم را اعم از تظاهرکننده یا عابر به گلوله بست. مردم از خیابان‌های مرکزی به خیابان‌های اطراف پخش شدند و جمعیتی که داوطلبانه یا به اجبار کار را تعطیل کرده بود، هیجان‌زده در خیابان‌های اطراف شهر سنگربندی کرده و در هرجا نغمه‌ای ساز کرده بودند. نیروی مسلح به خیابان‌های اطراف شهر اعزام شد و در منطقه‌ای وسیع که از شرق به خیابان دلگشا و سهراب شکوفه می‌رسید و از غرب تا انتهای خیابان آذربایجان کشتار با ابعادی وحشیانه آغاز شد. چنین سرکوبی خونین به هیچوجه متناسب با امکانات و نیروی شورشیان نبود. شاه از خانه حاتمی فرمانده نیروی هوایی در جریان امور قرار داشت و دستور حداکثر اعمال خشونت را صادر می‌کرد "میدانی‌ها و بازاری‌ها در همان ساعات اول تظاهرات در مقابل کشتار رژیم عقب نشستند ولی توده‌های محروم شهری شاگردبازاری‌ها، کسبه جز و خرده‌پا، دوره‌گردها، دستفروش‌ها، کارگران کارگاه‌های سنتی شهری مثل نانوا، نجار، آهنگر، حلبی‌ساز و خیاط و عده‌فلیلی روشنفکر پیشرو در خیابان‌ها ماندند."

وقهرمانی‌ها آفریدند. در قیام ۱۵ خرداد، دهقانان زحمتکش که با "انقلاب سفید" شاه از زمین و خانه‌هاشان رانده و آواره شهرها شده بودند، نیز شرکت داشتند. جزئی می‌نویسد:

از جمله در سرپل باقراآباد ورامین سلاخی وحشیانه‌ای از دهقانان شد. او یادآوری می‌کند:

"عصر پانزدهم خرداد در بیمارستان‌ها و هرجای دیگر که نام درمانگاه و درمان‌های طبی و بهداشت داشت، انباشته از زخمی و کشته شده بود. این کشتگان کسانی بودند که زنده به این مراکز رسیده بودند والا اجساد کشته‌شدگان در خیابان‌ها توسط ارتش جمع‌آوری می‌شد و بطور جمعی منهدم می‌گشت. گفته‌اند تعداد زیادی از اجساد در دریاچه قم ریخته شد و مقادیری نیز در چاله‌های عظیم انباشته شد و با بولدوزر روی آنها پوشانده شد."

دانشگاه تهران نیز در این روز فعالانه علیه رژیم شاه وارد صحنه شد. دانشجویان مبارز و انقلابی صبح ۱۵ خرداد، سردر دانشگاه را با این شعار آذین بسته بودند:

"شاه جلاد خون خلق را می‌ریزد." این شعار دانشجویان انقلابی و مبارز را به شرکت در قیام ۱۵ خرداد دعوت می‌کرد. سازمان دهندگان اصلی حرکت دانشجویی در این روز

● ما در سالروز ۱۵ خرداد خونین ۴۲ ضمن گرامیداشت خاطره این روز و درود به همه شهیدان انقلاب ایران در پاسداری از آرمان شهدان انقلاب همه نیروهای مردمی، ترقیخواه و ضد-امپریالیست و انقلابی میهن را دعوت می‌کنیم که برای درهم شکستن تجاوزات و توطئه‌ها و دسائس امپریالیسم و ارتجاع منطقه و ضدانقلاب داخلی در جبهه‌ای واحد گردآئیم، صفوف خود را فشرده‌تر سازیم تا پرچم استقلال و آزادی را افراشته‌تر در اهتزاز درآوریم.

تلاش‌های مدبوحانه لیبرال‌ها، نظام شاهنشاهی و رژیم دست‌نشانده امپریالیسم را سرنگون ساخته و به زباله‌دان تاریخ اندازند. به این ترتیب دومین پی‌آمد تاریخی قیام ۱۵ خرداد این بود که روند جدایی نیروهای ترقیخواه و رادیکال از جریانات سازشکار و تسلیم طلب شدت گرفت و پایه‌های عینی اتحاد نیروهای مردمی و انقلابی روبه گسترش و تحکیم رفت.

در ۱۵ خرداد ۴۲ نیز این توده‌های مردم زحمتکش و "کوخ‌نشین" بودند که به خیابان‌ها ریختند و با آیتار و فداکاری، قهرمانی‌ها و حماسه‌ها آفریدند. در این روز مانند روزهای انقلاب، "ارتش‌شاه" بیرحمانه مردم را به گلوله بست و جوی‌های خون در خیابان‌های تهران به راه افتاد.

۱۵ خرداد اعلام می‌داشت که رهبری جنبه استقلال و آزادی ایران را در غیاب یک جنبش متشکل و رشد یافته کارگری، روحانیت مبارز ایران به رهبری آیت‌الله خمینی که بر اقشار میانی جامعه متکی است، اشغال می‌کند. این با اهمیت‌ترین پیام سیاسی ۱۵ خرداد است که در عین حال دارای اهمیت بزرگ تاریخی است.

پیامی که قیام شکوهمند ۲۲ بهمن و سیر پر تلاطم تعمیق انقلاب، صحت آن را به اثبات رسانده است.

۱۵ خرداد خونین ۴۲، اعتراض خودانگیخته توده‌های مردم نسبت به اهداف غارتگرانه امپریالیسم و رژیم دیکتاتوری شاه در جهت تبدیل ایران به یک کشور سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم بود که از مبارزات سیاسی امام خمینی

بقیه در صفحه ۲۳

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا

از یادداشت های فدائیان خلق

فدائیان در خط مقدم جبهه، جانبازانه می رزمند

گفتگو بابت ارتشی مبین پرست در جبهه جنوب

متن زیر خلاصه قسمتی از گفتگویی است که با یکی از مجروحین جنگ در بیمارستان داشته‌ام. من و او هر دو در یک عملیات شبانه زخمی شدیم که من بعد از یک هفته از بیمارستان مرخص شده و دوباره به سنگر برگشتم اما او که به شدت زخمی شده است، هنوز در بیمارستان بستری است.

سؤال: به نظر تو که پرسنل ارتش هستی، هواداران سازمان در جبهه چگونه می‌جنگند؟
جواب: تا آنجا که من اطلاع دارم به نظر من هواداران سازمان رهنمودهای سازمان خود را در زمینه‌های مختلف در درون و پشت جبهه به‌کار گرفته و همکاری‌های فعالانه و صمیمانه‌ای داشته‌اند. بطور نمونه فعالیت شبانه‌روزی در مورد جلوگیری از تلفات در مواقع حمله هوایی و دفاع از شهر و همچنین رهنمودهایی نظیر تهیه سنگر و غیره بطور چشم‌گیری در شهرهای مختلف و بخصوص در شهرهای جنوب بارها و بارها دیده شده‌است. و در کنار اینها در شهرهای نزدیک جبهه فعالیت هواداران در مورد پخش اعلامیه‌ها و رهنمودهای سازمان و همچنین اشعار - نویسی و بزرگ‌نویسی کاملاً چشم‌گیر است.

در جبهه‌های جنگ همه تلاش سربازان هوادار سازمان این است که همواره جزو اولین کسانی باشند که به خط مقدم جبهه می‌روند. در جبهه‌ها هم مردانه می‌جنگند این عمل آنان تاثیر زیادی روی روحیه دیگر رزمندگان می‌گذارد. برای مثال من وقتی در یکی از جبهه‌های جنگ در جنوب بودم، با دو نفر از سربازهای هوادار سازمان بطور شبانه‌روزی مسئول تیربار بودیم. من از نزدیک شاهد سختکوشی و

فداکاری جانبازانه آنها بودم و در سنگر بسیار صمیمانه شده بودیم، فهمیدم که هر دوی آنها هم‌ووادار فدائیان خلق ایران "اکثریت" هستند. اتفاقاً یک بار که با گروهی دیگر از سربازها و درجه‌داران کنار تیربار نشسته بودیم، همین‌طور که صحبت پیش آمد، چند نفر از دوستان گفتند که فدائی‌ها دروغ می‌گویند، هم‌شان امریکائی هستند. من همانجا در جمع خودشان همان دو نفر سرباز هوادار سازمان را نشان دادم و گفتم: - شما این دو سرباز را می‌شناسید؟ آنها با این دو نفر دوست بودند، مدت‌ها بود که دوش بدوش هم با دشمن مبارزه کرده بودند. در جواب گفتند: - آره، می‌شناسیم. پرسیدم: - به نظر شما چطور مبارزه می‌کنند، چگونه آدم‌هایی هستند؟ پاسخ این سؤال مشخص بود. آن دو سرباز هم از نظر اخلاق و هم از نظر فعالیت‌های نظامی در گروهان ما نمونه بودند. آنها در جواب گفتند: - خوب مسلم است. سربازهای خیلی خوبی هستند به آنها گفتم: - افرادی نظیر این سربازها نمی‌توانند امریکائی باشند! این دوستان از شنیدن حرف‌های من سخت شرمند شدند. بطوری که از آن به

بعد ناظر بر خورده‌های احترام آمیز آنها نسبت به آن دو نفر بودم.

سؤال: بطور کلی نظرت در مورد این جنگ چیست؟
جواب: همانطور که خودت هم می‌دانی، جنگ بین نیروهای مدافع انقلاب و ضدانقلاب است. نیروهای مزدور ارتش عراق مثل اشغالگران صهیونیست عمل می‌کنند. آنها به هر جایی از خاک ما که وارد شده‌اند، دست به جنایت‌هایی زده‌اند که فقط ارتش‌های فاشیستی و ضد خلقی چنان اعمالی می‌کنند. ارتش مزدور عراق برای درهم شکستن مقاومت مدافعین شهر از گازهای شیمیائی استفاده می‌کند. معمولاً ارتش‌های متجاوز امپریالیستی هنگامی که شهری را به تصرف درمی‌آورند، از هیچ عمل ننگینی پرهیز نمی‌کنند رفتار ارتش عراق در سوسنگرد، در عین‌خوش و در خونین‌شهر و روستاهای مرزی کشور هم دست‌کمی از ارتش‌های صهیونیستی و امپریالیستی نداشته است. آنها هر بار که به روستا یا شهری وارد شده‌اند، دست به قتل عام تجاوز و غارت زده‌اند. آنها با اسرای جنگی به بدترین نوع رفتار می‌کنند. زن‌ها را کتک می‌زنند، پاسدارها را شکنجه کرده و یا در جا تیرباران می‌کنند. یک بار در بیابان‌های عین‌خوش من خودم شاهد بودم که چشم‌های پاسداری را با چاقو درآورده و یک پا و یک دستش را قطع کرده و او را وسط بیابان انداخته بودند.

صدام واقعا جنایت می‌کند ما شاید بعد از جنگ بیشتر به ماهیت او و جنایت‌هایش پی ببریم. این جنگ ما، یک جنگ عادلانه است و در عقب‌نشاندن دشمن یک لحظه هم نباید تردید و یا غفلت کنیم.

تا این سربازها، منقزی خدمت‌ها، پاسدارها، بسیجی‌ها، افسران و درجه‌داران مبین‌پرست ارتش را داریم، هر توطئه و کودتائی در نطفه خفه خواهد شد

سؤال: نظرت در مورد شایعه کودتا چیست؟
جواب: من بعد از نمی‌دانم چه اتفاقی ممکن است بیفتد اما حالا فکر می‌کنم تا این سربازها، منقزی خدمت‌ها، پاسدارها، بسیجی‌ها، افسران و درجه‌داران مبین‌پرست را داریم،

هر توطئه و کودتائی در نطفه خفه خواهد شد. به نظر من با وجود کارشکنی‌ها و خیانت‌های بعضی از فرماندهان و تلاش عناصر قدرت طلب برای بدبین کردن ارتش نسبت به انقلاب و نیروهای خط امام، ارتش بافت قبل از انقلاب را ندارد، سربازها واقعا جانبازی می‌کنند، نظامیان مبین‌پرست ارتش کاملاً هشیار و بیدار هستند و از انقلاب حمایت می‌کنند.

نامه یک رفیق فدایی از: جبهه جنوب (کرخه) بهمن ۱۳۵۹

نامه فدائیان خلق از جبهه های جنگ

رفقا سلام!
من همراه نامه‌ای که برای خانواده‌ام نوشته‌ام، نامه‌ای هم برای سازمان می‌نویسم امیدوارم که این نامه به دستتان برسد.

اینجانب ... یک کارگر خیاط هستم قبل از اینکه به جبهه بیایم روزی ۱۴ - ۱۳ ساعت کار می‌کردم. دو سال پیش با سازمان و خطمشی آن آشنا شدم و تصمیم گرفتم راه پرافتخار آن را دنبال کنم. زمانی که نیروهای صدام جنایتکار به کمک امپریالیسم آمریکا به مبین‌انقلابی ما تجاوز کرد، سوزن خیاطی را کنار گذاشتم و بنا به رهنمود سازمان، برای رفتن به جبهه خودم را معرفی کردم. خوشبختانه بعد از ده روز مرا به خدمت برده و بعد از ۳ ماه آموزش ما رابه کرخه‌رود، بین خط مقدم جبهه فرستادند.

حالا من به عنوان یک فدایی خلق (اکثریت) برای بیرون ریختن تجاوزگران و به خاطر آزادی ملت قهرمان میهنم می‌جنگم و اطمینان دارم که به همراهی دیگر رزمندگان، صدام جنایتکار و آمریکای یاغی را درهم خواهیم کوبید.

من چون خودم از کودکی خیاطی کرده و زحمت کشیده‌ام و درد زحمتکشان را می‌دانم، تصمیم گرفته‌ام که در راه ایرانی آزاد، ایرانی که در آن استثمار نباشد و میان ساکنینش برابری و برادری باشد تا آخرین قطره خون مبارزه کنم. امپریالیسم، بخصوص آمریکا باید بداند که با ما طرف است و ما قصد داریم مثل مردم ویتنام پوزه او را در خاک میهنمان بر خاک بمالیم

مرگ بر امپریالیسم به سرکردگی آمریکا
سرنگون باد رژیم جنایتکار صدام

با تقدیم احترام
سرباز وظیفه کرخه‌رود
اردیبهشت ۱۳۶۰

مسلح کردن توده‌ها ضامن پیروزی خلقهای ماست

در طی هفته‌های گذشته گروه‌های به اصطلاح "حزب الهی" چندین بار به کتابفروشی‌های مقابل دانشگاه حمله کردند و هر بار پس از پاره کردن و به آتش کشیدن تعداد بسیاری کتاب و ضرب و شتم کتابفروشان و حتی عابرین "به راحتی" متفرق شدند. بر طبق گزارش روزنامه‌ها مأمورین انتظامی هیچکدام از مهاجمین را دستگیر نکرده‌اند.

اخبار و گزارشات دوهفته اخیر حاکی از آن است که قانون شکنی و خودسری‌های تازه‌ای در سرتاسر میهن در حال گسترش است که به جو تشنج و ناآرامی‌های سیاسی خواهد افزود و به درگیری‌های سیاسی دامن خواهد زد.

سال، سال قانون است مردم چنین می‌خواهند، امام خمینی نیز بارها و از جمله در نطق چهارشنبه ۶ خردادماه بر این امر تأکید کرده‌اند. ما بی‌مناسبت ندانستیم که مقاله‌ای را که چند هفته پیش در پاسخ به نظرخواهی روزنامه کیهان پیرامون "علل درگیری‌های اخیر و راه حل آن" نوشته بودیم در کاردرج نمائیم لازم به تذکر است که این مقاله در همان زمان به شورای سردبیر کیهان تسلیم شد ولی متأسفانه تا این تاریخ روزنامه کیهان از درج این مقاله خودداری کرده است.

تشنج و درگیری‌های سیاسی پس از پیروزی انقلاب یک زمینه اصلی دارد که عبارت است از مقابله مرگ و زندگی ضدانقلاب با جبهه انقلاب ایران.

امپریالیسم سرکردگی آمریکا، سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ برای متوقف کردن انقلاب و برای به شکست کشاندن آن و پایمال ساختن پیروزی‌های مردم همه روش‌ها و تاکتیک‌هایی را که بنا به موقعیت در تضعیف و نابودی انقلاب موثر است بکار می‌گیرند، دامن‌زدن به نفاق و پراکندگی در صفوف مردم و نیروهای ضدامپریالیست ایجاد ناآرامی‌های سیاسی، ارباب و بمب‌گذاری و ترور انقلابیون، گسترش درگیری‌ها به منظور شتاب دادن به بی‌ثباتی سیاسی برای ایجاد موانع بر سر راه تثبیت انقلاب و استقرار جمهوری اسلامی بخشی از برنامه شناخته شده

امپریالیسم سرکردگی آمریکا و ضدانقلاب داخلی است. از آنجا که این بستر و زمینه اصلی تشنج و درگیری‌های سیاسی پس از انقلاب است، بسیار مهم است که درک کنیم تنها با بسیج تمامی نیروهای مردم با تأمین اتحاد عمل همه نیروهای معتقد به انقلاب و پیشرفت آن با تجهیز همه توانایی‌های انقلاب در جهت پاسخگویی و تحقق هدف‌های انقلاب در عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حقیقت همان خواست‌های اساسی توده‌های

برای خنثی کردن توطئه‌های امپریالیسم

سیاسی و حتی از قتل و جرح مخالفین سیاسی خود نیز هیچ گونه ابایی ندارند. اقدامات مخرب و ارتجاعی این دسته که یکی از عوامل درگیری‌های اخیر است، متأسفانه تا امروز نیز به شکل‌های مختلف مورد تشویق و تأیید پاره‌ای از مقامات درجه اول جمهوری اسلامی بوده و مالا "به تشدید درگیری‌ها و تشنجات سیاسی می‌انجامد.

بخش دیگر نیروهایی که بر این زمینه عمل می‌کنند و از عوامل درگیری و تشنج هستند نیروهای اجتماعی

دولت باید اوباشانی را که آشوب به پا می‌کند دستگیر و مجازات کند

دولت باید اوباشانی را که آشوب به پا می‌کند دستگیر و مجازات کند

نیروهایی که بر این زمینه علیه انقلاب خواسته و یا ناخواسته عمل می‌کنند همچنان که گفتیم متفاوتند. بخشی از این نیروها، به محافل مذهبی متعصب و خشک‌اندیش تعلق دارند که در نیات خود برای انقلاب و جمهوری اسلامی مبارزه می‌کنند، لیکن عملاً "علیه نیات خود، علیه انقلاب و علیه جمهوری اسلامی اقدام می‌کنند. قشریت مذهبی انحصارطلبی سیاسی، تنگ‌نظری، خودسری، بی‌اعتنایی به قانون از ویژگی‌های آنان است. این محافل که متأسفانه در سطوح مختلف در جمهوری اسلامی ایران دارای نفوذ و قدرتند حامل گرایش‌هایی هستند که با آزادی‌های سیاسی و حقوق دموکراتیک مردم آشکارا مخالف است. این محافل که حداقل پاره‌ای از آنان دارای پیوندهای تاریخی و معینی با کانون‌هایی از تاجران بازار است حتی با آزادی فعالیت گروه‌های سیاسی ترقیخواه و انقلابی در چهارچوب قانون اساسی به دلیل آنکه این گروه‌ها دارای گرایش‌ها و تعلقات ایدئولوژیک - سیاسی غیر از آنهاست مخالفند.

مجموع این نیروها که از محافل درون جمهوری اسلامی هستند به خود اجازه می‌دهند که هر طور که می‌خواهند علیه گروه‌های مخالف خود اقدام کنند. شواهد عینی نشان می‌دهد که اینان از حمله به اجتماعات تا یورش به دفاتر

می‌باشند که از پیشرفت انقلاب در هر اسناد از همراهی مصلحت‌جویانه با انقلاب روی برتافته و خواهان توقف چرخ انقلابند همچنین زمینداران و زمینداران بزرگ، محافل منتسب به تجار عمده بازار، ساواکی‌ها سلطنت‌طلبان، مائوئیست‌ها و جاسوسان امپریالیسم و بطور کلی ضدانقلاب هم بر این زمینه علیه انقلاب و جمهوری اسلامی عمل می‌کنند و از عوامل درگیری‌اند.

تجربه اخیر یورش وحشیانه به میتینگ قانونی سازمان ما در میدان آزادی که با شهادت عده‌ای و مجروح شدن بیش از هزار تن همراه بود نشان داد که مجموعه این نیروها در نهادهای انقلابی و به ویژه در کمیته‌ها دارای نفوذ قابل تأکیدی هستند. ضدانقلاب علاوه بر اقدامات مستقل با نفوذ در این ارگان‌ها در اجرای سیاست امپریالیسم به تشنج و درگیری دامن می‌زند و مانع اجرای قانون و تأمین آزادی‌های سیاسی مصرح در قانون اساسی می‌شود. آنان مشخصاً "و آگاهانه در جهت ایجاد نفاق و پراکندگی در صفوف مردم و نیروهای ضدامپریالیست جنایتکارانه‌ترین اعمال را مرتکب می‌شوند. قالب شناخته شده فعالیت مخرب و ضدانقلابی مجموعه این نیروهای متناقض تاکنون عمدتاً "تحت پوشش "حزب الهی" صورت گرفته است.

بیماری مهلک

انقلاب ایران از همان آغاز از یک بیماری مهلک رنج برده، بیماری که نه تنها هنوز درمان نشده، بلکه با ادامه آن خطر از پادرامدن انقلاب از این رهگذر به ویژه اکنون خطر جدی است.

این بیماری مهلک درک بسیار نادرست پاره‌ای از محافل "خط امام" از دوستان و دشمنان انقلاب است، هم در عرصه داخلی و هم در عرصه بین‌المللی اینک دوست و دشمن را نه بر اساس سمتگیری آنان در رابطه

یکی دیگر از عوامل درگیری‌های اخیر، آن بخش از گروه‌های سیاسی هستند که به دلیل کمی تجربه نا - آگاهی، ذهنی‌گری، ناتوانی در شناخت پیچیدگی‌های انقلاب، ارزیابی غلط از نیروهای جمهوری اسلامی موضوعی اتخاذ کرده‌اند که به درگیری و تشنج دامن زده و آب به آسیاب امپریالیسم می‌ریزد. این دسته از گروه‌های سیاسی عملاً از بستر اصلی مبارزه انقلابی در جامعه ما که مبارزه بر علیه امپریالیسم سرکردگی امریکا است فاصله گرفته‌اند. تضادهای فرعی را به جای تضاد اصلی نشانده و در تشخیص دوست و دشمن به شکلی دیگر به همان بیماری مهلکی گرفتار آمده‌اند که پاره‌ای از محافل "خط امام" و مقامات جمهوری اسلامی گرفتار آنند.

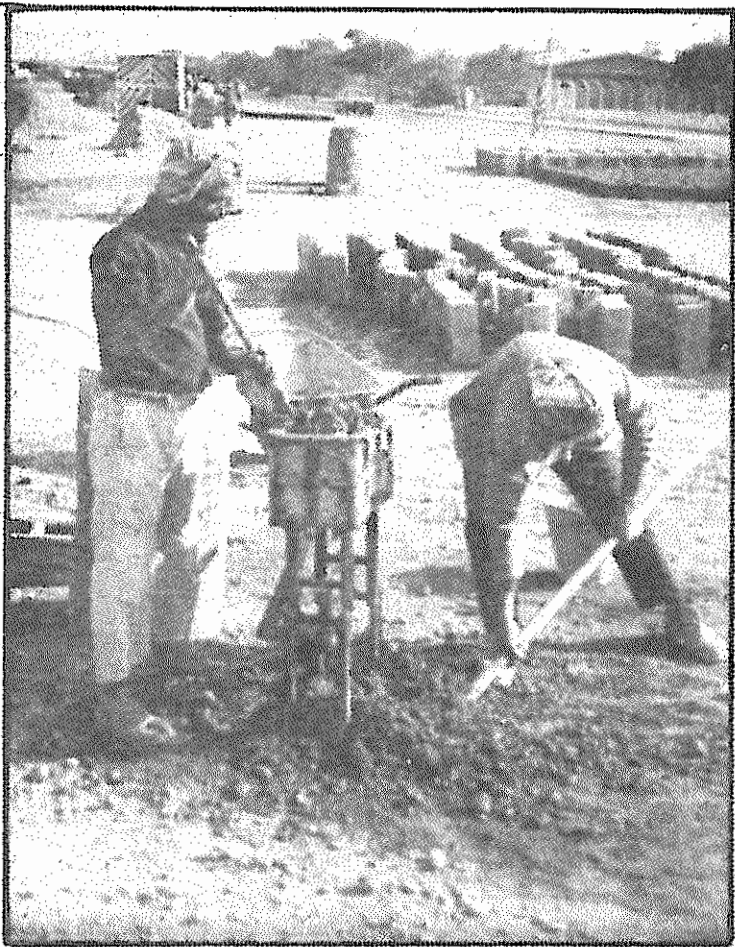
این دسته عواملی که بر شمرده‌ایم در مجموع عواملی هستند که درگیری‌ها و تشنج سیاسی در جامعه را شکل می‌دهند. به نظر سازمان ما، فوری‌ترین اقداماتی که برای پایان بخشیدن به درگیری‌ها و تشنجات سیاسی اخیر باید صورت گیرد به قرار زیر است:

- ۱ - اجرای کامل اطلاعیه ۱۵ ماده‌ای دادستان انقلاب و تأمین آزادی‌های سیاسی مصرح در قانون اساسی.
- ۲ - شناسایی، دستگیری و مجازات رهبران و مسببین کشتارهای اخیر در هر لباس و مقامی که هستند.
- ۳ - مبارزه بدون تزلزل با محافل انحصارطلب ضدقانون و مخالف آزادی‌های سیاسی در نهادهای انقلابی و دستگاه دولتی جمهوری اسلامی و طرد قاطعانه آنان.
- ۴ - توقف هرگونه پاکسازی نیروهای سیاسی و انقلابی و پاکسازی قاطعانه نهادهای انقلابی از جاسوسان امپریالیسم، ایادی سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ، مائوئیست‌ها، ساواکی‌ها، اوباش و افراد مشکوک و تمام عناصر ضد - انقلابی.
- ۵ - استقبال تمام گروه‌ها از اطلاعیه ۱۵ ماده‌ای دادستان انقلاب و رهنمودهای اخیر امام خمینی ما همه گروه‌های ترقیخواه ضدامپریالیست و انقلابی را به فعالیت در چارچوب قانون اساسی دعوت می‌کنیم.



کارگران بلوک ساز:

«حاصل رنج ما را سرمایه داران غارت می کنند»



"صلح خواست همه مردم است. ما نمی خواهیم جوانان ما شهید و معلول شوند. اما تا مادامی که آمریکا و صدام با ما بجنگند ما نیز با آنها می جنگیم تا پیروز شویم."

"امریکا دشمن شماره یک مردم ایران است و برای نابودی انقلاب ما از صدام جنایتکار پشتیبانی می کند." وی در مورد مذاکره صلح می گوید:

می پرسیم . می گوید : ما به این کار و این زندگی مجبور شده ایم . برای گذران زندگی خود و بچه هایمان که در ده چشم - انتظار لقمه ای نان هستند ، باید صبح تا شب جان بکیم و آن وقت سرمایه دارها و تجار بزرگ بدون آنکه دست به سیاه و سفید بزنند حاصل زحمت ما را غارت می کنند . باید شراب زالوها را یک طوری بکیم تا بتوانیم نفس راحتی بکشیم . ایضا کمتر از آمریکا و عراق خایه خرابان بگردید .
کارگران بلوک سازی علی رغم زندگی و کار طاقت فرسا و با وجود فشار روزافزون گرانی و بیکاری ، همانند همه کارگران و زحمتکشان دیگر با ایثار انقلابی در راه استقلال میهن و حفظ انقلاب مبارزه می کنند یکی از کارگران در مورد جنگ تحمیلی عراق می گوید :

آنچنانکه کارگران یا قادر به ادامه کار نمی شوند و یا با تحمل این شرایط سخت پس از مدت کوتاهی به انواع بیماری ها مبتلا می شوند . وضع بهداشت کارگران نیز اسفبار است . آنها به علت سر و کار داشتن با غبار سیمان و ماسه بایستی هر روز بعد از کار استحمام نمایند در حالیکه به علت نبود امکانات عموماً ماه به ماه موفق به استحمام می شوند . کارگران بلوک زن از حق بیمه برخوردار نیستند و هرگونه حادثه ای به هنگام کار به خود کارگران مربوط می شود و کارفرما کوچکترین مسئولیتی به عهده نمی گیرد مسکن این کارگران معمولاً در همان محل کارگاه و آلونکی از بلوک یا بوریا است . با یکی از کارگران به نام "جاسم" صحبت می کنیم و از وضع کار و زندگی اش

در اطراف "ماه شهرکهنه" بیش از ۳۰ کارگاه بلوک سازی وجود دارد که اغلب آنها به علت کمبود سیمان در حال تعطیل هستند . در هندیجان و شادگان نیز تعداد زیادی از این کارگاهها وجود دارد که در همین وضعیت قرار دارند . کارگران بلوک ساز به صورت کارمزدی (کنتراتی) کار می کنند . (در ازای هر بلوک ۶ ریال می گیرند) دستمزد یک روز کار طاقت فرسای کارگر بلوک ساز در صورتی که از بام تا شام یک نفس کار کند ، حداکثر ۷۵ تومان می شود . در حالیکه هر بلوک در بازار ۳۶ تا ۴۰ ریال به فروش می رسد و این مابه التفاوت به جیب صاحبان بلوک سازیها می رود . کار بلوک سازی در فصل تابستان زیر گرمای ۵۰ درجه توأم با شرعی و رطوبت ، بسیار طاقت فرساست

سندیکاهای خیاط و قناد تهران

حمله به «انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای»

را محکوم کردند

ما را دل آتشین تو بترشد
در هر قدمت هزار گل پرپرشد
خورشید خجسته گان پیروز اسلام
از تو نفس زمانه زیبا ترشد

سندیکایی و شورایی کارگران را به رسمیت شناخته است . سندیکاهای کارگران خیاط و قناد ازدولت می خواهد که در اجرای فرمان امام خمینی رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی که امسال را

است . ارگان های انقلابی ، سپاه پاسداران و کمیته ها نیز تاکنون نه تنها آنطور که باید و شاید در جهت جلوگیری از فعالیت های ضد انقلابی این باندهای مخرب اقدام نکرده اند که در برخی موارد خود نیز آتش بیار معرکه بوده اند
سندیکاهای کارگران خیاط و قناد تهران و حومه ضمن محکوم کردن حمله به "انجمن" خواستار دستگیری و محاکمه مهاجمین بوده و از دولت جمهوری اسلامی می خواهد در اجرای قانون اساسی بیش از این مسامحه نکند . اصول ۲۶ و ۱۰۴ قانون اساسی صریحاً حقوق

در این یورش که تاکنون با سکوت مقامات مسئول جمهوری اسلامی روبرو گردید دفاتر ، اسناد و مدارک "انجمن" غارت شده و پول های موجود را که از حق عضویت کارگران عضو جمع آوری شده بود به یغما بردند حمله به تشکلهای کارگری حمله به انقلاب و حمله به جمهوری اسلامی ایران است .
متأسفانه با وجود گذشت بیش از دو سال از انقلاب ، هنوز همچنان باندهای انحصار طلب و قشری فعالند و دولت جمهوری اسلامی بر خورد مسئولانهای در جهت سرکوب این باندها انجام نداده

سندیکاهای کارگران خیاط و قناد تهران و حومه ، طی اعلامیه ای تحت عنوان "حقوق سندیکایی کارگران باید تثبیت شود ، هجوم وحشیانه عناصر ضدکارگر و مشکوک را به دفتر "انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای شیدا محکوم کردند ، که ما ذیلاً قسمت هایی از این اعلامیه را نقل می کنیم . در این اعلامیه آمده است :
"روز جمعه اول خرداد ۶۰ گروهی انحصارطلب و قشری و عده ای از عناصر مشکوک ، انجمن همبستگی سندیکاها و شوراهای کارگران و زحمتکشان تهران و حومه را مورد تهاجم قرار دادند

پر توان باد جنبش طبقه کارگر

پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

مروری بر تاریخچه جنبش سندیکائی در ایران

دوره چهارم از ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ - قسمت آخر

۱۷۰۰ تن از کارگران کارخانه وطن اعتصاب کردند که بایورش نیروهای سرکوبگر رژیم، ده تن از کارگران شهید و بسیاری نیز زخمی شدند. همچنین کارگران کارخانه‌های شهناز و پشمباف اصفهان نیز برای تحقق خواست‌های صنفی مبرم اعتصاب کردند. علیرغم سرکوب‌های مستمر و سازمان‌یافته حرکت‌های کارگری توسط رژیم کودتا و با وجود فروپاشی تدریجی سندیکاها، اعتراضات خودانگیخته کارگران در ابعادی بالنسبه گسترده و با کمیتی چشمگیر ادامه یافت آنچنانکه رژیم کودتا را به تکاپو انداخته و مسئولین حکومتی را مستاصل کرده بود به نحوی که اقبال نخست‌وزیر وقت، با غیظ و نفرت در مجلس گفته بود:

"من از این کلمه اعتصاب متنفرم!" رژیم کودتا بیش از پیش درمی‌یافت که برای مقابله با جنبش اعتصابی کارگران، سرنیزه‌های عربان، کافی نیست بلکه باید به این سرنیزه‌ها لباس "قانون" پوشاند. و از آنجا که قانون کار ۱۳۲۸ پاسخگو نبود، در اسفندماه ۱۳۳۷ قانون کار ارتجاعی و متحجری را به تصویب رساند تا برابردایی‌ترین حقوق صنفی کار، نیز خط‌بطلان کشد.

۲- تصویب قانون کار ضدکارگری ۱۳۳۷:

رژیم ارتجاعی شاه که بر تجارب تلخ خود در دهه ۲۰ (دهه رونق و اعتلای جنبش کارگری - سندیکائی) متکی بود و از تجارب امپریالیسم و ارتجاع جهانی و همه دشمنان آشکار و نهان جنبش کارگری در مقیاس بین‌المللی بهره می‌برد به خوبی می‌دانست که تجهیز طبقه کارگر به سازمان‌های اصیل سندیکائی به معنای تجهیز دشمن آشتی‌ناپذیرش به یکی از برترین حربه‌های مبارزه طبقاتی‌اش می‌باشد. رژیم شاه در سال ۱۳۳۷ (پس از ۵ سال سرکوب سازمان‌یافته جنبش سندیکائی) دریافت که برای ممانعت از شکل و سازمان‌یابی کارگران، تنها توسل به اعمال قهر و سرکوب کافی نیست، بلکه باید با اهرم قوانین متحجر سرمایه‌داری به تاسیس سندیکاها فرمایشی اقدام نماید. بدین ترتیب در ۲۶ اسفند ماه ۱۳۳۷، قانون کار جدیدی را که به مراتب عقب‌مانده‌تر از قانون کار قبلی بود از تصویب مجلس گذراند. این قانون کار که می‌بایست مبنای حقوقی مناسبات کارگر و کارفرما باشد، با مشارکت مستقیم عمال امپریالیسم که زیر عنوان پرطمطراق "کارشناسان سازمان بین‌المللی کار" در کشورهای زیر سلطه فعالیت می‌کردند، تدوین شده بود. همچنین در تنظیم این قانون، از آئین‌نامه‌ها، مصوبه‌ها و مقررات ارتجاعی و ضدکارگری‌ای که تا آن زمان اختیار صدورش با وزارت کار و کارفرمایان بود، استفاده شده بود. از طرفی دیگر از آنجا که این قانون شامل بخش مهمی از کارگران منجمله مشمولین قانون استخدام کشوری، کارگران کشاورزی، کارگران تأسیساتی و ساختمانی و کارگاه‌های خانگی و... نمی‌شد، بیش از پیش موجبات تشدید تفرقه و تبعیض در صفوف کارگران را فراهم می‌آورد. و این از جمله هدف‌هایی بود که کارگزاران رژیم کودتا از تدوین این قانون

بقیه در صفحه ۲۲

مقاومت‌های پیگیرانه توده کارگران علیه متجاوزین به حقوق صنفی‌شان است، هستیم. در فاصله سالهای ۳۴ تا ۳۷ علیرغم تشدید سلطه تروریستی رژیم کودتا، جنبش طبقه کارگر از حرکت باز نایستاد. در مرداد ماه ۱۳۳۴، در نخستین سال سیطره کنسرسیون، نفتگران آبادان دست به اعتصاب زدند. کارگران از سرنیزه‌های آمریکایی و انگلیسی رژیم کودتا نهراسیدند و دست به یک سلسله اعتصابات متوالی زدند و طی آن خواستار کسب حقوق پایمال شده خویش گشتند رژیم شاه در مقابل، اعتصاب را غیر قانونی اعلام کرد و به سرکوب آن مبادرت نمود تعدادی از فعالین اعتصاب دستگیر و زندانی شدند. اعتصاب‌های دیگری نیز در نقاط دیگر کشور از جمله در تهران در کوره‌پزخانه‌ها، سیمان و معادن رباط کریم روی داد. در سال ۳۷ سختی شرایط کار و زندگی، اجحافات روزافزون و گسترش جو اختناق و ترور حاکم بر موسسات تولیدی طبقه کارگر را به واکنش‌های اعتراضی وسیعتری واداشت در این میان کارگران کارخانجات اصفهان به‌کرات دست به اعتصاب زدند، کارگران خط‌لوله نفت جزیره خارک به عنوان اعتراض به شرایط طاقت‌فرسای کار اعتصاب کردند و کارگران بندر شاهیرو به مدت ۵ روز دست از کار کشیدند. در همین سال در تعدادی از کارخانجات تبریز، نساجی شهری و کوره‌پزخانه‌های تهران اعتصابات متعددی به وقوع پیوست. در ۲۳ فروردین ۱۳۳۷، اعتصاب بزرگ ۱۲ هزار راننده تاکسی رخ داد. در سال ۱۳۳۸ جنبش اعتصابی کارگران گسترش تازه‌ای یافت و بر سببیت رژیم ارتجاعی کودتا نیز در برابر مبارزات اعتصابی افزوده شد. در فروردین ماه ۱۳۳۸ کارگران ریساف تهران به خاطر بهبود شرایط کار دست از کار کشیدند. در اردیبهشت ماه کارگران کشتارگاه تهران و معادن سنگ حومه تهران اعتصاب کردند در خرداد ماه ۳۰ هزار تن از کارگران کوره‌پزخانه‌های تهران علیه شرایط غیر انسانی کار و زندگی خود بپا خاستند. اعتصاب و راهپیمایی بزرگ کارگران کوره‌پزخانه‌ها به خاطر حقوق صنفی مبرم‌شان، با یورش مسلحانه مزدوران رژیم مواجه شد که طی آن متجاوز از ۵۰ کارگر شهید و جمع کثیری نیز مجروح شدند. رژیم دست‌نشانده و مزدور شاه با این عمل جنایتکارانه یکبار دیگر چهره رسوای خود را برملا کرد و عمق خصومت کینه‌توزانه خود و اربابان امپریالیستش را با جنبش کارگری نشان داد. این اعتصاب با توجه به دامنه توده‌ای و خصلت پیکارجویانه‌اش از رویدادهای مهم جنبش کارگری در این دوره به شمار می‌آید. تمامی شور انقلابی و غریزه طبقاتی کارگران که از ژرفای شرایط طاقت‌فرسای کار و زندگی‌شان نشأت می‌گرفت، در این خیزش پیکارجویانه تبلور یافت این اعتصاب تأثیرات بلاواسطه‌ای بر جنبش اعتصابی سایر نقاط کشور به جا گذاشت برخلاف آنچه که رژیم شاه پیش‌بینی می‌کرد سرکوب اعتصاب کوره‌پزخانه‌ها، به‌جای آنکه شور مبارزاتی دیگر کارگران را فرو نماند. آنان را در طرح خواست‌های صنفی - سیاسی‌شان به جسارت انقلابی بیشتری تحریض نمود. به دنبال این اعتصاب، کارگران در تعداد بیشتری از کارخانجات دست به اعتراض زدند. در اصفهان

دوره چهارم دوره سرکوب جنبش ملی، فروپاشی تشکل‌های کارگری، پراکندگی صفوف مبارزاتی کارگران، تثبیت حکومت کودتا و تصویب و اجرای ارتجاعی‌ترین قوانین کارگری - سندیکائی است. این دوره که طولانی‌ترین دوره رکود در تاریخچه جنبش سندیکائی ایران است، با کودتای ۲۸ مرداد آغاز می‌شود و صرف‌نظر از دوره کوتاه تنفس جنبش (سالهای ۴۲ - ۳۹)، تا انقلاب بهمن ۵۷ طول می‌کشد. ما در اینجا مختصات تاریخی دوره هفت ساله ۳۲ تا ۳۹ را که از لحاظ سرنوشت تشکل‌های کارگری اهمیت ویژه‌ای دارد، مرور می‌کنیم.

مهمترین ویژگی‌های تاریخی جنبش کارگری سندیکائی این دوره (۳۹ - ۳۲) عبارت است از:

- ۱ - فروپاشی تشکل‌های صنفی - سیاسی کارگران (سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری)
 - ۲ - تصویب قانون کار ارتجاعی و تشکیل سندیکاها فرمایشی (سالهای ۳۷ و ۳۸)
- لازم است هر یک از مختصات فوق‌الذکر را بطور اختصار مورد بررسی قرار دهیم:

۱ - چگونگی فروپاشی تشکل‌های سندیکائی و کیفیت مبارزات سیاسی این دوره:

کودتای ۲۸ مرداد که توطئه مشترک امپریالیست‌های آمریکایی و انگلیسی و ارتجاع داخلی به سرکردگی دربار پهلوی علیه جنبش ملی و دموکراتیک مردم ایران بود، با سرنگون کردن دولت ملی مصدق دستاوردهای انقلابی زحمتکشان را بطور همه‌جانبه‌ای مورد یورش و تهاجم قرار داد. پیگرد، بازداشت، شکنجه و اعدام کمونیست‌ها و برخی از مبارزان اتحادیه‌ای که بیانگر نفرت و هراس عمیق امپریالیسم و ارتجاع داخلی از جنبش کارگری ایران بود، آغاز شد. اما علیرغم موج سرکوب و ترور و تهاجم وحشیانه رژیم کودتا که تأثیرات مخرب و ویرانگرش را بیش از همه بر جنبش کارگری - سندیکائی ایران به جا گذاشت، مشعل مبارزات صنفی - سیاسی کارگران در آن سالهای تیره و سیاه همچنان روشن ماند، هرچند که این نکته را نیز نباید از یاد برد که مبارزات اعتصابی پس از کودتای ۳۲ عمدتاً غیر متشکل و فاقد رهبری آگاه بود. در فاصله سالهای ۳۲ و ۳۳، کارگران کارخانه‌های کبریت‌سازی همدان، نساجی اصفهان، کوره‌پزخانه‌های تهران، بنادر خلیج فارس و تعدادی از کارخانجات رشت چالوس و تبریز به خاطر بهبود شرایط کارشان دست به اعتصاب زدند. کارفرمایان زیر چتر حمایت رژیم کودتا درصدد بودند مواضع از دست رفته را بازستانده و دستاوردهای کارگران (در زمینه حقوق صنفی‌شان) را که محصول مبارزات مستمر و متشکل آنها در دهه ۲۰ بود پایمال کنند، هرچند جنبش اعتراضی و مقاومت‌جویانه کارگران به خاطر تلاشی سازمان‌های اتحادیه‌ای‌شان از انسجام لازم برخوردار نبود ولی دست‌اندازی ضدانقلابیون به حریم دستاوردهای مبارزاتی کارگران نیز نمی‌توانست بی‌پاسخ بماند. از این رو طی سالهای ۳۲ به بعد شاهد مبارزات اعتصابی متعددی که حاکی از

هماهنگی ارگان‌های انقلاب و ادارات دولتی امری ضروری است

استان فارس - سروستان :

عدم هماهنگی ارگان‌های انقلاب و ادارات دولتی که عمدتاً به دلیل یکدست نبودن آنها و نفوذ لیبرالها در ادارات و غیره وجود دارد، باعث گردیده است که درپاره‌ای از نقاط، بیشترین صدمات مادی به روستائیان زحمتکش وارد شود. این ناهماهنگی‌ها که عمدتاً ناشی از وجود لیبرالها و عناصر ناپاب در بعضی ادارات دولتی و حمایت آنها از زمینداران بزرگ و فئودالها و یا عدم هماهنگی در برنامه بخش‌های اجرائی مختلف حکومت است از نظر اقتصادی بیشترین آسیب‌ها را به روستائیان زحمتکش وارد می‌سازد. به نمونه زیر توجه کنید:

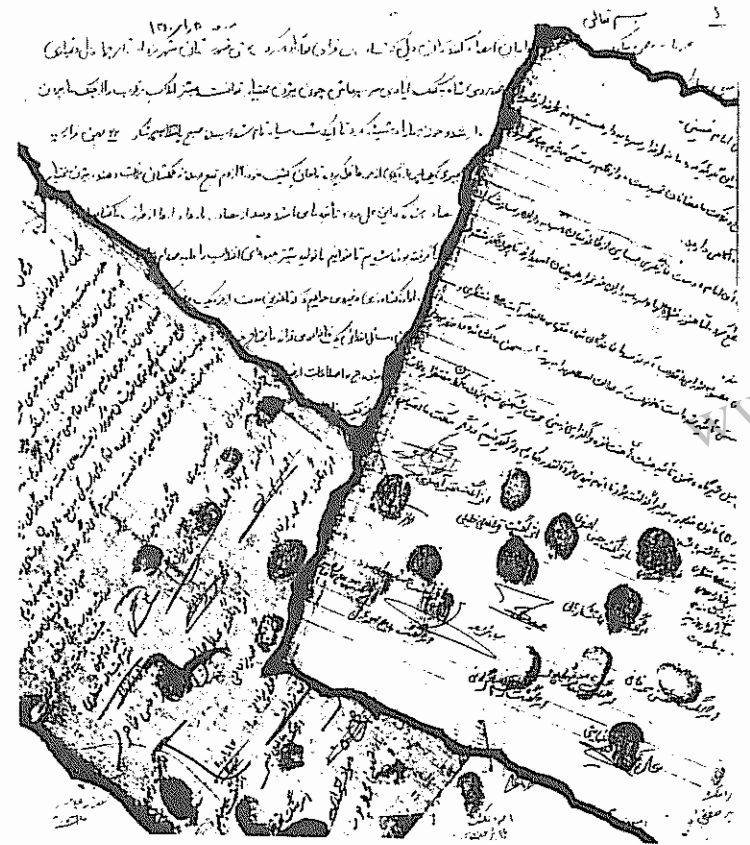
روستای نظرآباد در ۱۸ کیلومتری سروستان فارس قرار داشته و در حدود ۸۰۰ نفر جمعیت دارد که به کارهای مختلفی از قبیل کشاورزی روی زمین‌های خود و یا کار روی زمین‌های دیگران، رانندگی، حفر چاه و کارگری در شهر اشتغال دارند. در مقطع قیام عده‌ای از دهقانان کم‌زمین و بی‌زمین این روستا در گروه‌های ۴ تا ۷ نفره شروع به آباد کردن و کشت جمعی زمین‌های بایر اطراف روستا می‌نمایند. آنان علی‌رغم مشکلاتی چون کمبود و شوری آب، گرانی قطعات یدکی موتور پمپ و کمبود سوخت و غیره، با قرض کردن و کار و

کوشش شبانه‌روزی درطول دو سال، ۱۷ تلمبه آب نصب کرده و موفق به آباد کردن زمین‌ها می‌گردند. هیئت ۷ نفره واگذاری زمین سروستان نیز همچنانکه تاکنون بیش از ۳۰۰۰ هکتار از زمین‌های بایر در منطقه را بین درخواست‌کنندگان تقسیم نموده و توانسته است با کمکهای مختلفی همچون تهیه تلمبه آب و تراکتور به قیمت ارزان اقدامات سودمند و موثری درجهت رسیدگی به وضعیت دهقانان منطقه انجام داده و عمیقاً مورد تأیید و پشتیبانی آنان قرار گیرد، زمین‌های فوق را نیز به مدت ۳ سال به روستائیان نظرآباد واگذار نمود تا در صورت کشت بلاوقفه، برای مدتی طولانی تجدید گردد. اما در مهرماه گذشته شعبه دوم دادگاه شهرستان شیراز به دنبال شکایت اداره جنگلبانی سروستان مبنی بر تجاوز به اراضی ملی شده توسط عده‌ای از دهقانان، دست به صدور حکمی می‌زند مشتمل بر پرداخت هر یک ۱۵ هزار تومان خسارات وارده به اراضی، ۶ هزار تومان جزای نقدی و ضبط اراضی به نفع جنگلداری و آن را به دهقانان ابلاغ می‌نماید. زحمتکشان روستا برای حفظ حاصل رنج و زحمت دوساله‌شان به هیئت ۷ نفره واگذاری زمین سروستان نماینده سروستان در مجلس شورای اسلامی و استانداری فارس مراجعه نموده و طی نامه‌ای به تاریخ

۱۵ اسفند ۵۹ به کمیسیون کشاورزی مجلس شورای اسلامی رای صادره را محکوم نموده و خواستار کمک و احقاق حقوق خود می‌شوند. این دهقانان می‌پرسند: چگونه عناصر مزدور و خود - فروخته ساواکی امثال بیژن کمالی پس از آزادی از زندان می‌توانند صدها هزار تومان وام از بانک کشاورزی دریافت کرده و به حفر چاه اقدام نمایند و در عین آنکه کارشان تبلیغ مداوم علیه انقلاب و جمهوری اسلامی است از حمایت و تضمین مقامات برخوردار باشند، اما دهقانانی که با رنج و زحمت شبانه‌روزی برای کمک به انقلاب اقدام به آباد نمودن و کشت زمین‌های بایر نموده‌اند، مورد تعدی قرار گیرند؟ چطور بند و بست زمیندارانی امثال اسلام‌بیا و حاج غفوری با جنگلبانی در زمان طاغوت و دریافت پروانه "چرا" و ایجاد حق مالکیت بر زمین‌های بایر برای خود، تجاوز به زمین‌های ملی شده محسوب نمی‌گردد، اما آباد کردن و زیر کشت بردن زمین‌های بایر توسط دهقانان زحمتکش آن هم طبق فرمان امام خمینی تجاوز شناخته می‌شود؟ در پاسخ به همین پرسش‌ها است که دهقانان زحمتکش روستای نظرآباد تصمیم دارند با پشتیبانی از هیئت ۷ نفره و دیگر ارگان‌های انقلابی در مقابل لیبرالها و حامیان سرمایه‌دارها مقاومت کرده و از حقوق خود دفاع نمایند

بند "ج" باید هرچه زودتر اجرا گردد

توقف اجرای بند "ج" و "دال" قانون اصلاحات ارضی بزرگترین فرصتی بود که زمینداران بزرگ و فئودال‌های ضدانقلابی از آن سود جستند و متشکل و آماده گردیدند، بطوری که هر روز توطئه‌ای جدید در گوشه‌ای از میهن ما، از بلوچستان گرفته تا کردستان و ترکمن صحرا بر علیه انقلاب و مردم زحمتکش به اجرا درمی‌آورند. لازم است مسئولین جمهوری اسلامی



کمیابین‌ها استفاده از نیروی فنی کارخانجات جهت تعمیر قطعات یدکی کمیاب که در بازار نایاب است، تضمین خسارات احتمالی ناشی از جنگ به کمیاب‌داران، جیره‌بندی نخ مورد نیاز بافها، استفاده از نیروی کار جنگ‌زدگان به ویژه ساکنین اردوگاه‌ها برای برداشت محصول نواحی مجاور تحت نظارت جهاد سازندگی دسترنج زحمتکشان منطقه را از خطر نابودی نجات دهند.

نخ این بافها که از ایتالیا وارد می‌شد بلااستفاده مانده‌اند. لذا اتخاذ یکراه حل مناسب برای جلوگیری از نابودی شدن محصولات کشاورزی خوزستان ضرورت فوری دارد. مسئولین جمهوری اسلامی می‌توانند با درپیش گرفتن برنامه‌هایی از قبیل استفاده از امکانات جهاد سازندگی استان‌های مجاور، ترغیب کمیابین - داران به وسیله تامین وسایل حمل و نقل، سوخت و روغن

که هر ساله از سایر نقاط من جمله همدان و کرمانشاه و فارس به خوزستان می‌آیند امسال به بهانه جنگ از به گردش درآوردن کمیاب‌های خود در خوزستان امتناع می‌ورزند و این درحالی است که تعداد کمیاب‌های موجود در منطقه به هیچ‌وجه پاسخگوی نیازهای کفونی نیست. بافهای هم که می‌توانستند در برداشت محصول کمک نسبتاً موثری بکنند اینک به علت کمبود

امسال در حالی که ۲۵ الی ۲۵ درصد زمین‌های زراعی استان خوزستان به علت قرار گرفتن در منطقه جنگی یا کشت نشده و یا در منطقه تحت اشغال نیروهای تجاوزگر عراق قرار دارند، بقیه زمین‌هایی که توسط زحمتکشان لر و عرب زیر کشت گندم و جو رفته و اکنون فصل درو آنها فرا رسیده است به علت نبودن کمیابین با خطر ضایع شدن محصول روبرو هستند. کمیاب‌دارانی

با تدارک کمیابین از نابودی محصولات کشاورزی خوزستان جلوگیری کنید

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

ترکمن صحرا

خاطره شهدای خلق ترکمن

در جنگ تحمیلی عراق گرامی باد



در اواخر فروردین ماه در جبهه اندیمشک بر اثر اصابت ترکش خمپاره به شهادت رسید. مراسم تشییع جنازه وی که از طرف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بندر ترکمن ترتیب یافته بود، و هزاران تن از مردم ترکمن صحرا در آن شرکت داشتند، جلوه‌ای دیگر بود از پیوند انقلابی همه زحمتکشان ایران با ملیت‌های گوناگون. مردم با شعارهایی نظیر:

این سند جنایت امریکاست
مرگ بر امریکا، دشمن اصلی ما
شهید لرینگ سارقدی
انقلابی ساقلاماق
(پیام شهدا حراست از انقلاب است)
برلشک - چارلشماق
امریکانین ترسینه
اوستین ینگیش قارلماق
(اتحاد - مبارزه علیه امریکا
برای زندگی بهتر)

و... پیکر پاک شهید
راه استقلال میهن و انقلاب
را به خاک سپردید.
باردیگر یاد فرزندان
راستین خلق ترکمن حاجی
شهدای آرخی، نورمحمد
یمرلی، قربان دوردی ایری،
نوری رومی و دیگر شهدای
جنگ تحمیلی امپریالیسم
امریکا و رژیم تجاوزگر صدام
علیه میهنمان را گرامی
می‌داریم.

از آغاز جنگ تحمیلی رژیم تجاوزگر صدام، سنگرهای خونین جنوب و غرب کشورمان همچنان شاهد مقاومت شورانگیز و قهرمانانه مردان و زنانی است که مصممند با بدل جان و مال خود، حافظ استقلال و آزادی میهن باشند. در این میان خلق قهرمان ترکمن نیز شهدای بی‌شماری تقدیم سینه انقلابی نموده و با درآمیختن خون بهترین فرزندان خود با خون سایر رزمندگان جبهه‌های جنگ، نشانگر وحدت خلقهای سراسر ایران علیه امپریالیسم امریکا و دفاع از دستاوردهای انقلاب بوده است. شهدایی همچون شهدای حاجی آرخی، نورمحمد یمرلی، قربان دوردی ایری، و... بوری رومی.

شهید نوری رومی

شهید بوری رومی فرزند یک خانواده زحمتکش از روستای امچلی واقع در اطراف بندر ترکمن و معلم روستاهای ترکمن صحرا بود. وی با آغاز جنگ تحمیلی رژیم تجاوزگر صدام همراه با سربازان منقضی خدمت ۵۶ به جبهه جنگ شتافت و پس از ابراز شهامت‌ها و فداکاری‌های فراوان سرانجام

قطعه قطعه کردن اراضی «واحد کشت و صنعت مغان» فاجعه اقتصادی بزرگی است

♦ دولتی کردن چنین واحدهایی همراه با تامین نظارت همه‌جانبه شوراهای کارگران و کارکنان در مدیریت این واحدها دولت را قادر می‌سازد که از اهرم قدرتمندی برای کنترل بخش خصوصی برخوردار شود.

اجتماعی واگذاری اراضی به کارگران کشاورزی شاغل در این واحد و یا دهقانان کم زمین و بی‌زمین محلی، نه تنها به فقر عمومی دامن می‌زند و باعث کاهش تولیدات کشاورزی می‌گردد نظر به اینکه این اراضی سابقا محل قشلاق عشایر شاهسون و مرتع تابستانی دام‌های آنها بوده‌است باعث بروز اختلاف بین عشایری که خواهان داشتن مرتعد با دهقانان و کارگران کشاورزی می‌شود که با توجه به جو منطقه و نفوذ خان‌ها و ضد انقلاب زمینه مناسبی برای بروز درگیری‌ها و تشنجات تازه‌ای خواهد بود از سوی دیگر کارگران کشاورزی این واحد تمایل چندانی به واگذاری این اراضی به خودشان ندارند و به خوبی آگاهند که این کشت و صنعت تنها با مدیریت صحیح و متمرکز و با برنامه‌ریزی علمی و مردمی در جهت تامین نیازمندی‌های آنان و ارتقاء سطح زندگیشان می‌تواند سودمند باشد. علاوه بر این، واگذاری اراضی برای حل مشکلات مدیریت و کارآیی و مسائل اقتصادی این واحد نیز اصولی نیست چون به علت وجود سیستم‌های پیشرفته آبیاری، کانال‌های هدایت آب سیستم قطره‌ای در باغات و همچنین تجهیزات آنها، به علاوه داشتن ماشین‌آلات کشاورزی و غیره تقسیم یا واگذاری و حتی استفاده از این امکانات را به صورت تعاونی‌های کوچک مشکل ساخته و در صورت انجام چنین طرحی کارآیی این وسائل و تجهیزات به میزان زیادی کاهش می‌یابد و نتیجتاً باعث کاهش تولید می‌گردد و کشاورزان را از نظر تعمیر و به کارگیری آنها نیز دچار مشکلات لاینحلی خواهد نمود. مهمتر از همه اینکه تنوع کاشت و برداشت که بطور ناگزیر پیش خواهد آمد برخوردار از امکانات

تمام آن، زمزمه‌هایی مبنی بر واگذاری و یا تشکیل تعاونی‌هایی با ابعاد محدود و کوچکتر در این کشت و صنعت را باعث گردید. که از هر نظر نگران کننده است طرح مساله واگذاری اراضی این واحد از جانب برخی از مسئولین که متأسفانه طرفدارانی نیز در هیئت واگذاری زمین دارد از مسائل و مشکلاتی ناشی شده است که از نظر سیاسی - اجتماعی و اقتصادی قابل بررسی می‌باشد.

یکی از دلایل سیاسی چنین تصمیم‌گیری قطع نفوذ خان‌ها و سران عشایر منطقه و مقابله با تشنجات سیاسی در منطقه است که گمان پاره‌ای از مسئولان با واگذاری اراضی این واحد به اهالی، نفوذ و اعتبار جمهوری اسلامی در بین توده‌های عشایر منطقه بالا رفته و موجب تضعیف خوانین خواهد شد. مساله دیگر مشکل مدیریت این واحد عظیم و پیشرفته توسط دولت است که با تجربه‌ای که از سال گذشته بدست آورده خود را در بهره‌برداری و مدیریت این واحد ناتوان یافته است علاوه بر این نیاز به سرمایه‌گذاری تکمیلی در واحدهای ناتمام این کشت و صنعت و ضعف بنیه مالی دولت در شرایط خاص کنونی در این تصمیم‌گیری دخالت دارد. مسئولان با در نظر گرفتن این مشکلات و مسائل دیگر راه حل واگذاری اراضی را انتخاب کرده‌اند که نه تنها راه حلی اصولی در جهت منافع اساسی مردم و مصالح انقلاب نیست بلکه به تمام معنی یک فاجعه اقتصادی به حساب می‌آید.

مسئله واگذاری این اراضی نقطه پایان مشکلات مسئولان نخواهد بود زیرا اندکی توجه به جو عمومی منطقه نمایان می‌سازد که واگذاری این اراضی مشکلات عظیم‌تری برای دولت به همراه خواهد آورد که به هیچ وجه حل آنها به سادگی واگذاری اراضی نخواهد بود. از نظر سیاسی

طرح مساله تقسیم و قطعه کردن احتمالی اراضی «کشت و صنعت مغان» که یکی از عظیم‌ترین واحدهای پیشرفته تولید کشاورزی در مملکت بوده و سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی در آن صورت گرفته، نگرانی زیادی در افراد دلسوز و معتقد به انقلاب ایجاد کرده است. این واحد عظیم تولیدی که میلیاردها ریال در آن سرمایه‌گذاری شده است از پیشرفته‌ترین تکنولوژی تولید کشاورزی (زراعی و دامی) برخوردار می‌باشد. تاسیسات کانال‌ها و سیستم آبیاری موجود در این واحد، کشت ۴۸۰۰۰ هکتار از اراضی را ممکن ساخته و این سطح به ۹۰۰۰۰ هکتار قابل توسعه است. در حال حاضر حدود ۱۷۰۰۰ هکتار از اراضی آن زیرکشت محصولات است و با تکمیل برنامه این واحد میزان زیادی گوشت قرمز، مرغ، تخم مرغ پنبه، چغندر قند، شکر، میوه تازه کنسرو، غلات و تولید خواهد شد. در این واحد تاسیسات زیربنایی جاده، اراضی تسطیح شده سیستم‌های پیشرفته آبیاری برق و انتقال نیرو و همچنین واحدهای صنعتی کشتارگاه، دام، کارخانه لبنیات، خوراک دام کارخانه قند، سیلو و انبار ایجاد شده و یا در حال تکمیل است. مجموعه فعالیت‌های زراعی، دامی و صنعتی این واحد که از پیچیدگی خاص چنین طرح‌های عظیمی برخوردار است، نشان دهنده گستردگی آن و سرمایه عظیم به کار گرفته شده می‌باشد که در صورت تکمیل قسمت‌های ناتمام به یکی از عظیم‌ترین و مدرن‌ترین واحدهای کشاورزی صنعتی تبدیل خواهد شد.

در طول انقلاب و بعد از آن این واحد با مشکلاتی در زمینه مدیریت و پیشبرد برنامه‌ها مواجه گردید که این امر به اضافه نیاز به سرمایه‌گذاری جهت پایان بخشیدن به طرح‌های نیمه

آنتی کمونیسم سلاح امپریالیسم علیه زحمتکشان

مضمون آنتی کمونیسم

قسمت سوم

ایده‌های انقلابی و دستاوردهای عظیم آن است، پیوسته ثابت می‌ماند. آنتی کمونیسم را در کلی‌ترین تقسیم‌بندی خود باید به دو مرحله مجزا تقسیم کرد که حدفاصل این دو مرحله را انقلاب کبیر اکثریت تشکیل می‌دهد:

آنتی کمونیسم قبل از انقلاب اکبر

آنتی کمونیسم در این مرحله بیانگر مبارزه ایدئولوژیک سرمایه‌داری علیه طبقه کارگر، آرمان‌های او، تشکلهای و احزاب کارگری و کمونیستی و به‌ویژه همبستگی و انترناسیونالیسم پرولتری است که در این زمان در شعار "کارگران سراسر جهان متحد شوید"، تجلی یافته بود. مضمون پیکار ایدئولوژیک سرمایه‌داری در این دوران، نفی اندیشه‌های انقلابی، بی‌اعتبار کردن سوسیالیسم علمی و به‌کار گرفتن تمام نیرو و امکانات قانونی و غیرقانونی برای جلوگیری از گسترش اندیشه‌های انقلابی و علمی بود. در "مانیفست کمونیست" مارکس و انگلس مجموعه‌ای از تهمت‌ها و ایرادها و حملات بورژوازی علیه سوسیالیسم را نشان می‌دهند. این تبلیغات عمدتاً بر محور ستایش از مالکیت خصوصی، دشمنی با مالکیت عمومی بر ابزار تولید و دروغ‌پردازی‌های بی‌اساس و بی‌شمارانه از قبیل القای خانواده، اشتراک زنان، ملتی‌گردن مبین و ملیت و نابودی مقدسات مذهبی قرار داشت.

در دوران اولیه رشد آنتی کمونیسم، به دو واقعه تاریخی بسیار مهم باید اشاره کرد. بدنبال این دو واقعه یعنی کمون پاریس (۱۸۷۱) و انقلاب ۱۹۰۵ روسیه که در واقع تجلی و تجسم خشم فروخته طبقه کارگر و بیانگر نفوذ و گسترش اندیشه‌های کمونیستی بود، بورژوازی هارتر و وحشیانه‌تر از همیشه به دامنه تبلیغات ضد کمونیستی خود افزود. پس از شکست کمون پاریس، بورژوازی در تمامی زمینه‌ها منجمه در فرهنگ و ایدئولوژی ارتجاعی‌تر شد. بورژوازی که نبردهای سرنوشت‌ساز طبقه کارگر را به‌عیان می‌دید علاوه بر تبلیغات همه‌جانبه ضد کمونیستی و نشر اندیشه‌های مسموم بورژوازی همچنین سعی داشت با تمام قوا در مقابل نفوذ کمونیسم موانع و سدهای جدی ایجاد کند و برای انجام چنین کاری، از هیچ ترفند و حیل‌های فروگذار نبود. نمونه بسیار مشخص چنین حرکتی را می‌توان در سالهای ۸۰ - ۱۸۷۰ پس از شکل‌گیری حزب کارگران سوسیالیست و رشد چشمگیر سوسیالیسم در آلمان یافت. "بیسمارک" در این دوران، سرکوب معوی توده‌ها و به‌ویژه طبقه کارگر را نیز به‌گونه‌ای سیستماتیک پیش می‌برد. از جمله کارهای "بیسمارک" و بورژوازی آلمان در این زمینه اجرای قانون استثنائی "ضد سوسیالیستی" بود. دولت در سال ۱۸۷۸ قانونی را به تصویب رایشتاک رساند که به "قانون استثنائی" معروف شد. این قانون را از آن جهت استثنائی می‌نامیدند که سوسیالیست‌ها را در وضع استثنائی قرار داد و عملاً جلوی فعالیت‌های حزب را گرفت. اتحادیه‌های کارگری و سازمان‌های ورزشی کارگران که زیر نفوذ ایدئولوژیک سوسیالیست‌ها بودند، بسته شدند. انتشار روزنامه‌ها و مجله‌های سوسیالیستی به‌موجب این قانون متوقف شد و انتشارات سوسیالیستی مصادره شد. (۱)

با وقوع انقلاب ۱۹۰۵ ابعاد خطر برای سرمایه‌داری که اینک به مرحله امپریالیسم قدم نهاده بود، آشکارتر شد. نسیم نویدبخش انقلاب کارگران و زحمتکشان روسیه در تمام کشورهای سرمایه‌داری وزیدن گرفت. کارگران اروپا از زبان "بیل" رهبر سوسیال دمکراسی آلمان گسترش اندیشه‌های نو را فریاد می‌زدند. "صدای انفجاری که در روسیه رخ داده است، در مغز کارگران آلمان می‌پیچد، کمی در این پیچیده بیندیشید." (۲) و بورژوازی عمیقاً به‌این می‌اندیشید او از هر لحاظ تجهیز می‌شد. در آغاز قرن بیستم در

مبارزه طبقاتی و پیکار همیشگی میان طبقات ستمدیده و ستمگر، اصل بنیادی و تغییرناپذیری است که پویایی و تحول تاریخ جوامع طبقاتی را باعث می‌شود. این پیکار بگونه‌ای درگناپذیر در تمامی عرصه‌های حیات اجتماعی، در عرصه اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک جریان دارد. پیکار ایدئولوژیک یکی از حادترین و در عین حال پیچیده‌ترین عرصه‌های این مبارزه طبقاتی است. این پیکار با شکل‌گیری سرمایه‌داری، ژرفای نوینی یافته و به‌واسطه خصلت جهانی سرمایه در ابعاد گسترده و جهانی جریان می‌یابد. انتشار "مانیفست کمونیست" به عنوان سرآغاز شکل‌گیری جهان‌بینی علمی طبقه کارگر در ضمن سرآغاز پیکار ایدئولوژیک میان کمونیسم علمی و تمامی اشکال ایدئولوژی بورژوازی است. مبارزه‌ای که از آن زمان تاکنون بدون لحظه‌ای درنگ و وقفه ادامه داشته است. در تمامی این مدت رزادخانه بورژوازی با تکیه بر امکانات وسیع خود و عدم آگاهی طبقاتی کافی توده‌های زحمتکش، آنتی از ستیز علیه مارکسیسم و اشاعه بدترین تهمت‌ها و افتراها علیه آن دست برنداشته است.

برای دستیابی به مضمون آنتی کمونیسم می‌بایست آن را در بطن مناسبات آنتی‌ناپذیر میان بورژوازی و طبقه کارگر مورد بررسی قرار داد. این عرصه از پیکار طبقاتی نیز همچون دیگر عرصه‌های اقتصادی و سیاسی تابع قانونمندی ستیز طبقاتی است. سرمایه‌داری در این عرصه پیچیده پیکار، مجموعه امکانات، نیروها و تلاش‌های خود را از یک سو برای حفظ و تحکیم موقعیت خویش و از سوی دیگر برای ستیز با طبقه کارگر فراهم آورده است. بر این اساس و در تحلیل نهائی باید ایدئولوژی سرمایه‌داری را شامل دو بخش یا دو رکن اساسی دانست:

۱- مجموعه آراء و نظرات و عقایدی که می‌بایست از نظر تاریخی و اجتماعی در خدمت حقانیت بخشیدن به سرمایه‌داری و تحکیم به اصطلاح تمدن سرمایه‌داری باشد.

۲- مجموعه عقاید و اندیشه‌هایی که وظیفه ستیز با ایدئولوژی انقلابی طبقه کارگر، بی‌اعتبار کردن آن را به‌عهده دارد.

این دو بخش ایدئولوژی سرمایه‌داری در رابطه تنگاتنگ با یکدیگر قرار داشته و اساساً مکمل یکدیگرند. آنتی کمونیسم بمتابیه سلاح برنده سرمایه‌داری علیه طبقه کارگر و ایدئولوژی انقلابی وی و به عنوان مهم‌ترین بخش ایدئولوژی سرمایه‌داری، بیانگر واکنش خصمانه و لحام‌گسیخته سرمایه‌داری در برابر آموزش‌های انقلابی کمونیسم علمی است. آنتی کمونیسم می‌کوشد ضمن دفاع از تمدن سرمایه‌داری به هر وسیله و شکلی در برابر گسترش و نفوذیابی سوسیالیسم علمی سد و مانع ایجاد کرده و به توده‌ها این ایده را القاء نماید که همه در برابر دشمن مشترکی بنام "کمونیسم" منافع مشترکی دارند و همه تضادها و اختلافات باید در مرحله بعدی قرار گیرند. سرمایه‌داری حتی بد کارگران و زحمتکشان، به توده‌های محروم و بی‌خانمان کشورهای سرمایه‌داری و وابسته چنین القاء می‌کند که آنها در مقابل "خطر کمونیسم" هنوز هم چیزی ندارند که از دست بدهند. سوسیالیسم علمی و آموزش‌های دورانساز و انقلابی مارکس از آنجائی که ارکان جامعه سرمایه‌داری را تهدید می‌کرد بطور طبیعی می‌بایست با این خشم دیوانه‌وار و کینه شدید بورژوازی که با شم طبقاتی خود ابعاد خطر را دریافته بود، مواجه شود.

آنتی کمونیسم را به عنوان بخشی از ایدئولوژی سرمایه‌داری به‌هیچ‌روی نمی‌بایستی پدیده‌ای ثابت و لایتغیر تلقی کرد. آنتی کمونیسم از آنجائی که واکنش سرمایه‌داری در مقابل طبقه کارگر و ایدئولوژی اوست، نتیجتاً پابهای رشد کمونیسم و تحکیم اندیشه‌های آن در میان طبقه کارگر و توده‌های مردم، عملاً ابعاد جدیدی به‌خود می‌گیرد و متنوع‌تر می‌شود. لیکن قطعا علیرغم این تغییرپذیری، سرشت و ماهیت اجتماعی آن که همانا ستیز علیه ایدئولوژی طبقه کارگر،

کنار تبلیغات زهرآگین ضد کمونیستی سرمایه‌داری تبلیغ وسیع نظرات "هانری برگسون" فیلسوف ایده‌آلیست فرانسوی و نظریه نگاه بغایت ارتجاعی و خشونت‌آمیز "نیچه" و به‌ویژه تبلیغات آشکار نژاد پرستی و شوونیستی در تمامی کشورهای سرمایه‌داری جریان داشت.

در دوران اولیه رشد آنتی کمونیسم، سیستم‌ها و نهادهای جدیدی برای سرکوب اندیشه‌ها شکل می‌گیرد. منجمه مدارس جدید و سیستم آموزش و پرورش سرمایه‌داری که هم برای پیشبرد سلطه خود در شرایط جدید و هم زیر فشار سازمان‌های سیاسی مجبور بود بر دامنه آموزش و پرورش مردم بیافزاید، عملاً در حیطه حاکمیت خود شبکه وسیعی از مدارس، دانشسراها و دانشگاه‌ها به‌وجود آورد. این مدارس برای سرمایه‌داری به پایگاهی برای اشاعه و تبلیغ روحیه دشمنی با عقاید سوسیالیستی و ترقیخواهانه تبدیل شد. از این پس مدارس و سیستم آموزش و پرورش بخش قابل ملاحظه‌ای از ستیز تبلیغی - ایدئولوژیک علیه جهان‌بینی طبقه کارگر را به‌عهده گرفتند. آنها وظیفه نفوذ دادن اندیشه‌های بورژوازی اشاعه آرمان‌های دروغین شوونیستی، ایده‌آلیستی و ضد کمونیستی و تبلیغ اتهامات و دروغ‌پردازی‌ها علیه سوسیالیسم علمی را عهده‌دار بودند. آنها بطور مرتب در مغز کودکان فرو می‌کنند که "مالکیت خصوصی حرمتی ابدی دارد" "مالکیت جمعی خطرناک است" و "کمونیسم شر مجسم است". با تکامل سرمایه‌داری به امپریالیسم، سرمایه‌داری در سطح جهان از هماهنگی بیشتری در زمینه تبلیغات ضد کمونیستی برخوردار گشت و آنتی کمونیسم اوج بیشتری گرفت.

آنتی کمونیسم پس از انقلاب اکبر

با پیروزی انقلاب کبیر اکثریت و شکل‌گیری اولین کشور سوسیالیستی، عصر نوینی در تاریخ بشری آغاز شد. عصر گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم. عصری که مناسبات سرمایه‌داری را با طبقه کارگر در تمامی زمینه‌ها منجمه در عرصه مبارزه ایدئولوژیک دستخوش تغییر و تحول کیفی ساخت. پس از قرن‌ها سرکوب و خفقان عاقبت فریاد پیروزمند پرولتاریای شوروی که اینک گول تزاریسم را درهم شکسته و افق‌های نوین رهایی را در برابر زحمتکشان جهان گشوده است، در سراسر گیتی طنین‌انداز می‌شود:

"عصر نوین تاریخ جهانی آغاز گردیده است. بشریت طوق آخرین شکل بردگی، یعنی بردگی سرمایه‌داری یا مزدوری را از گردن خود به زیر می‌افکند. بشریت ضمن رهایی از قید بردگی برای نخستین بار به آزادی واقعی می‌رسد." (۳)

لنین دوران جدیدی را که با انقلاب اکبر آغاز گشته است و نیروهای تعیین‌کننده تکامل جهان و تضاد اصلی آن را چنین بیان می‌کند:

"تمام حوادث سیاست جهانی ناگزیر در پیرامون یک نکته مرکزی دور می‌زنند که عبارتست از مبارزه سرمایه‌داری جهانی علیه جمهوری شوروی روسیه که ناگزیر از یک طرف جنبش‌های شوروی کارگران پیشرو کلیه کشورها و از طرف دیگر همه جنبش‌های رهایی - بخش ملی مستعمرات و خلقهای ستمکش را که از روی تجربه تلخ خود یقین حاصل می‌نمایند که راه نجات دیگری بجز پیروزی حکومت شوروی بر امپریالیسم جهانی ندارند، در پیرامون خود مجتمع می‌سازد." (۴)

پیکار ایدئولوژیک سرمایه‌داری علیه مارکسیسم نمی‌توانست این تغییر و تحولات بنیادی، این تضاد اساسی نوین را در جهان و این صف‌بندی نیروی انقلاب و ضدانقلاب را در سطح جهان نادیده بگیرد. با برپائی اولین کشور سوسیالیستی، بلافاصله حمله و تهاجم نیروهای جهانی امپریالیسم علیه کشور شوراها آغاز می‌شود. این تهاجم تنها از طریق حمله نظامی و محاصره اقتصادی، خرابکاری و تروریسم عملی نمی‌شد. برای به‌شکست کشاندن اولین انقلاب سوسیالیستی جهان، امپریالیسم تنها متکی به شورش ضدانقلابی "کلچاک‌ها"، "ورانگل‌ها" و "دنیکین‌ها" نبود. سیل حملات تبلیغی و سیل دروغ‌پردازی‌ها، تهمت‌ها و بهتان و جنگ روانی - تبلیغی نیز مکمل استراتژی امپریالیسم برای به‌شکست کشاندن انقلاب پیروزمند کارگران و زحمتکشان شوروی بود. بلندگوهای تبلیغی امپریالیسم و نشریات بورژوازی که با تیراژهای میلیونی در سراسر جهان پخش می‌شد، بطور شبانه‌روزی در گوش مردم جهان فرو می‌کردند که: آنجا

بقیه از صفحه ۱۰

مضمون ...

همه را می‌کشند، در شوروی همه مساجد و کلیساها را خراب کرده‌اند. همه مذهبی‌ها را به‌دار می‌کشند، زنها را اشتراکی کرده‌اند، بچه‌ها را از آغوش مادران جدا می‌کنند، پشت دیوارهای آهنین حمام خون به راه افتاده، امروز و فردا سرخ‌ها حمله می‌کنند، آنها می‌خواهند به آلمان و به تمامی اروپا حمله‌ور شوند، آنها می‌خواهند رویاهای پترکبیر را تحقق بخشند، ایران را تصرف کرده و به آبهای گرم خلیج فارس دست یابند، آنها...!

لنین رهبر کبیر انقلاب اکتر با اشاره به همین حملات و تبلیغات بی‌شرمانه می‌نویسد:

"دریاره ما می‌گویند که ما می‌خواهیم آلمان را تسخیر نمائیم، البته این خنده‌آور و لاطائل است ولی بورژوازی از خود دارای منافع و دارای جرائد نیست که درصدها میلیون نسخه در سراسر جهان این موضوع را جار می‌زنند و "ویلسون" به خاطر منافع خود از این عمل پشتیبانی می‌کند. می‌گویند بلشویک‌ها ارتش بزرگی دارند و می‌خواهند از طریق تسخیر آلمان، بلشویسم خود را در آنجا مستقر سازند." (۵)

آستان بوسان و کاسه‌لیسان و تمامی مداحان بورژوازی که تابحال زحمتکشان را از آرمان کمونیسم می‌ترساندند اکنون در هراس از قدرت شوراها و ترسان از زحمتکشانی که با دست توانای خود سوسیالیسم را برپا می‌داشتند، چاره‌ای جز این نمی‌دیدند که سوسیالیسم و کشور شوراها را با انبوه بی‌پایان اتهامات خود آماج قرار دهند.

"آستان بوسان و کاسه‌لیسان بورژوازی، سوسیالیسم را بمتابه یک سربازخانه متحدالشکل بی‌روح و یکنواخت و بی‌صفا ترسیم می‌کردند. چاکران کیسه پول و بندگان استثمارگران یعنی حضرات روشنفکران بورژوازی، مردم را که همانا در دوران سرمایه‌داری به جبرکارخانه و زندان کار بی‌حد و حساب و توان فرسا و زندگی نیمه‌گرسنه و فقر شدید محکومند از سوسیالیسم می‌ترسانند." (۶)

بر این اساس پس از پیروزی انقلاب اکتر و به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم که اردوگاه سوسیالیسم شکل گرفت، مضمون آنتی‌کمونیسم را مبارزه بی‌امان علیه سه نیروی انقلابی جهانی، کشورهای سوسیالیستی، طبقه کارگر جهانی و جنبش‌های رهایی‌بخش تشکیل می‌دهد. هسته محوری و مرکزی آنتی‌کمونیسم در این دوران، آنتی‌سوویتسم است.

از این پس با توجه به تغییرات بنیادی که در جهان اتفاق می‌افتد و نقش فزاینده سوسیالیسم عملاً موجود، آنتی‌کمونیسم از هر لحاظ تحول و شدت می‌یابد. آیزنهاور رئیس جمهور آمریکا در سال ۱۹۵۹ اعلام می‌کند که "بزرگ‌ترین جنگی که در پیش داریم جنگی است برای تسخیر اذهان انسان‌ها." و این بزرگ‌ترین جنگ در واقع با شکل‌گیری اردوگاه سوسیالیسم، از جانب امپریالیست‌ها آغاز شده بود. گسترش تبلیغات آنتی‌کمونیستی بر زمینه اجرای نقشه مارشال و برنامه اصل چهار ترومن، به راه‌اندازی تبلیغات رادیو صدای آمریکا، صدای اروپای آزاد و مراکز اطلاعاتی یکصدوپنجاه‌گانه، تنها مقدمات این "بزرگ‌ترین جنگ" بود. آنچه که بعدها به جنگ سرد معروف شد.

آنتی‌کمونیسم معاصر علیرغم تضعیف مواضع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی سرمایه‌داری جهانی، به‌هیچ‌روی تخفیف نیافته و در ماهیت و سرشت اجتماعی آن هیچ تغییری بروز نکرده است ولی منطبق با تحولات کنونی، اشکال ویژه و جدیدی به‌خود گرفته است. آنتی‌کمونیسم معاصر که در برابر خود تحقق عملی سوسیالیسم و گسترش دامنه آن را می‌بیند به اجبار از تمامی خیالبافی‌های خود در مورد "فناهی مارکسیسم" چشم پوشیده و سعی می‌کند حملات خود را بر پایه‌های به اصطلاح واقع‌بینانه‌ای! استوار سازد.

حیثه، پایگاه امپریالیسم شوروی در افریقا

The Middle East

نگاهی به اوضاع لیستان

روای «همبستگی» یا گابوس «مداخله نظامی»؟

افغانستان

ویتمام شوروی

پس از ۳۵ سال انتظار...

بزرگترین آرزوهای استالین را بر آورده ساخت

المستقبل

گمونیسم...

پس از بحران لیستان

کامبوج...

مستعمره و ویتنام

شوروی... در آستانه انفجار

دوماه همگام با مجاهدان افغانستان

گزارشی از یک خبرنگار فرانسوی

آخرین قسب ترجمه: آرن رندی

Challenge To Moscow

«درخت طلایی»

زندگی سبز است

نصیب کارگران از کمونیسم چیست؟

«شوروی باید به این امر پی بسرد که کشورهای جهان بر اساس روش و سلیقه خود باید اساس سوسیالیستی را بپذیری کنند، نه آن سوسیالیزمی که مقامات مسکو خواهند آند»

مباحثه مجله انجیل با ولادیمیر پوتو و سکی وزیر سابق آموزش و پرورش لیستان

تبلیغات آنتی‌کمونیستی که توسط تراست‌های مطبوعاتی غرب طراحی می‌شود، آنچه که هر روز در "تایم" "اشپیگل"، "پاری‌ماج"، "نیوزویک" و... منعکس می‌شود، توسط نشریات دوستان و هواداران برژینسکی (میزان) در میان خلقهای محروم و تحت ستم اشاعه می‌یابد. سر نخ برخورد‌های کینه‌توزانه نشریات لیبرالی چون میزان را باید در تراست‌های مطبوعاتی غرب به ویژه آمریکا جست!

دشمنی آزاردهنده و ترس از روسیه روبرو نشوید، تعقیب ناراضیان شوروی - تسلیحات نظامی و دریائی روسیه، جاسوسان روسیه، مارکسیسم به عنوان اصطلاحی رایج برای سوءاستفاده در مشاجرات سیاسی حزبی، همگی جزئی از زرادخانه این دشمنی و ترس هستند. انفجار هیستریک ناسیونالیستی تا این اندازه، نشانه‌ای از وجود یک جامعه بیمار است، یکی از آن جوامعی که می‌کوشند احساس درماندگی خودشان، بی‌یاوری خودشان و گناه خودشان را با مقصر جلوه‌دادن یک گروه خارجی، روس‌ها، سیاهان و یهودیان و یا دیگران پرده‌پوشی کنند." (۸)

ادامه‌دارد

این واقعیت تلخ! را ژورنالیسم غرب و دولتمردان و دانشمندان سرمایه‌داری اروپا و آمریکا بارها شرمگینانه مورد تأیید قرار داده‌اند. "انتستوتالیا کوتسو" یکی از استادان تاریخ دانشگاه رم در این مورد می‌نویسد:

روحیات گوناگون و شیوه تفکری که در تالارهای کنفرانس ما... مشاهده می‌شود، گواه بر آنست که واقعیت موجود بر پیشگویی‌های عدیده‌ای که تا پیش از نخستین جنگ جهانی درباره فتنای مارکسیسم انجام می‌گرفت، آشکارا خط بطلان می‌کشد. اکنون ما دوران نبرد با چهارمین انسان‌های تحت تأثیر مارکسیسم را می‌گذرانیم و هیچ نشانی هم از تضعیف این تأثیر در عقول وجود ندارد." (۷)

در دوران معاصر سیستم جهانی سوسیالیستی به نیروی تعیین‌کننده در جهان و نیرومندترین دشمن سرمایه‌داری جهانی تبدیل شده است و در راس دیگر نیروهای انقلاب جهانی یعنی طبقه کارگر کشورهای سرمایه‌داری و جنبش‌های رهایی‌بخش هر روز شکست‌های بیشتری را نصیب امپریالیسم جهانی می‌سازد. در این شرایط، مضمون اساسی مبارزه ایدئولوژیک امپریالیسم را همچنان ضدیت کینه‌توزانه با کمونیسم و سیستم جهانی سوسیالیسم تشکیل می‌دهد. این حملات هیستریک و دیوانه‌وار از یک سو نشانگر قدرتمندی سوسیالیسم جهانی و از سوی دیگر بیانگر بیماری و درماندگی جامعه سرمایه‌داری معاصر است. "کار" مورخ مشهور انگلیسی در این زمینه می‌نویسد:

" شما نمی‌توانید روزنامه‌های را بازکنید و با این

- (۱) تاریخ عصر جدید، جلد دوم، ص ۵۳
- (۲) همانجا، ص ۱۱۹
- (۳) لنین، انترناسیونال سوم و مقام آن در تاریخ، منتخبات یک‌جلدی، ص ۶۸۶
- (۴) لنین، طرح اولیه‌ت‌های مربوط به مسئله ملی و مستعمراتی، منتخبات آثار یک‌جلدی، ص ۷۷۷
- (۵) لنین، سخنرانی درباره برنامه حزب و هشتمین کنگره، منتخبات آثار، یک‌جلدی، ص ۶۷۰
- (۶) لنین، چگونه باید مسابقه را سازمان داد، منتخبات آثار یک‌جلدی، ص ۵۷۶
- (۷) آموزش‌هایی که واقعیت جهان را توضیح می‌دهند، دومینیک اورپانی، مسائل بین‌الملل شماره ۱، فروردین ۵۳
- (۸) مسائل انقلابات کارگری جهان، مقاله‌ریشه‌های افسانه تهدید شوروی، شماره ۱، ص ۴۵

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

مذهب در اتحاد جماهیر شوروی

همواره آزادی و برابری حقوقی کلیه ملت‌های کشور ما را محافظت و تسجیل نمایند و رشته‌های دوستی، همکاری و اخوت میان آنها را محکم‌تر سازند، بالاتر می‌برد... ما این قانون اساسی را تمام و کمال تأیید و تصویب می‌کنیم زیرا بیانگر اراده و نیات قلبی همه ملت‌های کشورها و من جمله ملت ترکمن است."

به موجب قوانین شوروی هر ۲۰ نفر از پیروان یک کیش یا مذهب حق به ثبت رساندن و تأسیس جامعه خاص خود را دارند. به موجب همین قوانین در هیچ‌یک از اسنادی که هویت یک شهروند شوروی را مسجل می‌سازند، اعتقاد او به دین و یا مذهب خاصی قید نمی‌گردد و هیچ فردی موظف نمی‌باشد که نسبت به نظریات مذهبی خود اطلاعات در اختیار کس یا ارگانی بگذارد. معتقدین به مذاهب حق دارند و می‌توانند فرزندان خویش را با روحیات مذهبی تربیت نمایند و قانون به شهروندان اجازه می‌دهد که فرزندان خود را برای تعلیم به مراکز مذهبی گسیل دارند.

● برخلاف تبلیغات مغرضانه بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیستی و یا افراد ناآگاه متأثر از این تبلیغات، وعاظ و خطیبان و امامان می‌توانند آزادانه در مساجد و اماکن مذهبی سخنرانی نمایند و موضوع وعظ و سخنرانی آنان از سوی خودشان تعیین می‌گردد و ارگان‌های دولتی و یا مقامات اداری حق مداخله در اینگونه امور را ندارند.

برخلاف تبلیغات مغرضانه بلندگوهای تبلیغاتی امپریالیستی و یا افراد ناآگاه متأثر از این تبلیغات، وعاظ و خطیبان و امامان می‌توانند آزادانه در مساجد و اماکن مذهبی سخنرانی نمایند و موضوع وعظ و سخنرانی آنان از سوی خودشان تعیین می‌گردد و ارگان‌های دولتی و یا مقامات اداری حق مداخله در این گونه امور را ندارند.

جشن‌های مذهبی، اعیاد و نمازهای جمعه و سایر مراسم مذهبی آزادانه و تحت حمایت و نظر قانون مورد تأیید مردم انجام می‌پذیرند. هر ساله بیش از یکصد هیئت نمایندگی مذهبی از کشورهای دیگر، از اتحاد شوروی دیدن می‌کنند. رجال مذهبی اتحاد شوروی نیز می‌توانند از دیگر کشورها بازدید نمایند و یا اینکه برای زیارت اماکن مقدسه خود به کشورهای خارج سفر کنند. هر ساله عده‌ای برای زیارت به مکه می‌روند.

کنفرانس‌های بین‌المللی مذهبی و از جمله کنفرانس‌های مسلمانان برگزار می‌گردد. اداره این قبیل کارها را "اداره امور بین‌المللی انجمن روحانیون مسلمان" به عهده دارد. به عنوان مثال در سال ۱۹۷۵ مسلمانان شوروی در تاشکند کنفرانسی با عنوان "وحدت مسلمانان در مبارزه در راه صلح و برضد تجاوزات امپریالیستی" برگزار کردند و یا اینکه در سال ۱۹۷۹ به مناسبت آغاز قرن ۱۵ هجری یک سمپوزیوم بین‌المللی با موضوع "سهم مسلمانان آسیای میانه، پاولژی و قفقاز در توسعه افکار اسلامی، امر صلح و ترقیات اجتماعی" در تاجیکستان تشکیل گردید. در این سمپوزیوم بیش از ۲۰۰ روحانی از اتحاد شوروی و همچنین تعداد زیادی شخصیت‌های مذهبی کشورهای گوناگون من جمله الجزایر، ایران جمهوری دمکراتیک یمن، گینه، افغانستان و... شرکت نموده بودند. روحانیون شوروی در سمپوزیوم با صدای بلند به جهانیان اعلام کردند که "مسئله مذهب" در شوروی به نحو عادلانه حل گردیده است. مفتی ضیال‌الدین خان باباخان صدر دایره روحانی مسلمانان آسیای میانه در صفحه ۱۴

در اتحاد شوروی بیش از صدملیت و قوم، برادرانه در کنار یکدیگر زندگانی می‌کنند. بیش از ۴۰ دین، مذهب و یا فرقه مذهبی در اتحاد شوروی وجود دارد. مذهب ارتدکس بیشترین پیروان را در میان مذاهب گوناگون دارد. دین اسلام از لحاظ شمار پیروان پس از این مذهب در مقام دوم جای می‌گیرد.

وضع اجتماعی، اقتصادی مسلمانان شوروی تا قبل از انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر بسیار اسفناک بود. در روسیه پیش از انقلاب یگانه مذهبی که از امتیاز ویژه‌ای نسبت به سایر ادیان برخوردار بود، مذهب ارتدکس بود که تزار مرجع آن شمرده می‌شد. پیروان بقیه ادیان و از جمله مسلمانان جزو اتباع درجه دوم محسوب می‌شدند و تبعیض مذهبی به نحو گسترده‌ای در کشور جریان داشت.

در ۲۰ نوامبر سال ۱۹۱۷ یعنی کمتر از یک ماه پس از انقلاب اکتبر، دولت اتحاد شوروی به رهبری لنین پیام ویژه‌ای به تمام زحمتکشان مسلمان روسیه و خاورزمین فرستاد. دولت خطاب به زحمتکشان مسلمان اعلام داشت:

"از این به بعد دین و مذهب و ایمان و آداب و سنت‌های شما و بنیادهای ملی و فرهنگی شما آزاد و مصون از هرگونه تعرض و تجاوز اعلام می‌گردد. زندگانی ملی خود را آزادانه و بدون هیچگونه مانعی ترتیب دهید. اینها حق شماست."

بدین‌سان به موجب فرمانی که به ابتکار لنین رهبر بزرگ زحمتکشان جهان تصویب گردید، دین اسلام به عنوان یکی از ادیان موجود در شوروی با سایر ادیان و مذاهب برابر اعلام گردید.

شیخ الاسلام حاجی‌غضنفر ابراهیموف یکی از رهبران مسلمانان آذربایجان شوروی در رابطه با

بودند... سوسیالیسم سرچشمه‌های تضاد آشتی‌ناپذیر میان دین‌داران را از بین برد و آنان را برای تلاش بخاطر اهداف واحد؛ به دست آوردن قوت‌لایموت با کار و زحمت خود؛ تلاش به خاطر برقراری صلح و بهروزی در روی زمین، از صمیم قلب متحد ساخت. این کلام قاضی کلانزاده رهبر مسلمانان تاجیکستان اتحاد شوروی سخن تمامی مسلمانان اتحاد شوروی است.

پیروان ادیان گوناگون از حقوقی که قانون اساسی اتحاد شوروی به آنان اعطا کرده است، استفاده می‌کنند. در سال ۱۹۷۷ که مصادف با شصتمین سالگرد انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر بود، قانون اساسی جدید اتحاد شوروی به تصویب رسید. در بحث پیرامون قانون اساسی بیش از ۱۴۰ میلیون نفر از شهروندان این کشور شرکت جستند. مسلمانان اتحاد شوروی همانند دیگر شهروندان در بحث‌های مربوط به بررسی این قانون فعالانه شرکت نمودند. آنان در صدها مسجد و یا محل‌های دیگر با ترتیب دادن جلسات بحث و مشاوره در باره قانون اساسی،

● ایوبگر حمزه رئیس‌نستیتوی اسلامی وابسته به مسجد جامع پاریس پس از دیدار از شوروی اظهار داشت: "من با چمدان کوچکی شامل اطلاعاتی در باره اقتصادیات و تاریخ و جغرافیای اتحاد شوروی و با دو چمدان پر از خرافات و عدم اعتماد عازم مسافرت به اتحاد شوروی شدم. من بیش از ۱۵ هزار کیلومتر در اتحاد شوروی مسافرت کردم و سمت و جهت مسافرتم را به میل خود تغییر می‌دادم با آزادی از دستگاه فیلمبرداری استفاده می‌کردم، در ارتباط با مسلمانان و مسیحیان و یهودیان به من آزادی کامل داده شده بود... برای من این مسافرت حکم گشف را داشت طبیعی است که من چمدان‌های پر از خرافات و عدم اعتماد را سوزاندم و در عوض با چمدانی سنگین و پر از احساسات دوستانه نسبت به این مردم خجسته بازگشتم و اما آنچه که مربوط به تزییقاتی است که گویا مسلمانان شوروی از آنها آزار می‌بینند و حتی مورد تعقیب و پیگرد قرار می‌گیرند، می‌توانم اعلام کنم که این اظهارات با واقعیات تطبیق نمی‌کند."

پیشنهادات خود را نیز بیان داشتند. ماده ۵۲ قانون اساسی اتحاد شوروی که مورد تأیید مسلمانان و پیروان سایر ادیان اتحاد شوروی نیز می‌باشد، چنین اشعار می‌دارد: برای شهروندان اتحاد شوروی آزادی وجدان یعنی حق پیروی از هر مذهب و یا پیروی نکردن از هیچ مذهب، حق انجام مراسم و فرایض مذهبی یا تبلیغ آنتیستی تضمین است. برانگیختن دشمنی و نفرت به سبب متعقدات مذهبی ممنوع است. در اتحاد شوروی مذهب از دولت و مدرسه از مذهب جدا است."

به موجب این قانون شهروندان اتحاد شوروی بدون در نظر داشتن تعلقات نژادی، ملی و مذهبی از حقوقی مساوی برخوردار می‌باشند. حاجی عبداللہیف امام مسجد جامع یکی از شهرهای جمهوری شوروی ترکمنستان درباره قانون اساسی اتحاد شوروی چنین می‌گوید:

"ما مسلمانان پس از آنکه دقیقاً با طرح قانون اساسی آشنا شدیم، درک کردیم که مضمون و مفاد آن تمام و کمال نیازمندی‌های روزافزون مادی و فرهنگی مردم را بر می‌آورد و نقش فرد، فرد مردم شوروی در اداره امور کشور برای آنکه

وضع مسلمانان اتحاد شوروی تا پیش از انقلاب چنین می‌گوید:

"در روسیه پیش از انقلاب احساسات مذهبی ما را نیز شدیداً لگدمال می‌کردند. فقط می‌خواهم رفتار توهین‌آور و کفرآمیز یعنی ضبط دست‌نویس بی‌نظیر کتاب مقدس ما - قرآن عثمان - از یکی از مساجد آسیای میانه را یادآوری کنم. این حادثه دلخراشی برای کلیه مسلمانان روسیه بود. ولی وقتی که بعد از انقلاب سال ۱۹۱۷... مسلمانان با مراجعه به حکومت شوروی تقاضای استرداد این کتاب مقدس را نمودند، قطعنامه ویژه‌ای به امضای و ای. لنین مبنی بر استرداد بلا تاخیر آن به مسلمانان روسیه صادر شد."

انقلاب سوسیالیستی اکتبر دریچه جهان نوین را بر روی تمام زحمتکشان شوروی گشود. تمامی مردم اتحاد شوروی سوای اعتقادات مذهبی و غیرمذهبی‌شان همانگونه که متحد و یکپارچه در سرنگونی حکومت تزاری شرکت جستند، دوشادوش یکدیگر در پیشبرد ساختمان سوسیالیسم تحت رهبری حزب کمونیست این کشور فعالانه شرکت نموده‌اند.

"مسلمانان خاور شوروی هیچ‌گاه مثل ۵۰ و اندی سال اخیر خوشبخت و آزاد زندگی نکرده

ملی کردن تجارت خارجی

گامی ضروری در جهت پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی

لیبرالها مخالف

ملی شدن واقعی تجارت خارجی هستند

پس از آنکه نمایندگان سرمایه‌داران لیبرال در حاکمیت دریافتند که دیگر توان مقابله با فشار توده‌های آگاه و انقلابی برای دولتی کردن تجارت خارجی را ندارند، کوشیدند که بر تجارت خارجی و سلطه سرمایه‌های بزرگ و وابسته، بر آن قبائی بدوزند که به ظاهر ملی کردن تجارت خارجی و در واقع بازگذاشتن دست سرمایه‌داران بزرگ و وابسته در کار تجارت بود. این قبائی کذائی همان "قانون تشکیل مراکز تهیه و توزیع کالا" بود که در زمان رضاصدر، وزیر بازرگانی دولت لیبرال بازرگان که پس از کنار گذاشته شدن بازرگان از نخست‌وزیری بر سر کار خود باقی ماند، در اردیبهشت ۱۳۵۹ به تصویب رسید.

در اینجا ضروری است این قانون را مورد بررسی مختصری قرار دهیم. اما پیش از آن به سوابق طرح و تدوین این قانون می‌پردازیم. طراح اصلی این قانون رضاصدر، کمیسیونر و نماینده بازرگانی خسروشاهی سرمایه‌دار وابسته معروف در امریکا، بود. او که همچون دیگر مدافعان سرمایه‌داری مروج این نظریه است که "دولت تاجر خوبی نیست" (یعنی سرمایه‌داران تاجران "خوبی" هستند!) از مخالفان سرسخت ملی شدن تجارت خارجی است. صدر پس از تصویب قانون اساسی و اصل ۴۴ آن درباره ملی کردن تجارت خارجی گفت:

"اینکه هرچه اکنون وارد می‌شود، توسط دولت وارد شود، غیر عملی است... اما به انحصار در آوردن بازرگانی خارجی، ورود کالاهای اساسی و کنترل کالا قابل قبول خواهد بود." (اطلاعات - ۶ دی ۵۸)

همه آنچه را رضاصدر وزیر بازرگانی دولت بازرگان "قابل قبول" می‌داند، در قانون تجارت خارجی مصوب ۱۳۵۹ منظور شده بود! این قانون تجارت خارجی را در انحصار دولت قرار داده، و به دولت اجازه داده است این حق را به ازای دریافت سود بازرگانی به تاجر واگذار کند. در عین حال دولت وابسته شاه می‌توانست از طریق ایجاد محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های گمرکی و حقوق گمرکی بر جریان واردات کالا نظارت کند. همین نوع مقررات برای صادرات نیز وجود داشت. بدین ترتیب طی ۵ سال حکومت رژیم وابسته پهلوی، تجارت پرسود واردات و صادرات در دست تاجر بزرگ قرار داشت.

قانون تشکیل مراکز تهیه و توزیع کالا

چيست؟

مضمون اصلی قانون تشکیل مراکز تهیه و توزیع کالا مشارکت تاجر واردکننده با وزارت بازرگانی در اعمال نظارت بر تجارت خارجی و ادامه فعالیت تاجر در کار تجارت خارجی است. به موجب این قانون که از صادرات سخنی به میان نیاورده است، واردات از طریق مراکز تخصصی که برای هر یک از گروه کالاها تشکیل می‌شود، صورت می‌گیرد. (مانند مرکز تهیه و توزیع فلزات، کاغذ، پارچه و...) که هم‌اکنون

وجود دارند.

نحوه عمل پیش‌بینی شده در قانون فوق این است که تاجر واردکننده هرکدام در یکی از این مراکز ثبت‌نام می‌کند و عضو مرکز تخصصی تهیه و توزیع کالای مورد نظر می‌شود. آنگاه تاجر مزبور برای سفارش کالا باید به این مرکز رجوع کند و شرایط واردات کالائی را که می‌خواهد وارد کند به اطلاع مرکز برساند. (این شرایط که عبارتست از سندی که فروشنده کالا به واردکننده می‌دهد، قیمت کالا، مقدار آن، خصوصیات آن و شرایط حمل آن را در خود دارد و اصطلاحاً "پروفرما" نامیده می‌شود.)

مرکز با توجه به شرایط معامله مورد نظر تاجر سفارش دهنده، می‌تواند آن را تأیید یا رد کند. معیارهای اصلی مرکز برای رد یا قبول پیشنهاد هر تاجر سفارش‌دهنده، بنا بر قانون مصوب و اساسنامه مراکز، پائین بودن قیمت کالا در مقایسه با قیمت‌های بازار بین‌المللی و عدم تخلف از مقررات مربوط به نپرداختن کمیسیون به واسطه‌های بین‌المللی و توزیع میزان واردات موردنیاز میان تاجر سفارش‌دهنده کالا است. چنانچه با توجه به نکات فوق مراکز تهیه و توزیع سفارش تاجر را "مناسب" تشخیص دهد، تاجر سفارش دهنده می‌تواند مراحل دیگر سفارش کالا را همچون گذشته طی کند و کالا را سفارش دهد.

واردکننده کالا بنا بر قانون تشکیل مراکز تهیه و توزیع، موظف است کالا را به قیمتی که مرکز یا توجه به سود "عادلانه" تاجر تعیین می‌کند، در بازار به فروش رساند و در شرایطی که مرکز ضروری تشخیص دهد (معمولاً به هنگامی که کالائی در بازار کمیاب است) می‌تواند تا ۳۰٪ از محموله وارد شده را از تاجر واردکننده به قیمت قلمی که در بردارنده سود "عادلانه" تاجر باشد، از وی بخرد و راساً یا از طریق تعاونی‌های توزیع به بازار عرضه کند. علاوه بر آن، هر یک از مراکز می‌توانند راساً به واردات کالائی که در محدوده فعالیت مرکز است، اقدام کند.

رضا صدر و دیگر مدافعان قانون مراکز تهیه و توزیع کالا، مدعی هستند که دولت با اجرای سیاست تعیین قیمت، با توزیع سهمیه واردات میان تاجر غیرانحصاری، با خرید ۳۰٪ از محموله‌های وارداتی و واردات مستقیم مراکز، در صورت لزوم می‌تواند قیمت و جریان واردات به کشور را کنترل کند. آری، این درست است که چنین کنترل‌هایی مورد نظر قانون بوده است، اما این نه به معنای ملی کردن تجارت خارجی است و نه هدف‌هایی را که ملی کردن تجارت خارجی نیل به آن را میسر می‌سازد به دست می‌آورد.

دفاع از قانون تشکیل مراکز تهیه و توزیع بدان می‌ماند که بگوئیم اول تجارت را در دست تاجر بگذارید، بعد بکوشید که آن را کنترل کنید! تجربه نشان داده است که چنین کنترلی، به‌ویژه در مورد تجارت خارجی عملی نیست.

از سیاست تعیین قیمت شروع کنیم. مدافعان مراکز تهیه و توزیع ادعا می‌کنند که با تعیین قیمت از جانب مراکز تهیه و توزیع قیمت کالاهای وارداتی در بازار کاهش خواهد یافت. مردم میهن ما دریافته‌اند که در یکسال گذشته که مراکز تهیه و توزیع کالا فعالیت داشته‌اند، چنین نشده است. واردات آهن زیر نظر مرکز تهیه و توزیع فلزات انجام می‌شود. اما در یکسال گذشته قیمت آهن

روز به روز رو به افزایش بوده است و عملاً بخش عمده آن در بازار سیاه به فروش می‌رسد. این حقیقتی است مسلم و آشکار که سرمایه‌داران در پی به دست آوردن حداکثر سود هستند و می‌کوشند قیمت‌ها را تا بدانجا بالا برند که این سود حداکثر را به دست آورند. حال اگر مراکز تهیه و توزیع قیمت فروش کالاهای وارداتی را که هر رشته از واردات در دست معدودی تاجر است تعیین کند و حتی آنان را ملزم به ارائه فاکتور رسمی کند، تاجر چه می‌کند؟ آنان کالاها را در انبار احتکار می‌کنند. کالا در بازار کمیاب می‌شود و خریداران ناگزیر به پرداخت قیمتی بیش از قیمت رسمی می‌شوند تا بتوانند کالا را به دست آورند. موضوع فاکتور چه می‌شود؟ تاجر فروشنده صریحاً به خریدار می‌گوید: فاکتور نمی‌دهم! یا حتی تاجر فروشنده می‌گوید: به قیمتی که بسیار بالاتر از قیمت رسمی است، می‌فروشم اما فاکتور را به قیمت رسمی می‌دهم! این کاری است که هر روز در بازار هزاران بار انجام می‌شود.

اما تاجر واردکننده راه‌های دیگری نیز برای این کار در پیش می‌گیرند. برای مثال کالا را حتی با فاکتور و به قیمت رسمی از طریق شبکه دلالاتی که در اختیار دارند، دست به دست می‌کنند. (حتی بدون این که محل کالا تغییر کند!) و از این راه عملاً به قیمت‌ها می‌افزایند و سود هنگفت به چنگ می‌آورند.

عامل اصلی که سبب می‌شود تاجر واردکننده بتواند دست به چنین کارهایی زند و جود انحصارات واردکننده است که هرکدام بخش عمده‌ای از واردات را در رشته‌ای از تجارت در دست دارند و عملاً می‌توانند با احتکار کالا و عدم عرضه آن بر بازار، قیمت‌ها را افزایش دهند اما مدافعان مراکز تهیه و توزیع کالا مدعی‌اند در توزیع سهمیه واردات، اصل مقابله با انحصارات تجاری مد نظر است! این نیز ادعای بی‌پایه‌ای است. خصوصیت تجارت خارجی چنان است که عملاً بخش عظیمی از واردات در دست انحصارات باقی می‌ماند. این بدان معنا است که تاجر کوچک با سرمایه‌های اندک نمی‌تواند در کار تجارت خارجی وارد شوند.

آیا می‌توان تصور کرد که آهن وارداتی را هزاران کارگاه آهنگری و ساختمانی هرکدام بطور جداگانه سفارش دهند؟! به هرگونه که واردات آهن میان تاجر مختلف تقسیم شود، بازهم تجاری که واردکننده آهن هستند، در حدی بزرگ خواهند بود که توان اعمال قدرت انحصاری بر بازار خواهند داشت.

اما مسئله تنها این نیست. تاجر در این شرایط می‌کوشند به نام خود، فرزندان و بستگان خود، سهمیه وارداتی به دست آورند و بدین ترتیب عملاً می‌توانند همچنان که در یکسال گذشته در بسیاری موارد توانسته‌اند، بر میزانی که خواسته‌اند، کالا وارد کنند. از این رو است که ادعای مدافعان قانون تشکیل مراکز تهیه و توزیع درباره تنظیم واردات و قیمت کالاهای وارداتی از طریق سیاست تعیین قیمت و مقابله با انحصارات، در حالیکه تجارت خارجی در دست تاجر باقی است، بی‌پایه و اساس است.

تأثیر فروش ۳۰٪ محموله وارداتی از طریق مراکز تهیه و توزیع نیز در بازار داخلی بسیار اندک و ناچیز است. در حالیکه تاجر بزرگ و وابسته، کالاهای وارداتی را به بازار وارد می‌کنند، حتی در مواردی که مراکز تهیه و توزیع ۳۰٪ از محموله‌ها را خود در بازار توزیع کند، تاجر وارد کننده عملاً می‌تواند با احتکار و افزایش قیمت‌ها سود از دست‌رفته را (که بسیار بالاتر از سود "عادلانه‌ای" است که از مرکز دریافت می‌کنند) به دست آورد. باقی می‌ماند تنها جنبه قانون

بقیه از صفحه ۱۲

مذهب در ...

میان و کازاخستان ضمن بیان این مطلب افزود :
 "...حکومت شوروی... به کلیه شهروندان شوروی بدون در نظر گرفتن عقاید مذهبی شان حقوق برابر واگذار نمود. نظام اجتماعی عادلانه که وضع برتر مذهب مسیحی موجود در سابق را لغو کرد، برگزاری بدون مانع و رادع فرائض مذهبی به وسیله مسلمانان شوروی را امکان پذیر می سازد."

سمپوزیوم همچنین قطعنامه‌ای به تصویب رسانید که در آن تشدید مبارزه به خاطر استقرار صلح عادلانه در سراسر جهان و قطع مسابقه تسلیحاتی مورد تاکید قرار گرفته است. همچنین در این قطعنامه حملات وحشیانه امپریالیسم آمریکا و اسرائیل به جنوب لبنان محکوم گردید و از خلقهای ایران و افغانستان در مبارزه با امپریالیسم پشتیبانی به عمل آمد.

تابناکش می‌نگرد. دیگر برای مسلمان شوروی بیکاری معنا ندارد. او می‌داند که تحت نظام سوسیالیستی و تحت رهبری داهیانه حزب طبقه کارگر، هر شهروند شوروی سوای اعتقاد، نژاد و مذهب از آموزش رایگان استفاده می‌کند، حق کار دارد، مسکن در اختیارش قرار می‌گیرد و از استعدادش در جهت خدمت به مردم استفاده می‌شود... هم از این روی بخاطر آنکه در اتحاد شوروی فقر و بیکاری ریشه‌کن گردیده است و تمامی کسانی که قادر به کار کردن نیستند، از حقوق بازنشستگی بهره‌مند می‌باشند. مسلمانان، فطریه و یا خمس و زکات خویش را داوطلبانه به مساجد می‌دهند تا برای کمک به برادران عربشان که مورد هجوم صهیونیست‌ها و امپریالیست‌ها قرار گرفته‌اند فرستاده شود و یا اینکه برای مرمت و بازسازی اماکن مذهبی و مساجد و گسترش مناسبات میان مسلمانان مورد استفاده قرار گیرد.

و بدین‌گونه است که مسلمان شوروی خویشتن را جزو جامعه‌ای می‌یابد که اعتلای بشریت را هدف خود قرار داده است. شیخ یحیی بایسنبایف نماینده انجمن روحانیون مسلمان آسیای میانه و کازاخستان در پاسخ این سؤال که چگونه است شما مسلمانید ولی از نظام سوسیالیستی تعریف

● در ۲۵ نوامبر سال ۱۹۱۷ یعنی کمتر از یک ماه پس از انقلاب اکتبر دولت اتحاد شوروی به رهبری لنین پیام ویژه‌ای به تمام زحمتکشان مسلمان روسیه و خاور زمین فرستاد دولت خطاب به زحمتکشان مسلمان اعلام داشت :

"از این به بعد دین و مذهب و ایمان و آداب و سنت‌های شما و بنیادهای ملی و فرهنگی شما آزاد و مصون از هرگونه تعرض و تجاوز اعلام می‌گردد. زندگانی، ملی خود را آزادانه و بدون هیچگونه مانعی ترتیب دهید. اینها حق شماست"

و بدین سان به موجب فرمانی که به ابتکار لنین رهبر بزرگ زحمتکشان جهان تصویب گردید ، دین اسلام به عنوان یکی از ادیان موجود در شوروی با سایر ادیان و مذاهب برابر اعلام گردید .

همان‌گونه که در قانون اساسی اتحاد شوروی آمده است، دولت تبلیغات مذهبی نمی‌کند و شهروندان را با حقایق علمی آشنا می‌کند. لیکن پیروان ادیان گوناگون می‌توانند در مجامع و مجالس مذهبی و یا در نشریات خود ابراز عقیده و نظر نمایند. یکی از نشریات متعلق به ادیان در شوروی نشریه "مسلمانان شرق شوروی" می‌باشد. این نشریه که از سال ۱۹۶۹ به دو زبان ازبکی و عربی نشر می‌یافت، بعداً به درخواست مسلمانان سایر کشورها به زبان‌های روسی، فرانسه و انگلیسی نیز منتشر شد و اخیراً به زبان فارسی هم چاپ می‌گردد.

شیخ عبدالغنی عبداللہیف سردبیر این نشریه چنین می‌گوید :

"در صفحات مجله جواب مختلف زندگی مسلمانان اتحاد شوروی و مشارکت آنها در امور اجتماعی و اقتصادی کشور توصیف می‌گردد. یکی از اهداف اساسی مجله توصیف زندگی برادران هم‌دین ما در کشورهای مختلف جهان است. نقش و اهمیت مجله در گسترش حسن تفاهم و دوستی فیما بین مسلمانان شوروی و کشورهای خارجی مدام افزایش می‌یابد. در حال حاضر مجله "مسلمانان شرق شوروی" بطور منظم در ۷۰ کشور آسیا، افریقا، اروپا و آمریکا منتشر می‌شود" کتاب‌های مذهبی نیز از سوی انجمن‌ها و سازمان‌های مذهبی نشر می‌یابند. از سال ۱۹۵۹ تا سال ۱۹۸۰ این سازمان‌ها و انجمن‌های اسلامی قرآن را ۶ بار تجدید چاپ کرده‌اند و اکنون در حال نشر چاپ هفتم آن می‌باشند. علاوه بر قرآن کتب مذهبی دیگر از جمله مجموعه احادیث پیامبر اسلام و دیگر کتاب‌ها بارها در شوروی انتشار یافته است.

امروزه در اتحاد شوروی هر فرد مسلمان مانند دیگر هموطنان خود سرشار از امید به آینده

ملی کردن...

بقیه از صفحه ۱۳

که می‌تواند در جریان کالا و تعیین قیمت آن موثر افتد و آن اینکه مراکز، خود راساً اقدام به واردات کالا کنند که این همان وضعی است که در صورت ملی شدن تجارت خارجی به صورت عمومی به وجود خواهد آمد.

اما واقعیت قانون تشکیل مراکز تهیه و توزیع، این دستاورد بدیع لیبرالها برای به انحراف کشاندن اصل ۴۴ قانون اساسی، بدتر از اینها است. دم خروس آنجا عیان می‌شود که به ترکیب هیئت مدیره آنچنان که قانون پیش بینی کرده است نگاه کنیم. راضدر در این قانون ترکیب هیئت مدیره مراکز را چنین تعیین کرده است : یک نماینده از طرف وزارت بازرگانی، یک نماینده از وزارتخانه‌ای که کالای مربوطه در حوزه فعالیت آن است، نماینده کمیته امور صنفی و چهار نفر افراد "بصیر" آگاه و خوشنام" به انتخاب وزیر بازرگانی!

بدین ترتیب مرجع تصمیم‌گیرنده درباره سیاست تنظیم واردات در هر یک از مراکز، هیئتی است که تنها دو نفر از آنان نماینده دولت هستند. مهم‌تر آنکه چهار نفر از آنان کسانی هستند که تنها معیار در انتخاب آنان "بصیرت"، "خوشنامی" و "آگاهی" آنان در زمینه فعالیت مرکز است. این را در کنار گفته صدر در تمجید از قانون مراکز تهیه و توزیع قرار دهیم که گفته است :

"دست‌اندرکاران بیکار نخواهند نشست و تخصص و آگاهی تجار مورد استفاده قرار خواهد گرفت."

چگونه می‌توان بیمناک نبود از اینکه وزیري همچون راضدر، تجار "محترم"، "بصیر" "آگاهی" را به منظور استفاده از "تخصص" آنان در هیئت مدیره این مراکز قرار ندهد؟ که همانا سپردن رمه به دست‌گرگ است! چگونه می‌توان نگران نبود که فلان تاجر بزرگ آهن یا برادر وی در مرکزی که قرار است واردات آهن را تنظیم کند، قرار نگیرد؟!

جالب توجه است که این آقایان لیبرال در حالیکه هرگز از بیکاری چند میلیون کارگر و زحمتکش هم‌میهن نگران نبوده‌اند، از بیکاری تجار محترم ابراز نگرانی می‌کنند و راه چاره آن را نیز فوراً پیدا می‌کنند. در ماه‌های اخیر لیبرالها تبلیغات گسترده‌ای را در جهت تثبیت مراکز تهیه و توزیع آغاز کرده‌اند. لیبرالها همچنان که صباغیان در آذرماه به هنگام بحث بر سر اصل ۴۴ قانون اساسی گفت، خواهند گفت: "این همه بحث بر سر چیست؟ تجارت خارجی هم‌اکنون ملی شده است."

فشار لیبرالها و مدافعان تجار سرمایه‌دار در مجلس و در کمیسیون بازرگانی آن سبب شد که برای تعیین دو ماه مهلت برای تهیه لایحه مربوط به ملی کردن تجارت خارجی توسط وزارت بازرگانی، شش ماه وقت تلف شود. اکنون لایحه مصوبه هیئت وزیران برای تصویب به مجلس ارائه شده است. در روزهایی که درپیش است، بحث‌هایی را در این باره در مجلس شاهد خواهیم بود. لیبرالها و مدافعان تجار سرمایه‌دار خواهند کوشید تصویب این لایحه را به تعویق اندازند و آن را نهایتاً از محتوی تهی کنند. مردم میهن ما با دقت و آگاهی بر جریان تصویب این قانون در مجلس شورای اسلامی ناظر خواهند بود.

می‌کنید، چنین می‌گوید :
 "من در بسیاری از کشورهای خارجی بیکاری، فقر و بی‌حقوقی را شاهد بوده‌ام. اما در کشور ما بکلی وضع دیگری موجود است. ما همه چیز داریم هم حقوق و هم تأمین مالی. در این صورت چطور می‌توانم از نظام سوسیالیستی تعریف بکنم. نظام سوسیالیستی ملت را از یوغ اسارت، بی‌حقوقی، فقر و ناداری نجات داده، این ملت را که در شرف مرگ و نابودی بود به رفیع‌ترین قله تمدن معاصر رسانده و فرهنگ ملی، آداب و شعائر ملی ما را واقعا شکوفا کرده است. چطور می‌توان این نظام را ستایش نکرد. در صورتی که این نظام پیشرفت ما را در کلیه رشته‌های زندگانی تأمین کرده و می‌کند و از مبارزه در راه صلح و رهایی ملت‌ها پشتیبانی می‌کند."

واقعیت آن است که هیچ‌کس همانند خود مسلمانان شوروی نمی‌تواند درباره وضع زندگی و حقوق مسلمانان اظهار نظر نماید لیکن هرچند مسلمانان و پیروان دیگر ادیان این چنین از موقعیت خویش در مهد سوسیالیسم جهانی سخن می‌رانند، امپریالیست‌ها و ناآگاهان متأثر از آنان از وضع اسفناک آنان، از تضییقات به دین و روح آنان سخن می‌گویند! لیکن اگر کلام روحانیون اتحاد شوروی را بخوایم لجوجانه غیرواقعی ارزیابی کنیم، وزیر دادگستری الجزایر می‌تواند به ما یاری کند که می‌گوید :

"من هنگام اقامت در آذربایجان و ازبکستان یقین کردم که مسلمانان این جمهوری‌ها در صداقت و وفاداری به دین خود آزادند و کلیه آداب و سنن مذهبی را آزادانه انجام می‌دهند و این مایه خرسندی ماست و ما را بار دیگر متقاعد می‌سازد که سوسیالیسم از مردم حق پیروی از دین و مذهب خود را سلب نمی‌کند."

معلمان و دانش آموزان در تعطیلات تابستان نیز باید به خلق و انقلاب یاری رسانند

پس از انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷ معلمان و دانش آموزان با شور و شوق فراوان و سرشار از امید و انرژی برای دگرگون ساختن مدارس، بار دیگر به کلاسها رفتند ولی در چند ماهی که از سال تحصیلی باقی مانده بود، دولت موقت برنامه و حرکتی در جهت دگرگونی بنیادی آموزش و پرورش ارائه نداد. با آغاز تابستان، دانش آموزان و معلمان امید و انتظار داشتند برنامه‌هایی برای آموزش آنها و همچنین استفاده از دانش و تجربیات ایشان در امر سازندگی جامعه و دگرگونی آموزش و پرورش تنظیم و به مورد اجرا گذاشته شود ولی دولت موقت که نهایتاً هدفی جز خاموش کردن شور انقلابی مردم و بازگرداندن اوضاع به حالت سابق نداشت، این نیروی عظیم را بی برنامه رها کرد و حتی بر سر راه اقداماتی که توسط گروهی از معلمان متعهد و دلسوز برای کمک به دانش آموزان صورت می پذیرفت، سنگ اندازی کرد.

در تابستان گذشته آقای رجایی وزیر آموزش و پرورش وقت اعلام کرد که در تابستان با گذاشتن کلاسهای درسی، تربیتی و تخصصی، مدارس را در خدمت دانش آموزان قرار می دهد. بسیاری از معلمان متعهد به انقلاب در جهت اجرای این تصمیم داوطلب شدند ولی روحیه انحصارطلبانه حاکم بر آموزش و پرورش مانع از آن شد که از شور انقلابی و کار داوطلبانه این معلمان در جهت تعمیق انقلاب و حل نارسائیها استفاده شود و با تشویق و نمونه قرار دادن اینگونه معلمان سایرین نیز به گذشت و فداکاری و کوشش مداوم در راه انقلاب متمایل شوند. در نتیجه آموزش و پرورش بجای سازمان دادن این نیروهای داوطلب و مشتاق، متوسل به فرستادن معلمان انتخابی! آن هم صرفاً با معیار مکتبی بودن شد و در نتیجه به علت عدم استفاده از همه نیروهای هواخواه انقلاب و محدودیت و فقدان کفایت لازم در اداره کلاسها، در عمل اغلب کلاسها ناموفق ماند.

هرگاه مقامات مسئول آموزش و پرورش علل ناموفق ماندن اینگونه برنامه‌ها و ریشه نابسامانی‌های سال تحصیلی گذشته را عمیقاً مورد بررسی قرار دهند و

حقیقتاً بخواهند از تجارب گذشته بهره مند شوند، از این پس باید بدور از هرگونه تنگ نظری از نیروی همه معلمان داوطلب در امر سازندگی جامعه و دگرگونی در وضع آموزش و پرورش استفاده کنند و از سوی دیگر به منظور بالا بردن دانش علمی و به کارگیری شیوه‌های موثر آموزش، این معلمان را آموزش دهند و سایر معلمان را به گونه‌ای تشویق کنند که برای تداوم انقلاب، برای بهتر کردن محیط کار و زندگی، داوطلبانه بکوشند. اما اگر مقامات مسئول نخواهند از تجربیات گذشته درس لازم را بیاموزند، و تنها از یک زاویه محدود به مسائل پیچیده انقلاب بنگرند، آنگاه نارسائیها با عمق بیشتر گسترش خواهد یافت و ضربات جبران ناپذیری در آموزش و پرورش روی خواهد داد.

برنامه ویژه تابستان که باید با همیاری معلمان و دانش آموزان به اجرا درآید می تواند شامل موارد زیر باشد:

۱- برگزاری کلاسهای کمک درسی برای دانش آموزان تجدیدی. این کلاسها باید حتی الامکان با تعداد کمتری از دانش آموزان تشکیل شود تا معلمان بتوانند با به کار گرفتن شیوه‌های علمی و برقراری رابطه‌ای نزدیکتر با دانش آموزان اشکالات و گره‌هایی را که باعث عقب ماندگی آنان شده کشف و در حل ریشه‌های آنها به دانش آموزان یاری رسانند.

۲- شرکت دادن و کمک گرفتن وسیع و گسترده از معلمان و دانش آموزان در امر خطیر سوادآموزی. در تابستان امسال می توان و باید بخش اعظم مدارس را برای دایر کردن کلاسهای مبارزه با بیسوادی در اختیار مردم قرار داد و از معلمان و دانش آموزان داوطلب خواست که افراد بیسواد محل خود را جمع آوری و در مدارس آموزش دهند و گامی

در جهت تحقق این گفته امام خمینی که "هر کس که می داند یاد بدهد و آن کس که نمی داند یاد بگیرد" برداشته شود و زمینه‌ای گردد که امر آموختن و آموزش دادن در سراسر کشور گسترش یابد.

۳- استفاده از نیروی دانش آموزان و معلمان در جهت سازندگی کشور و کمک رسانی به سایر هموطنان بخصوص هم میهنان جنگ زده، نهادهای مردمی جهاد سازندگی، بسیج و... باید در جهت به کار گرفتن انرژی جوانان دانش آموز و معلمان آنها در تابستان برای حل ضربتی بعضی از این نارسائیها اقدام کنند.

۴- استفاده از دانش و تجربه معلمان برای تغییر محتوای کتابهای درسی. در این مورد باید برای هر درس در هر شهر و یا هر استان کمیته‌ای از معلمان درس مربوطه تشکیل گردد. اعضای این کمیته‌ها باید از بهترین معلمان که در زمینه درس خود فعال و کوشا و صاحب نظر هستند، انتخاب شوند. و این کمیته در ارتباط با سایر معلمان شهر و یا استان نظرات آنها را در مورد کتاب درسی جمع آوری و نکات عملی و درست آنها را استخراج و پیشنهادات لازم را برای تغییر و تدوین کتابهای درسی که با نیازهای انقلاب هماهنگ بوده و از محتوای غنی و آموزنده و با حجمی متناسب با توان دانش آموزان برخوردار باشد، تهیه شود. این پیشنهادات به مرکز بررسی و تهیه کتب درسی آموزش و پرورش ارائه گردد و در آنجا با کمک و نظارت همین معلمان، کتابهای جدید تهیه شود.

۵- تشکیل کلاسهای باز-آموزی برای معلمان داوطلب. این کلاسها باید به حد کافی از غنای علمی برخوردار باشد تا بتواند معلمان را جذب کند. این کلاسها باید بتواند راهگشای مشکلات معلمان در زمینه تدریس باشد.

برای رسیدن به این منظور باید: اولاً برای آموزش معلمان از استادان مجرب و آگاه استفاده شود. ثانیاً مواد آموزشی داده شود که به رفع پیچیدگیهای کتابهای درسی کمک کند. ثالثاً کلاسها در محیطی برگزار شود که معلمان بتوانند از تجربیات یکدیگر نیز استفاده کنند که نه تنها درک درست تری از مفاهیم کتاب به دست آورند بلکه شیوه‌های بهتری را برای آموزش دادن این مفاهیم نیز کسب کنند.

۶- ترتیب دادن برنامه‌های کارآموزی در زمینه‌های فنی - حرفه‌ای و هنری و جلب جوانان به

برنامه‌های ورزشی و تفریحی (حتی الامکان در اردوهای مخصوص). از آنجا که هدف از آموزش، رشد استعدادها و دانش آموزان از نظر جسمی و فکری و پرورش آنان با روحیه جمع گرایی است، ضرورت دارد که در برنامه‌های مربوط به آنها همه جوانب امر در نظر گرفته شود و بخصوص در تابستان به برنامه‌های تفریحی و هنری با استفاده از نیروی مربیان و معلمان آشنا به فنون تعلیم و تربیت توجه کافی شود تا علاوه بر رشد استعدادها و هنری آنها، شرایط تجدید انرژی فراهم گردد و نتیجتاً با روحیه‌ای شادتر و آماده تر به استقبال سال تحصیلی آینده بروند.

هر معلم و دانش آموز متعهد علاوه بر کوشش برای تحقق موارد فوق، باید سعی کند تا با استفاده از امکانات فردی و جمعی بر دانش علمی و سیاسی خود بیافزاید تا دستی پرتر و اندیشه‌ای پربرتر پیشواز کند.

کمک ۴۰۰ میلیون دلاری آمریکا برای بازسازی ارتش ترکیه

آنکارا - آسوشیتدپرس: بدنبال مذاکراتی که میان مقامات عالی رتبه آمریکا و ترکیه در مورد نحوه کمکهای نظامی واشنگتن به آنکارا صورت گرفت مقامات وزارت دفاع آمریکا آنکارا را به قصد تونس ترک کردند. براساس این گزارش دولت ریگان متعهد شده است به منظور بازسازی تجهیزات نیروهای مسلح و بدویزه نیروی هوایی ترکیه مبلغ ۴۰۰ میلیون دلار به این کشور کمک نظامی بدهد.

طبق قرارداد موجود که در سال ۱۹۸۰ با اعضاء رسید ده پایگاه نظامی آمریکا در خاک ترکیه فعالیت خود را آغاز کرده‌اند.

ایران در جهان قرارداد همکاری میان خبرگزاری پارس و خبرگزاری ترکیه

دوستان انقلاب

چه کسانی

هستند؟

تهران خبرگزاری پارس - کمال خرازی سرپست سازمان خبرگزاری پارس که جهت عقد قرارداد در زمینه مبادله خبر با خبرگزاری آنا تولی ترکیه چهارشنبه گذشته به این کشور مسافرت کرده بود دیروز به تهران بازگشت.

هدف رژیم نظامی وابسته به امپریالیسم ترکیه از بسط روابط سیاسی و اقتصادی با ایران، تلاش برای گشودن راه نفوذی تازه و اجرای نقشه‌های جدید امپریالیسم آمریکاست

(کیهان ۲ خرداد ۱۳۶۰)

ما در گذشته تاکید کرده و بار دیگر می گوئیم: گسترش این روابط به سود امپریالیسم آمریکا و به زیان انقلاب ایران است.

روزنامه اطلاعات چرا؟

تبلغ آشکار و بدون پرده برای گسترش روابط اقتصادی سیاسی با امپریالیسم اروپا و ژاپن اخیراً ابعاد گسترده‌ای یافته است. واقعیت این است که سیاست خارجی متناقض جمهوری اسلامی، آلوده بودن اذهان مقامات طراز اول جمهوری به تر ارتجاعی "برقدرتها" که از جانب ایدئولوگ‌های امپریالیسم جهانی و محافل سرمایه‌داری ایران و مائوئیست‌ها برای تطهیر امپریالیسم و "وارد کردن آن از پنجره" اشاعه می‌یابد، این امکان را فراهم آورده که نمایندگان رسمی امپریالیسم اروپا و ژاپن در پرتیواژترین روزنامه کشور که به تمام ملت تعلق دارد، در جهت منافع غارتگرانه انحصارات امپریالیستی اروپا و ژاپن تبلیغ کرده و مردم ما را بفریبند.

روزنامه اطلاعات روز ۴ خرداد ۱۳۶۰ دو صفحه کامل خود را در اختیار شرکت‌ها و بانک‌های چندملیتی امپریالیسم آلمان از جمله شرکت‌های رسوائی چون "دویچه بانک"، "ام. و. ام. دیزل"، "کروپ"، "بیل فینگر و برگر"، "دویچه بایکوک آکسین"، "هوفت" و غیره اختصاص داد. با مشاهده این صفحات در روزنامه اطلاعات برای بسیاری از خوانندگان این روزنامه این تصور پیش آمد که مبادا این صفحات از میان صفحات سالهای قبل، یعنی دوران منفور رژیم شاه استثناء در میان صفحات جدید "بر" خورده است.

در این صفحات "دویچه بانک" این بانک انحصاری غارتگر که در به بندکشیدن بسیاری از ملل زیرسلطه نقش عمده داشته و دارد، مودیان به تبلیغ ایده وابستگی می‌پردازد. "دویچه بانک" از طریق روزنامه اطلاعات برای کارگران و زحمتکشان محروم میهنمان از "یکصد سال تجربه خود" (بخوان

یکصدسال غارت و چپاول) سخن می‌گوید و آمادگی خود را برای ارائه "ساده‌ترین، سریع‌ترین و بهترین راه‌حل"ها اعلام می‌دارد و در آخر دعوت می‌کند که "... به سراغ دویچه بانک بیایید". زینت‌بخش صفحه دیگر روزنامه اطلاعات با کمال تأسف تبلیغ برای کمپانی انحصارگر "کروپ" است. شرکتی که مردم میهنمان به نقش آن در تحکیم سلطه وابستگی بر ایران در دوران رژیم شاه بخوبی واقف هستند. "کروپ" با عوام - فریبی دعوت می‌کند که ایجاد پروژه‌های عظیم صنعتی تماماً به آن شرکت واگذار شود! جای دیگر "هوفت" یک انحصار غارتگر دیگر، دلسوزانه! توصیه می‌کند که با استفاده از "خدمات" آن شرکت، ایران "خودکفا و غیروابسته شود"!!

اما از همه این تبلیغات جالب‌تر مصاحبه‌ای است با جناب قائم مقام سفیر جمهوری فدرال آلمان به مناسبت "روز آلمان" که روشنگر واقعیات بسیاری است در پاسخ این سؤال خبرنگار اطلاعات که "برای ادامه و گسترش روابط اقتصادی بین دو کشور چه راه‌هایی مورد نظر است" جناب قائم مقام سفیر ضمن اشاره به اینکه "مناسبات اقتصادی آلمان و ایران با وجود اینکه دشوارتر شده است" و گله از اینکه "پروژه بزرگ و جدیدی شروع نشده" می‌فرماید: "اما اکثر پروژه‌های قدیمی ادامه می‌یابند و مبادلات بازرگانی کماکان در مسیر معمولی دنبال می‌گردد. برنامه‌های مشترک ایران و آلمان در زمینه‌های صنعتی ادامه دارد" آنگاه اشاره می‌کند که گرچه پس از انقلاب "در سال ۱۹۷۹ صادرات آلمان به ایران البته بطور موقت و در مدتی کوتاه به میزان ۶۲٪ کاهش یافت اما در عوض این مقدار در سال ۱۹۸۰ به میزان ۱۷/۴٪ افزایش یافت"

و این در حالی است که جناب قائم مقام تأکید می‌کند که صادرات ایران به آلمان در همین سال ۱۹٪ کاهش یافته است. نماینده انحصارات غارتگر امپریالیسم آلمان که تا همین دیروز در دست همپالکی‌های اروپائی و ژاپنی‌اش به دستور سرکرده خود امپریالیسم امریکا، ایران را در محاصره اقتصادی قرار داده بود، حال یک‌مرتبه به فکر "توسعه و رشد" کشور ما افتاده است و آمادگی کشورش را برای "همکاری" در این زمینه اعلام می‌کند.

با مشاهده آنچه که گفتیم آیا مردم حق ندارند، بپرسند در روزنامه‌های کشور، آن‌هم نه در میزان یا انقلاب اسلامی بلکه در اطلاعات تبلیغات امپریالیستی به این شکل آشکار و بی‌شرمانه منعکس می‌گردد؟ حق ندارند بپرسند نمایندگان گرایشی که می‌خواهد به مردم میهنمان القاء کند که امپریالیست‌های ژاپنی و اروپائی امپریالیست‌های خوب و بی‌خطری هستند، چه کسانی هستند؟ حق ندارند بپرسند که چرا در شرایطی که به تبلیغات خصمانه علیه کشورهای سوسیالیستی و دولت‌های ترقیخواهی که پیوسته در کنار مردم میهن ما و مدافع انقلابمان بوده‌اند و هستند، دامن زده می‌شود این چنین آشکارا تبلیغ برای گسترش وابستگی با امپریالیست‌های ژاپنی و اروپائی اشاعه می‌یابد؟

مردم می‌خواهند بدانند چرا روزنامه اطلاعات که علیرغم کاستی‌ها و نارسائی‌هایش بخاطر مواضع ترقیخواهانه چند ماهه اخیر خود مورد توجه محافل ترقیخواه و انقلابی و تمامی مردم بوده است، صفحات خود را جولانگاه "رپرتاژ و آگهی‌های" امپریالیستی می‌سازد؟ این کار برای "میزان" امری عادی است اما اطلاعات چرا؟

بعد از ۵۰ سال هنوز قانون سیاه خرداد ۱۳۱۰ رسماً لغو نشده است دولت بازرگان می‌خواست قانون سیاه را اجراء کند

دهم خرداد سالروز تصویب قانون معروف ضد - کمونیستی یا "قانون سیاه" توسط رژیم رضاخان است رژیم دست‌نشانده رضاشاه که در برابر جنبش کارگری و کمونیستی ایران بطور روزافزونی احساس خطر کرد با تصویب قانون فوق درصدد سرکوبی مبارزات کارگری و تلاشی حزب کمونیست ایران برآمد به موجب این قانون هر کس دسته یا جمعیتی تشکیل می‌داد یا عضو دسته یا جمعیتی بود که رویه یا مرام اشتراکی (کمونیستی) را دنبال می‌کرد به سه تا ده سال حبس مجرد محکوم می‌گردید. این قانون علیرغم مخالفت همه محافل و نیروهای ترقیخواه ایران در دهم خرداد ماه ۱۳۱۰ تصویب مجلس فرمایشی شاهنشاهی رسید. بر پایه این قانون در طول ۵۰ سال گذشته بیش از هزار رزمنده کمونیست به جوخه اعدام سپرده شد و هزاران انقلابی کمونیست پس از تحمل شکنجه‌های وحشیانه سالهای دراز در زندان‌های رژیم پهلوی به سربردند. با وقوع انقلاب و فرو ریختن دیکتاتوری فاشیستی رژیم امریکایی شاه، انتظار مردم آن بود که این قانون سیاه و ضد مردمی هرچه سریعتر لغو و این لکه ننگ از تاریخ میهن مازدوده شود. اما متأسفانه چنین نشد و نه تنها چنین نشد، بلکه همین قانون به دستاویزی دردست لیبرالها علیه انقلابیون کمونیست بدل شد! دولت مهندس بازرگان که راه سازش گام به گام با امپریالیسم امریکا را درپیش گرفته بود برای جلوگیری از فعالیت آزاد و قانونی سازمان‌های پیرو سوسیالیسم علمی به همین قانون توسل جست مهندس بازرگان به بهانه اینکه قانون فوق لغو نشده و دولت موقت ملزم به اجرای آن می‌باشد! کوشید از فعالیت سازمان‌های معتقد به سوسیالیسم علمی جلوگیری به عمل آورد! تلاش مهندس بازرگان در پایبندی به چنین قانون ننگینی که دزخیمان پهلوی بر پایه آن خون‌هزاران تن از بهترین انقلابیون میهن ما را بر زمین ریختند کاملاً طبیعی و منطبق بر اهداف سازشکارانه لیبرالهای "آزادخواه" بود. این "آزادخواهان" برای پیشبرد خط سازش با امپریالیسم امریکا درصدد بودند که انقلابیون کمونیست را به عنوان مخالفین پیگیر چنین سیاستی از سر راه خود دور سازند و برای مبارزه با آنها به هر شیوه و بهانه‌ای حتی به یکی از سیاه‌ترین و ضددمکراتیک‌ترین قوانین رضاخانی نیز توسل جویند. اما انقلاب بر دوش پر توان زحمتکشان میهنمان به پیش رفت. دولت لیبرالی به زیر کشیده شد و در قدم‌های بعدی. پس از هرج و مرج و بی‌قانونی، طرح ۱۰ ماده‌ای دادستانی برای نظارت بر فعالیت گروه‌های سیاسی تدوین شد. تدوین طرح ۱۰ ماده‌ای در واقع خط بطلان بر قانونی است که مدت نیم قرن دستاویز دشمنان مردم در جهت سرکوب پیگیرترین مدافعان آزادی و استقلال میهنمان ایران بوده است. این راه قانون به دستاویزی دردست لیبرالها علیه انقلابیون کمونیست بدل شد! دولت مهندس بازرگان که راه سازش گام به گام با امپریالیسم امریکا را درپیش گرفته بود برای جلوگیری از فعالیت آزاد و قانونی سازمان‌های پیرو سوسیالیسم علمی به همین قانون توسل جست مهندس

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقی ایران

اعدام رفیق عبدالباسط احمدی

دشمنی آشکار با انقلاب و نقض کینه توزانه پیام بهمن ماه امام خمینی است

با چند تن از مقامات جمهوری اسلامی ایران تماس گرفته شد. همچنین از طریق خانواده وی اقداماتی جهت آزادی عبدالباسط انجام شد. منجمله در تماسی که پدر عبدالباسط به اتفاق چند تن از روحانیون کردستان با دفتر آیت الله منتظری گرفته بودند، دفتر آیت الله منتظری با استاد به پیام عفو امام در نامه‌ای به حجت الاسلام جواهری حاکم شرع سنندج خواسته بود که جهت آزادی برادران کرد زندانی در سنندج و اوین اقدام شود ولی علیرغم تمامی این اقدامات به دستور دادگاه انقلاب مرکز در سرحگاه هفتم خرداد رفیق عبدالباسط احمدی در زندان اوین تیرباران شد.

اعدام عبدالباسط احمدی به دنبال اعدام جنایتکارانه رفیق عادل اسکندری و در شرایطی صورت می‌گیرد که انقلاب ایران بیش از هر زمانی نیازمند آن است که نیروهای مدافع انقلاب فشرده‌تر و متحدتر شوند تا با توان هرچه بیشتری توطئه‌ها و تجاوزات امپریالیسم، رژیم جنایتکار صدام و دسائس ضدانقلاب داخلی را درهم شکنند. ما اعدام رفقای خود را توسط دادگاه‌های انقلاب جمهوری اسلامی اقداماتی می‌شناسیم که تنها دشمنان انقلاب را شادمان می‌سازد. این اقدامات صفوف خلق را پاکتده می‌کند. نفاق و پراکندگی را در میان نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست دامن می‌زند و راه را برای غلبه دشمنان انقلاب هموار می‌کند. ما با ابراز انزجار نسبت به صدور احکام اعدام انقلابیون ایران توسط محاکم جمهوری اسلامی، آن را محکوم کرده و بار دیگر اعلام می‌داریم که علیرغم این اقدامات نفاق-افکنانه همچنان برای تحکیم وحدت صفوف نیروهای مدافع انقلاب در مبارزه با امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی پیکار خواهیم کرد.

شماره ۲/۸۲۹
تاریخ ۵۹/۱۱/۱۲
محور محترم آیت الله موسوی اردبیلی دادستان کل کشور

محرمات در تاریخ ۵۹/۸/۲۳ یکی از هواداران سازمان عبدالباسط احمدی اهل سنندج به واسطه باستان در تهران بازداشت گردید. با درجه‌های ۲/۸۲۹ به حضور محاسنی ارسال دادم. مراتب سراسری خود را از این مقامات می‌آوردم. به وی اسلام و دین را آزادی قوی می‌نماید.

در تاریخ ۵۹/۱۱/۸ روزنامه هفتاد و پنج درج حکم محاکمه عبدالباسط احمدی نمودند. در کفرخواست دادستان اینجانبی ارسال تمام مطبوعات علیه جمهوری اسلامی. جمله به سون اعلام ارتش در نامه و سردست و کورگان کرفس آن ذکر گردیده است. با توجه به عواقب آشکاری که این مقامات می‌توانند بر مسوولان برای وی در بر داشته باشد، لازم می‌دانم موارد ذیل را به شما محاسنی سراسری:

سازمان مطبوعاتی گذشته به خاطر دفاع از اسناد و روزهای انقلاب در جهت حل مسأله آسیر در زندان و برقراری تابع در سنندج تمام ملاتر خود را در اختیار شما قرار دادیم و تمامی اسناد و مدارک مربوط به زندان را به شما تحویل دادیم. در تاریخ ۵۹/۱۱/۸ روزنامه هفتاد و پنج درج حکم محاکمه عبدالباسط احمدی نمودند. در کفرخواست دادستان اینجانبی ارسال تمام مطبوعات علیه جمهوری اسلامی. جمله به سون اعلام ارتش در نامه و سردست و کورگان کرفس آن ذکر گردیده است. با توجه به عواقب آشکاری که این مقامات می‌توانند بر مسوولان برای وی در بر داشته باشد، لازم می‌دانم موارد ذیل را به شما محاسنی سراسری:

سازمان مطبوعاتی گذشته به خاطر دفاع از اسناد و روزهای انقلاب در جهت حل مسأله آسیر در زندان و برقراری تابع در سنندج تمام ملاتر خود را در اختیار شما قرار دادیم و تمامی اسناد و مدارک مربوط به زندان را به شما تحویل دادیم. در تاریخ ۵۹/۱۱/۸ روزنامه هفتاد و پنج درج حکم محاکمه عبدالباسط احمدی نمودند. در کفرخواست دادستان اینجانبی ارسال تمام مطبوعات علیه جمهوری اسلامی. جمله به سون اعلام ارتش در نامه و سردست و کورگان کرفس آن ذکر گردیده است. با توجه به عواقب آشکاری که این مقامات می‌توانند بر مسوولان برای وی در بر داشته باشد، لازم می‌دانم موارد ذیل را به شما محاسنی سراسری:

سازمان مطبوعاتی گذشته به خاطر دفاع از اسناد و روزهای انقلاب در جهت حل مسأله آسیر در زندان و برقراری تابع در سنندج تمام ملاتر خود را در اختیار شما قرار دادیم و تمامی اسناد و مدارک مربوط به زندان را به شما تحویل دادیم. در تاریخ ۵۹/۱۱/۸ روزنامه هفتاد و پنج درج حکم محاکمه عبدالباسط احمدی نمودند. در کفرخواست دادستان اینجانبی ارسال تمام مطبوعات علیه جمهوری اسلامی. جمله به سون اعلام ارتش در نامه و سردست و کورگان کرفس آن ذکر گردیده است. با توجه به عواقب آشکاری که این مقامات می‌توانند بر مسوولان برای وی در بر داشته باشد، لازم می‌دانم موارد ذیل را به شما محاسنی سراسری:

بسمه تعالی
تاریخ ۵۹/۱۱/۱۲
شماره

برادر جناب حجت الاسلام آقای جواهری ریاست دادگاه انقلاب اسلامی سنندج دامت افاضات

حاملین نامه که از علماء و روحانیون محترم بانیه هستند در قسم خدمت حضرت آیت الله منتظری رسیدند و نسبت به زندانیان برادران کرد که اکثریت سنندج و بعضی در اوین زندانی هستند صحبت شد فرمودند مراتب با جناب‌الی مطرح گردد و طبق مذاکراتی که تیلاننده بود ترتیب آزادی آنان بدون محاکمه و یا بصورت عفو امام مد ظله داده شود.

ضمناً علماء بانیه در ذیل نامه «میمه» ارسال می‌گردد. تضمین بیکاهسی و یا عدم ارتباب جرم محسوب می‌گردد. آنان را نمودمانند.

وفنگم الله تعالی لمراتبه

نامه دفتر آیت الله منتظری جهت آزادی زندانیان کرد سنندج و اوین که توسط پدر عبدالباسط دریافت شده است.

را عضو حقوقدان معرفی می‌کرد از من چند سؤال کرد که تکرار سؤال‌های بازجویی بود و در این میان هر ده دقیقه فردی به نام "مبشری" می‌آمد و می‌گفت شما مفسد هستید و می‌رفت. روز بعد مجدداً به دادگاه احضار شدم. عده‌ای پاسدار نیز پشت سر من در دادگاه نشستند. خبرنگار کیهان نیز حضور داشت که مرتب عکس می‌گرفت. از خبرنگار علت این کار را پرسیدم، گفت: می‌خواهم این عکس‌ها را برای محاکمه فردا که در مقابل دوربین تلویزیون انجام خواهد شد، آماده کنم و از من پرسید آیا اتهاماتی که در کيفرخواست مطرح شده، درست است که با تعجب گفتم از اتهامات خود بی‌اطلاعم و کيفرخواست را به من نداده‌اند. دو روز بعد مجدداً به دادگاه احضار شدم. عباس و فریدون به عنوان شاکی حضور داشتند. (عباس و فریدون عاملین دستگیری عبدالباسط بودند) در این جلسه کيفرخواست برای اولین بار خوانده شد که تماماً بی‌اساس بود. پس از آن خواستند از این صحنه سازی توسط تلویزیون فیلمبرداری کنند که من به شدت اعتراض نموده و مانع این کار شدم. جلسه دادگاه تا ساعت ۱۲ ادامه داشت و ادامه آن به روز بعد موکول شد. در راهرو دادگاه، عباس و فریدون به من گفتند ناراحت نباش تا شش ماه دیگر خودمان از زندان بیرون می‌آوریم. در جلسه بعدی نه از شاکی‌ها خبری بود و نه از تلویزیون. خبرنگارانی هم که آمده بودند پس از چند دقیقه رفتند. در آن جلسه دفاعیاتی را که از قبل تهیه کرده بودم، خواندم. اکنون سه ماه از آن تاریخ می‌گذرد و هنوز هم حکم دادگاه را به من ابلاغ نکرده‌اند.

چند روز قبل از اعدام رفیق عبدالباسط احمدی بر اساس اخبار نگران‌کننده‌ای که از زندان رسیده بود بار دیگر از جانب سازمان ما

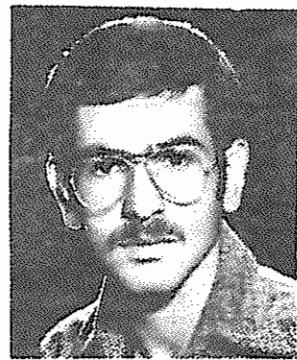
با حکم دادگاه انقلاب اسلامی مرکز، سرحگاه پنجشنبه هفتم خردادماه در محوطه زندان اوین یکی از هواداران سازمان ما به نام رفیق عبدالباسط احمدی معلم اهل بانه کردستان به جوخه اعدام سپرده شد. عبدالباسط احمدی در تاریخ ۲۳ آبان ۵۹ توسط ماموران کمیته در تهران دستگیر شد و پس از مدتی با تشکیل دادگاهی که به دور از موازین قانونی جمهوری اسلامی بود، بطور یکجانبه به محاکمه کشیده شد. در همان زمان سازمان ما طی نامه‌ای به دادستان کل کشور بی‌اساس بودن اتهاماتی را که در کيفرخواست دادستان علیه عبدالباسط احمدی ذکر شده بود، یادآور شد و اعلام کرد: "ما اتهامات بی‌اساس وارد شده به عبدالباسط احمدی را که با روح پیام اول بهمن ماه امام خمینی بیگانه است از نوع اقدامات تفرقه افکنانه‌ای می‌شناسیم که بدون شک توسط عوامل مشکوکی به سود دشمنان انقلاب دامن زده می‌شود." ما در نامه خود متذکر شده بودیم که تبلیغ سوء و اقدام علیه کسانی که از انقلاب دفاع می‌کنند و خواهان حل مسأله آسیر مشکل کردستان هستند نه تنها کمکی به حل مشکل کردستان نخواهد نمود بلکه با دامن زدن به جو نفاق و بی‌اعتمادی در میان مردم کردستان زمینه را جهت عوام‌فریبی و گسترش عملیات ضدانقلاب در کردستان فراهم می‌نماید.

از پایان محاکمه در دادگاه تا سپرده شدن عبدالباسط به جوخه اعدام بیش از سه ماه فاصله است و طی این مدت هیچکس از کیفیت حکم و صدور آن اطلاعی ندارد. عبدالباسط چند روز قبل از اعدام در نامه‌ای که از زندان نوشته جریان محاکمه خود را اینگونه تشریح کرده است:

"بعد از دو ماه مرا جهت محاکمه از سلول زندان اوین خارج کردند و به دادگاه بردند در آنجا فردی که خود



ربايندگان رفيق احمد کامياب بايد هرچه زودتر شناسائی، دستگیر و مجازات شوند



در تاریخ پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۵۹، رفیق احمد کامیاب، از هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در سیرجان، توسط عناصر قشری، ضد-انقلاب و انحصارگر شب هنگام از خانه خود ربود می شود.

رفیق احمد کامیاب دانش آموز سال چهارم نظری با شروع مبارزات توده ها همراه با مردم زحمتکش به مبارزه علیه رژیم شاه برخاست و بعد از پیروزی انقلاب به صفوف هواداران سازمان پیوست و فعالیت انقلابی خود را در رابطه با سازمان آغاز کرد و در ضمن فعالیت خود، به منظور کمک به اشاعه دانش و فرهنگ انقلابی کتابفروشی ای دایر نمود که این کتابفروشی به دفعات و مکررا مورد حمله عناصر مشکوک قشری و ضد انقلاب سازمان یافته قرار گرفت و پس از چندین نامه تهدیدآمیز توسط عناصر فوق، بالاخره کتابفروشی به آتش کشیده می شود. چندی بعد رفیق احمد به اتهامی واهی بازداشت شده

پس از دو روز آزاد می گردد، اما چند روز بعد از آزادی شب هنگام از خانه خود ربوه می شود و تاکنون که یک سال از ناپدید شدن رفیق می گذرد، هیچ خبری از او به دست نیامده است. به احتمال قوی رفیق احمد کامیاب توسط این عناصر جنایتکار به شهادت رسیده است.

رژیم سابق تبدیل شده اند. ماضن هشدار مجدد در مورد باندهای سیاه و عناصر قشری و تنگ نظر و انحصار-طلبی که با اعمال جنایتکارانه خود بیشترین ضربات را به انقلاب وارد می کنند، مصرا خواستار رسیدگی و پیگیری جریان ربوده شدن رفیق احمد کامیاب، از سوی مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران هستیم و جدا می خواهیم عناصر جنایتکاری که اقدام به ربودن و به ظن قوی به شهادت رسانیدن رفیق احمد کامیاب کرده اند توسط دولت جمهوری اسلامی شناسائی، دستگیر و محاکمه شده و به مجازات درخور جنایتکارانی از این دست برسند.

خانواده های زندانیان سیاسی اهواز نسبت به بازداشت فرزندان خود معترضند

ریاست محترم دیوان عالی کشور جناب آقای بهشتی دادستان کل دادگاه های انقلاب دادستان کل کشور آیت اله موسوی اردبیلی کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی

با احترام! بدین وسیله به اطلاع می رساند، منصور نژاد صفوی اسداله خرمی و حسین رستگاری فرزندان اینجانبان سید محمد نژاد صفوی سکینه محقق شریعتی و رستگاری، بیش از ۷ ماه است در اهواز دستگیر و در شرایط بلا-تکلیفی تا امروز در زندان کارون اهواز در اسارت به سر می برند.

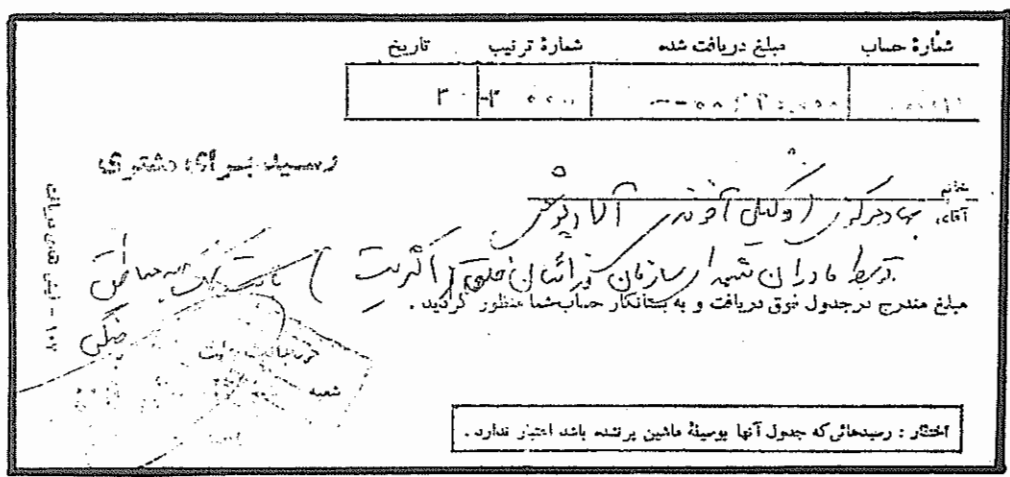
دستگیری نامبردگان به جرم همراه داشتن نشریه کار ارگان سازمان فدائیان خلق (اکثریت) و در شرایطی که با تمام وجود در دفاع از میهن علیه تجاوز امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام در جبهه و پشت جبهه شرکت فعال داشته اند، باعث کمال شگفتی است و به ویژه ادامه بازداشت و بلا تکلیفی ایشان بدون شک مغایر با ابتدایی ترین حقوقی است که قانون اساسی برای مردم میهن ما به رسمیت شناخته است و رعایت و پاسداری قاطعانه آن بر عهده دستگاه های قضایی می باشد. برای شما نباید تردیدی باشد که اعدام دردناک و ناجوانمردانه عادل اسکندری یکی از هواداران فدائیان خلق (اکثریت) پس از ماهها اسارت و با اتهام های خلاف واقع تا چه اندازه

می تواند باعث نگرانی و بدگمانی پدران و مادرانی شود که فرزندان آنها هم اکنون در اسارت دادگاه های انقلاب اسلامی خوزستان هستند. لازم می دانیم بدین وسیله ضمن تاکید بر ضرورت توجه مسئولانه به شرایط خطیر میهن ما که تامین و تحکیم وحدت صفوف مردم و استحکام اتحاد نیروهای وفادار به انقلاب را تکلیفی در برابر همه نیروهای ضد-امپریالیست و عدالتخواه نهاده است و با این اعتقاد که دستگیری و زندانی نمودن مبارزین انقلابی و ضد-امپریالیست که در دفاع از دستاوردهای انقلاب و جمهوری اسلامی در برابر تجاوزات امپریالیست های جنایتکار آمریکایی و رژیم فاشیست صدام کمترین تردیدی به خود راه نمی دهند شایسته جمهوری اسلامی ایران و دستگاه های قضایی آن نمی باشد، خواستار رسیدگی هرچه سریعتر و آزادی بی قید و شرط فرزندان خود می باشیم.

با احترام
سید محمد نژاد صفوی - سید گوهر لسانی - سکینه محقق شریعتی خانواده رستگاری
۳۰ اردیبهشت ۶۰
رونوشت جهت درج در روزنامه های:
جمهوری اسلامی
کیهان
اطلاعات
امت
کار (اکثریت)
رونوشت برای جمعیت حقوقدانان ایران (کمیته دفاع از زندانیان سیاسی)

هدیه مادران شهدای سازمان برای جنگ زدگان

از طرف مادران شهدای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) مبلغ ۴۲۰۰۰۰۰ ریال در اختیار امور جنگ زدگان قرار گرفت. این مبلغ توسط مادران شهدای سازمان در میتینگ روز ۳۰ فروردین ماه که به مسابست شهادت رفقا بیژن جرتی و همزمان وی برگزار شده بود جمع آوری شد.



ما ضمن اعتراض به بازداشت غیرقانونی رفقای خود از مقامات مسئول می خواهیم که بیدرنگ این رفقا را آزاد کنند و عاملین بازداشت غیرقانونی آنان را به جرم خودسری و زیرپا نهادن قانون اساسی مواخذه و محاکمه نمایند.

نتیجه ای جز ایجاد تفرقه در میان نیروهای انقلاب ندارد. همچنین رفقا حشمت الله رئیسی، علی مهداد، محمود رضا رضوان، اسداله خرمی، غلامحسین صالحی و تعداد دیگری از رفقای ما که به وسیله دادگاه های انقلاب خوزستان بازداشت شده اند، هنوز در زندان به سر می برند.

می برد. دستگیری و بازداشت شهروز رضائی نژاد نمونه ای از خودسری های مقامات مسئول و قضائی استان گیلان است. این دستگیری ها خلاف مصالح انقلاب و همچنین خلاف موازین قانون اساسی و موازین حقوقی جمهوری اسلامی ایران می باشد و

در اسفند ماه گذشته شهروز رضائی نژاد کاندیدای سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" در انتخابات مجلس شورای اسلامی از سیاهکل توسط مقامات محلی احضار و پس از مراجعه دستگیر می شود و تاکنون به اتهامات ناروا هنوز در بازداشت به سر

رفقای دربند ما باید آزاد شوند

شهادت قهرمانانه فدائی خلق رفیق محمدرضا (علاء) و صاف در ارتفاعات الله اکبر

برگزار شد، زندگی و مرگ قهرمانانه فدائی شهید محمدرضا و صاف با فریاد "مرگ بر امریکا" هزاران نفر از زحمتکشان شهر ارج نهاده شد.

ما نیز ضمن تقدیم درود به خانواده و همکاران رفیق شهید محمدرضا و صاف با چاپ وصیتنامه وی که حاکی از ایمان سترگ او به رهائی طبقه کارگر و خلقهای مبارز میهنمان است، یاد همیشه جاویدش را گرامی می‌داریم:

در اثر اصابت خمپاره به شهادت رسید. در مراسم تشییع جنازه او که از طرف مردم ساری و به دعوت شورای نکاجوب و انجمن اسلامی نکاجوب

رفیق شهید محمدرضا و صاف در سال ۱۳۳۵ در خانواده زحمتکشی در شهرستان ساری دیده به جهان گشود و به علت موقعیت طبقاتی خانواده‌اش بسیار زود با رنج و محرومیت زحمتکشان آشنا شد و عشق رهائی آنها را به دل گرفت. بعد از اخذ دیپلم در شرکت نکاجوب به کارگری پرداخت و بعد از فوت پدرش که سالها در آن شرکت کارمند دون پایه‌ای بود، به عنوان کارمند کارگزینی به کار ادامه داد. رفیق در طول مدتی که در شرکت فوق کار می‌کرد، همواره دوست و رفیق دلسوز کارگران بود و برای تأمین حقوق آنها از هیچ فداکاری دریغ نداشت. رفیق شهید محمدرضا و صاف در اسفند ۵۹ عازم جبهه‌های مقاومت در برابر متجاوزین شد و طی مبارزه‌های قهرمانانه

این شماره کار پیام‌آور مرگ سرخ کمونیست رزمنده‌های از تبار فدائیان جان بر کف خلق است که در جبهه‌های مقاومت در برابر مزدوران متجاوز عراقی جان داد تا کارگران و زحمتکشان میهنمان گامی دیگر به رهائی نزدیک شوند تا مردم ستمدیده میهنمان بتوانند فردا را بری از ستم طبقاتی و جنگ و تجاوز بنیان نهند. فدائی خلق رفیق شهید محمدرضا (علاء) و صاف عضو کمیته کارگری تشکیلات ساری سازمان ما پس از سالها مبارزه و ستیز پیگیر با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا و ایادی مزدور آن سرانجام در اولین روزهای خرداد ماه امسال در یکی از سنگرهای خونین ارتفاعات "الله اکبر" مورد اصابت خمپاره مزدوران صدام قرار گرفت و به شهادت رسید.

★ لزوم حفظ وحدت در پشت جبهه را برای مبارزه با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا، چندین برابر بیشتر از آنچه بدان عمل می‌نمایید گوشزد می‌نمایم (نقل از وصیتنامه رفیق)

امروز انقلاب شکوهمند مردم میهنمان بیش از هر زمان مورد حمله و تاخت و تاز امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا و دوستان و جاسوسان داخلی آن و رژیم‌های ارتجاعی منطقه قرار گرفته است. در مقابل، خلقهای کبیر میهنمان که مصمم به کسب استقلال ملی هستند، چون دژ پولادینی به استقامت برخاسته‌اند و هر روز بیش از پیش دشمنان انقلاب ایران را به سوی شکست نهائی می‌کشانند. سازمان ما بر خود می‌بالد که در تمام جبهه‌ها دوشادوش و پیشاپیش توده‌های انقلابی چون سنگر استواری به مبارزه و مقاومت ایستاده است و هر روز با نثار جان‌های تازه‌ای وظیفه انقلابی خود را نسبت به طبقه کارگر و زحمتکشان میهنمان ادا می‌کند.

با آرزوی دستیابی زحمتکشان به استقلال، کار، مسکن، آزادی این چند سطر را با یادآوری وظیفه خطیری که وجدان کمونیستی بخاطر حفظ دستاوردهای قیام خونین توده‌ها و پیآمد آن، عمق بخشیدن به مبارزه ضد امپریالیستی در انقلاب خلق ایران به عهده هواداران و اعضای سازمان فدائیان خلق "اکثریت" واگذار کرده‌است، می‌نویسم. چون این سطور را بعد از طی هفته اول خدمت و لمس نمودن آنچه در یگان‌های رزمی می‌گذرد، می‌نویسم لزوم حفظ وحدت پشت جبهه را برای مبارزه با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا چندین برابر بیشتر از آنچه بدان عمل می‌نمائید، گوشزد می‌نمایم. در خاتمه با امید به پیروزی کارگران پیشرومان در رهبری طبقه و حزب خود، از اعضا و هواداران انتظار دارم از هیچگونه کمکی به خانواده‌ام دریغ نوزند. با آرزوی پیروزی برای همه شما
محمدرضا و صاف
۵۹/۱۲/۲۱

وصیتنامه رفیق محمدرضا (علاء) و صاف

شورای ناشران

حمله به کتابفروشی های تهران را محکوم کردند

انداخته است؟ ... ما علیرغم اینها اعلام می‌داریم که اگر در جریان مبارزات انقلابی مردم ایران و در سرنگونی رژیم منحوس پهلوی شرکت کردیم و اگر پایمردانه دل به تداوم انقلاب بسته‌ایم، نه بخاطر خوشآیند این دستجاب آشوب‌آفرین بوده و نه برای آزار ذهن امثالشان. لذا بازم تلاش خود را در تعمیق انقلاب و تثبیت حاکمیت انقلابی و استمرار ضوابط قانونی خواهیم کرد. اما مثلی است معروف که زمستان تمام می‌شود ولی روسیاهی به ذغال می‌ماند. آرزو می‌کنیم کوتاه‌اندیشان دوست‌نمای انقلاب به خود آیند و مصالح تاریخی کشور را ملعبه دست ناتوان خود قرار ندهند. شورای ناشران و کتابفروشان

در رابطه با حملات اخیر به کتابفروشی‌های تهران، "شورای ناشران" اطلاعیه‌ای صادر کرده است که در زیر قسمت‌هایی از آن را می‌خوانید: پس از آنکه تب و تاب و التهاب ناشی از آتش‌افروزی و انهدام چند کتابفروشی در تهران فروخواهید، آتش تازه‌ای برافروخته شد و موجی جدید فضای فرهنگی کشور را فراگرفت. این موج در حالی دامنگیر شده است که مسئله بحث آزاد و تفاهم سیاسی هنوز به انجام نیک و بد خود نرسیده است. هنوز مردم به این باور نرسیده‌اند که می‌شود و باید در جو آرام و محیط سالم حرف‌ها را زد و جواب‌ها را شنید بی‌آنکه احتیاج به یاری جستن از جماع باشد. در هر صورت در چنین وضعیتی دوباره = برده و کتاب‌سوزان راه

اغتشاش‌آفرینی شروع شده است. ما اعتقاد راسخ داریم که اگر بلندگوهای جهان - خواران ضدبشر جرئت آن را می‌یابند که هر روز بر علیه انقلاب ایران سخن‌پراکنی‌های موهن کنند، دقیقاً و حتماً از این عملیات بهره‌گیری می‌کنند و در بوق و کرناها می‌دمند. آنان که دم از عدم امنیت قضائی می‌زنند رادیوهائی که مصرا اعلام می‌کنند که در ایران امنیت نیست و اغتشاش حکمفرما است، استنادشان به کدام حرکت‌هاست؟ آیا آنها بدین استناد می‌کنند که فلان ناشر فلان کتاب را درآورد و فروخته و زندگی‌اش را گذرانده است؟ یا به‌این استناد می‌کنند که فلان دارو دسته به مراکز کتاب‌حمله در چنین وضعیتی دوباره = برده و کتاب‌سوزان راه

با آرزوی دستیابی زحمتکشان به استقلال، کار، مسکن، آزادی این چند سطر را با یادآوری وظیفه خطیری که وجدان کمونیستی بخاطر حفظ دستاوردهای قیام خونین توده‌ها و پیآمد آن، عمق بخشیدن به مبارزه ضد امپریالیستی در انقلاب خلق ایران به عهده هواداران و اعضای سازمان فدائیان خلق "اکثریت" واگذار کرده‌است، می‌نویسم. چون این سطور را بعد از طی هفته اول خدمت و لمس نمودن آنچه در یگان‌های رزمی می‌گذرد، می‌نویسم لزوم حفظ وحدت پشت جبهه را برای مبارزه با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا چندین برابر بیشتر از آنچه بدان عمل می‌نمائید، گوشزد می‌نمایم. در خاتمه با امید به پیروزی کارگران پیشرومان در رهبری طبقه و حزب خود، از اعضا و هواداران انتظار دارم از هیچگونه کمکی به خانواده‌ام دریغ نوزند. با آرزوی پیروزی برای همه شما
محمدرضا و صاف
۵۹/۱۲/۲۱

پیروزباد آرمان انقلابی رفقای شهید★

اخبار شهرستان ها

مردم رای دادگاه انقلاب کرج را در مورد «مقدم» نمی پذیرند

نظرآباد - "مقدم" سرمایه دار چپاولگر و زمیندار بزرگ، در پی شکایات زحمتکشان و مردم نظرآباد در تاریخ ۶ اردیبهشت ۶۰ از طرف دادگاه انقلاب کرج بازداشت شد ولی پس از چند روز با قرار ۵۰ میلیون تومان آزاد گردید. چند روز بعد دادگاه تشکیل شد و مردم با طومارهای شکایت که به امضای صدها نفر رسیده بود، برای ادای شهادت به دادگاه رفتند. "مقدم" با عوام فریبی سعی می کرد خود را دوست انقلاب معرفی کند و وکیل مدافع او نیز همین نقش را بازی می کرد. مردم انتظار داشتند نتیجه محاکمه صادره کارخانجات، اموال و زمین های این سرمایه دار غارتگر باشد اما در برابر حیرت همگان دادگاه رای داد که "مقدم" تنها باید به تعهداتش عمل کند! البته این تعهدات عبارتند از تکمیل آسفالت شهرک نظرآباد، تامین بهداشت و تکمیل آب لوله کشی شهرک و...!!

ما ضمن اینکه به فهرست کوتاهی از دارائی های این عنصر وابسته به رژیم سابق اشاره می نمائیم، همصدا با هزاران کارگر و زحمتکشان اعلام می کنیم: "مقدم" باید دوباره محاکمه شود و اموالی که به غارت برده است، مصادره گردد. و این هم قسمتی از سرمایه ها و زمین هایی که "مقدم" بناحق تصاحب کرده است:

کارخانجات عظیم ریسندهی و بافندگی مقدم، کارخانه تولید و دوخت انواع لباس و پوشاک، نمایشگاه ها و فروشگاه های بزرگ پارچه در بیشتر شهرهای ایران، کارخانه رب سازی، شرکت فلاحتی (مزرعه)، ۸۰۰ هکتار زمین در نظرآباد که عمدتاً مکانیزه است (وی در نقاط دیگر نیز زمین دارد)، چهار باغ بزرگ میوه که میلیونها تومان در سال اجاره دریافت می کند، دو باب حمام بزرگ در نظرآباد که سالیانه ۹۰ هزار تومان اجاره می گیرد...

در پایان از زبان زحمتکشان نظرآباد (واقع در ۳۵ کیلومتری جاده کرج - قزوین) خطاب به مسئولین دادگاه انقلاب یادآور می شویم:

اجرای چند تمهد کوچک در مقابل این همه غارتگری رای ناعادلانه ای است که مردم به هیچ وجه آن را نخواهند پذیرفت.

مردم سیستان و بلوچستان باید از شر فتودال ها و قاچاقچیان و ضدانقلابیون افغانی رها شوند

مردم سیستان و بلوچستان علاوه بر تحمل دشواری های جنگ، کمبود و گرانی و سایر مشکلاتی که بر دوش همه زحمتکشان است، فشار اقتصادی ناشی از مهاجرت دهها هزار افغانی را نیز بر دوش می کشند. علاوه بر این، در میان افغانی های

مهاجر، فتودالها، قاچاقچیان و عناصر ضدانقلابی که بازوی امپریالیسم آمریکا و رژیم های مرتجع منطقه هستند، با اعمال ضدانقلابی خود مشکلات زحمتکشان را صدچندان کرده اند. بسیاری از این افراد مسلح و وابسته به گروهک های ضدانقلابی افغانی بوده و تحت پوشش "مجاهد" از حمایت مسئولین جمهوری اسلامی برخوردارند این مزدوران اکثراً در جبهه "نیمروز" واقع در ولایت "چخانسوز" که هم مرز با سیستان است، پایگاه دارند و علاوه بر قاچاق اسلحه و مواد مخدر، روستائیان افغانی و ایرانی را مورد آزار قرار می دهند و املاک آنان را تصاحب می کنند. "سردار ملک عبدالرحمن" و "حاجی علیم گرگیج" و "سنجرائی" های مقیم افغانستان از سرکردگان باندهای ضدانقلابی درجبهه "نیمروز" هستند. اخیراً تعداد زیادی اسلحه از پاکستان برای این مزدوران ارسال شده که این امر موجب تقویت آنان گشته است. یکی از رهبران ضدانقلابیون به نام "دوست محمدخان گرگیج" (که در زمان ظاهرشاه چند دوره وکیل مجلس بوده است)، به علت اختلافاتی که بر سر سلاح ها و پول های رسیده از پاکستان و آمریکا با دیگر ضدانقلابیون پیدا کرده، به پاکستان رفته و در آنجا حزبی به نام "الله اکبر" تاسیس کرده است. وی به تازگی برای ملاقات با ظاهرشاه به ایتالیا رفته است. نکته جالب، ارتباط عده ای از افراد کمیته زابل به نام "دوست محمدخان با امامبخش گرگیج" (از اهالی زابل که قبلاً در ارتش خدمت می کرده) ارتباط نزدیک دارند. این شخص که مدتی با کمیته زابل همکاری داشت با اسلحه و کارت کمیته مبادرت به حمل قاچاق و اسلحه می کرد. او همچنین با حاجی حسن، غفور و عبدالرحیم آسوده که برادر هستند و از قاچاقچیان معروف منطقه اند، ارتباط دارد. از دیگر افراد کمیته زابل - که متأسفانه در دست افراد قشری است - می توان شیخ صادق حسینی و چند نفر از بازاریان نظیر جواد گرمه، حاجی راشکی، قاسم ریش و... را نام برد. اینان با گروهک های افغانی به ویژه در جبهه "نیمروز" همکاری می کنند و متأسفانه اخبار اینگونه فعالیت های تخریبی نیز بطور مرتب از تلویزیون استان پخش می شود.

زندانیان سیاسی (فدائیان خلق "اکثریت") خواهان اعزام به جبهه های جنگ شدند

اهواز - یازده نفر از زندانیان سیاسی که هوادار فدائیان خلق "اکثریت" می باشند، در زندان کارون اهواز، طی نامه ای به دادستانی انقلاب اهواز (به تاریخ ۱۲ اردیبهشت ۶۰) خواستار اعزام به جبهه های جنگ شدند. در قسمتی از نامه چنین آمده است:

"شرایط حساس جامعه و توطئه های مکرر امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا که به جنگ تحمیلی اخیر منتهی شده لزوم اتحاد تمام اقشار ضد امپریالیست جامعه را مطرح می کند در این رابطه با توجه به آنکه بارها چه شفاها و چه کتبا به اطلاع سپاه پاسداران و مقامات مسئول رساندیم، آنچه که برای ما در درجه نخست دارای اهمیت است، بودن ما در زندان در این شرایط است. ما معتقدیم که جای ما در صفوف مقدم جبهه ها و در کنار سایر نیروهای معتقد و مومن به انقلاب و مدافع جمهوری اسلامی است لذا اولین خواست ما اعزام به جبهه های جنگ برای دفاع از میهن انقلابی است."

دو سند از اعمال جنایتکارانه فتودالها

روزنامه جمهوری اسلامی روز یکشنبه ۱۰ خرداد خبر قتل ناجوانمردانه ۵ روستائی به وسیله یکی از فتودال های منطقه کهگیلویه و بویراحمد را اعلام کرد.

ما نیز در کار ۱۰۸ به تاریخ ۱۶ اردیبهشت ۶۰ در ستون "ضدانقلاب را افشاء کنیم" این عامل مزدور و دیگر یارانش را افشاء کردیم. اکنون با انتشار این دو سند که خود گویای واقعیات و ابعاد توطئه های ضدانقلابیون است، بار دیگر بر ضرورت برخورد قاطع و انقلابی با این مزدوران تاکید می کنیم.

در کنار این برخورد قاطع، پاسخگویی به خواسته های روستائیان و به ویژه اجرای بند "ج" و "د" اصلاحات ارضی الزامی است.

چهارشنبه ۱۶ اردیبهشت ۱۳۶۰
سال سوم - شماره ۱۰۸ - صفحه ۲۸

ضدانقلاب را افشاء کنیم

(۶)

۱۶ عوامل کودتای نوزده در کوه ها مسخر شده اند

فارس - امر هوشنگ بهادر و حبیب بهادر از عوامل موبد کودتای امرحاج و از وابستگان به رژیم کهنه، و روستای روستائیان طایفه "سزکوهی" و روستای سپهره جوهریز و مارگون را به زور تصرف می کنند.

روستائیان، به ناری جهاد تاریکی روستای خود را باز می گیرند و این افسار منهدا با سید و ارمات روستائیان و افراد جهاد سازندگی سها را تصاحب می کنند.

حبیب و امر هوشنگ بهادر - با مسلح گردن عوامل مزدور خود و سزکوهی کوهستان های اطراف به خانه سلطانه با دهقانان و سادات انقلابی می آید. "حبیب بهادر" یکی از روستائیان "مارگردی" به نام "شیر" را به قتل می رساند. قتلستان این روستائی زحمتکش را از یک تنه و س از تنگه کرد. او را به قتل می رساند.

این مزدوران اخیراً ۱۵ هزار لیر از سپهر کوهن سرس منطقه را سر به سر بردند. این رویدادها با توجه به رفت و آمدهای سردارهای بلوچ به مناطق فارس، کهگیلویه و بویراحمد و ارتباط آنان با خروجان تقاضای از افسر خاصی برخوردار است.

بگزار عوامل حواس سرگشته است - "لستی" ۶ نفر از افراد سپاه و کونستانت تهبه گردانیم و به رود رود نقتضای خود را به مرحله اجرا درمی آوریم.

هواداران سازمان در شوشتر نمایشنامه ای ضد امپریالیستی در شهرک کارگری "گتوند" به اجرا درآوردند.



در این نمایش بازیگران ضمن افشاء لیبرالها با بیانی ساده، دوستان و دشمنان انقلاب را معرفی کردند.

در طول نمایش، جمعیت با شعارهای "مرگ بر آمریکا"، "مرگ بر صدام" از بازیگران استقبال می کردند.

از میان اعلامیه‌ها و نشریات شاخه‌ها و هواداران سازمان

با تأمین امنیت راهها توطئه ضد انقلاب را خنثی کنیم

* - شاخه فارس، بوشهر، کهکیلویه و بویراحمد در رابطه با راهبندانها و سرقت‌های مسلحانه در جاده‌های منطقه اعلامیه‌ای منتشر کرده‌اند. در قسمتی از اعلامیه آمده است: "... آنچه که در مورد اغلب این راهبندانها به چشم می‌خورد، شیوه‌های عمل مشابه در آنها و همزمانی این اقدامات با موج توطئه‌ها و هرج و مرج‌های سراسری کشور است. در اغلب این راهبندانها افراد مسلح ضدانقلاب مسافری را به زور وامیدارند که شعارهایی علیه امام خمینی و به نفع سرکردگان ضدانقلاب در منطقه نظیر خسروخان و ناصرخان قشایی بدهند و این به وضوح نشان می‌دهد که اغلب این سرقت‌های مسلحانه در راه‌های استان توسط ضدانقلاب سازمان یافته انجام می‌گیرد و مردم و نهادهای انقلابی به ویژه سپاه پاسداران باید اهمیت ویژه‌ای برای این مسئله قائل شوند"

در آستانه فصل گرما

آوارگان جنگ را دریابیم

* - هواداران سازمان در شوشتر اعلامیه‌ای با عنوان فوق منتشر کردند در این اعلامیه ضمن بررسی اجمالی وضع آوارگان جنگ در شوشتر و عدم امکانات بهداشتی و رفاهی برای آنان، نوشته‌اند: "... بدیهی است که در گرمای بالای ۴۵ درجه زندگی کردن در چادرهای بیابانی، بدون دارا بودن امکانات رفاهی می‌تواند عواقب به مراتب فلاکت‌باری را به دنبال خود داشته باشد شیوع بیماری‌های واگیر مانند "وبا" و "سل" در حال حاضر و عدم امکانات بهداشتی کافی و صف‌های طویل جلوی مطب‌ها نشانگر بارز این مسئله است. اقدام جدی و پیگیر برای جلوگیری از این عواقب همانطور که ارگان‌های مسئول جمهوری اسلامی در مواردی اقدام به آن کرده‌اند مسئله انتقال آوارگان جنگی به مناطق سردسیر کشور است"

برای خلع سلاح ضد انقلاب

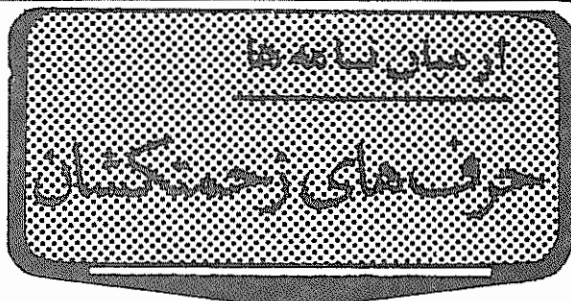
مردم باید از جریان امور آگاه شوند

* - هواداران سازمان در خوی در رابطه با دستگیری "محمد امامی" معاون فرماندار و رئیس ستاد امنیت شهرستان خوی که به جرم سوء استفاده از مقام و اختلاس و نگهداری مواد مخدر و اسلحه دستگیر شده است، اعلامیه‌ای منتشر کردند و خواستار محاکمه علنی وی شدند.

از اقدامات مترقیانه

جهاد سازندگی حمایت کنیم

* - هواداران سازمان در "ماسال" با انتشار اعلامیه‌ای حمایت خود را از اقدامات جهاد



نامه یک دستفروش به کار

نمایندگان قزوین

از حق چه کسانی در مجلس دفاع می‌کنند

من یک دهاتی هستم که از دهات ابهر به علت نداشتن زمین به شهر آدمم و هر روز به کاری مشغول هستم تا بتوانم لقمه نانی بخورم و نمیرم برای زن و بچه‌ام فراهم کنم. روزگار را به سختی گذرانده‌ام و به همین خاطر چون همه بدبختی‌ها را از آن شاه گور به گور شده می‌دانستم، در تظاهرات شرکت می‌کردم و بر علیه شاه شعار می‌دادم. هر روز که می‌گذشت می‌دیدم که بیشتر مردم به خیابان‌ها می‌آیند و تظاهرات می‌کنند و هرچه روز سرنگونی شاه نزدیکتر می‌شد من امیدوارتر می‌شدم چون می‌دانستم پس از پیروزی انقلاب وضع ما طبقه سه خوب می‌شود. چیزهای زیادی راجع به انقلاب‌های دنیا مثل ویتنام و الجزایر شنیده بودم.

خلاصه بعد از اینکه ۷۰ هزار شهید دادیم انقلاب پیروز شد و شاه خائن با همه قدرتی که داشت سرنگون و فراری شد. بعد از انقلاب مدت‌ها صبر کردم تا کارها روبه راه شود و قانون اساسی و قوانین دیگر به نفع ما تصویب شود و ما از بی‌سرو سامانی نجات پیدا کنیم. گذشت تا اینکه انتخابات مجلس شورای اسلامی شروع شد. یک روز مشغول فروختن لبو

سازندگی "ماسال" اعلام کرده و در بخشی از اعلامیه نوشته‌اند: "... اقدامات دهقانان در امر تقسیم و حرکت مترقیانه جهاد سازندگی سبب افشاء حاکم شرع در میان روستائیان گردید، بطوری که از جانب حاکم شرع در این مورد هیچ عمل متقابل نتوانست صورت گیرد روستائیان "دوله‌ملال" و دیگر روستائیان منطقه از حرکت دهقانان و جهاد سازندگی حمایت نموده و خواهان اجرای امر تقسیم زمین در روستاهای خود هستند"

با پاسخ جدی به نیازهای مردم

انقلاب را گسترش دهیم

* - هواداران سازمان در مسجد سلیمان تراکتی با عنوان "با پاسخ جدی به نیازهای مردم پایه‌های انقلاب هرچه بیشتر مستحکم می‌گردد" منتشر کردند در این تراکت آمده است: "... با توجه به افزایش جمعیت شهرها و ثابت ماندن منابع ذخیره آب و صنعت شبکه آبرسانی و نیز گرم شدن هوا، مقامات جمهوری اسلامی موظفند هرچه زودتر به این مشکل حیاتی مردم رسیدگی کنند و با افزایش پمپ‌ها و منابع ذخیره آب و تقویت شبکه آبرسانی مسئله را بطور بنیادی حل نمایند. عدم رسیدگی به خواسته‌های مردم زحمتکش شهر، زمینه مساعدی است برای تبلیغات عوام‌فربانه لیبرالها و دیگر نوکران امپریالیسم".

در جلو مسجد آسیدعلی بودم یک بازاری آمد و گفت رای دادی؟ گفتم نه گفت: بیا همین مسجد و به این دو نفر رای بده و شروع کرد به تعریف کردن از آنها که فلانند و بهمان، این کار را می‌کنند و آن کار را.

آن دو نفر حاج سیدعباس ابوترابی و علی اصغر حاج سیدجوادی بودند من حاج آقا ابوترابی را فقط از دور می‌شناختم و آن یکی را هم نمی‌شناختم. خلاصه رفتم رای دادم به امید اینکه آنها در مجلس مدافع حقوق ما باشند.

گذشت و این دو نفر به نمایندگی مجلس انتخاب شدند. چند شب پیش بود، پسرم که روزنامه می‌خواند گفت ۱۰۱ نفر از نمایندگان مجلس در نامه‌ای که به حضور امام خمینی نوشته‌اند خواستار اجرای بند ج شده‌اند.

در بین این اسامی، اسمی از نمایندگان قزوین نبود. من نمیدانم آن حرف‌هایی که آن روز آن بازاری تحویل من می‌داد چه بود؟ آیا همش دروغ بود که می‌گفت؟!

آخر تا به حال من هیچگونه صحبتی که در رابطه با حق و حقوق ما باشد از اینها نشنیده‌ام من این نامه را برای شما نوشته‌ام، چون می‌دانم که شما بیشتر آدم‌ها را می‌شناسید همانطور که بعد از انقلاب زودتر از همه گفتید مدنی چه کاره است قطب‌زاده چه کاره و امیرانتظام چه کاره است.

حالا می‌خواهم برای من بگوئید که این نمایندگان قزوین چرا زیر این نامه را امضاء نکرده‌اند آنها از حق چه کسانی در مجلس دفاع می‌کنند؟ آیا اجرای بند "ج" خلاف حق زحمتکشان است؟ چرا من که عمری روی زمین کار کرده‌ام باید دستفروشی کنم و فتودال‌ها و زمینداران بزرگ که اصلاً زحمتی روی زمین نکشیده‌اند مفت و مفت زمین‌ها را بالابکشند و در آسایش زندگی بکنند؟

مگر اجرای بند "ج" خواست زحمتکشان نیست که نمایندگان قزوین سکوت می‌کنند؟

امضاء - دستفروش قزوین

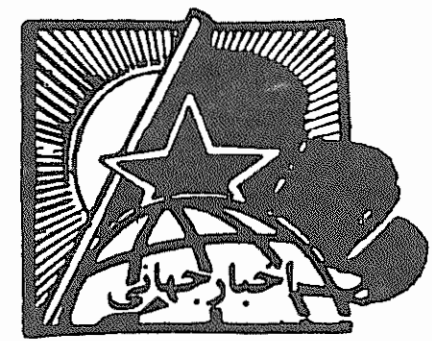
اخبار شهرستانها... بقیه از صفحه ۲۰

اخبار کوتاه

* سید یعقوب هاشمی فرمانده سپاه پاسداران بهشهر به همراه چند پاسدار دیگر به اتهام اعمال خشونت و رفتار خلاف قانون که در رابطه با دستگیری مجاهدین خلق در گلوگاه انجام داده بودند، محکوم به ۱۰ تا ۲۵ ضربه شلاق شدند. این حکم در تاریخ ۱ خرداد ۶۰ در جمع نمازگزاران در مسجد جامع بهشهر به اجرا درآمد.

* در چند هفته گذشته، قزوین شاهد تشییع جنازه پاسدارانی بود که در جبهه‌های جنگ و دربرخورد با ضدانقلاب به شهادت رسیده‌اند. یکی از این پاسداران جعفر خلیلی نام داشت که به دست فتودالها و ضدانقلابیون در بلوچستان به شهادت رسید.

* رئیس جایگاه دولتی شرکت نفت در چالوس با ایجاد بازار سیاه و اختلاس و سوء استفاده از کوبن‌های بنزین مشکلات زیادی در امر سوخت - رسانی به زحمتکشان و روستائیان منطقه ایجاد کرده است. مردم خواستار برکناری و رسیدگی به اعمال خلاف قانون وی هستند.



آن خصوصیات مبارزه طولانی مردم بخاطر استقلال، آزادی و اوضاع سیاسی و اجتماعی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته بود. او ضمن اشاره به کمک‌های بی‌دریغ و برادرانه کشورهای سوسیالیستی بخصوص اتحاد شوروی و ویتنام متذکر گردید که کامپوچیا همچنان به دوستی پایدار خود با اتحاد شوروی، لائوس، ویتنام و بقیه کشورهای سوسیالیستی ادامه خواهد داد.

حزب انقلابی خلق کامپوچیا در سال ۱۹۵۱ تشکیل گردید و هسته اصلی جبهه واحد نجات ملی کامپوچیا که در دسامبر ۱۹۷۸ به وجود آمد، می‌باشد.

اخبار کوتاه

* وزارت دفاع آنگولا اعلام کرد که ظرف یک ماه اخیر نیروهای رژیم نژادپرست افریقای جنوبی بیش از ۸۶ بار به خاک آن کشور تجاوز کرده‌اند.

* دهها هزار یونانی در اعتراض به وجود پایگاه‌های تسلیحات اتمی آمریکا در خاک این کشور دست به تظاهرات زدند.

* سنای آمریکا بودجه‌ای معادل ۲۰ میلیون دلار برای تولید سلاح‌های شیمیایی فلج‌کننده به تصویب رسانید.

* تعداد بیکاران انگلیسی بازم افزایش یافت و به ۱۰/۶ نیروی فعال این کشور رسید. به همراه گسترش بازم بیشتر بیکاری، راهپیمایان معترض به بیکاری پس از قریب به یک‌ماه راهپیمایی و طی مسافتی معادل ۳۶۰ کیلومتر وارد لندن شدند.

* صدها دانشجو در کره جنوبی طی تظاهرات متعددی خواهان برکناری رژیم "چون‌دوهوان" رئیس‌جمهور این کشور شدند.



در روز ۱۳ اردیبهشت ۱۳۶۰ تظاهرات وسیعی در اعتراض به مداخله امپریالیسم آمریکا در السالوادور از یک سو و در اعتراض به سربازگیری و اعزام آنها برای سرکوبی خلق‌های که برای رهایی بپاخاسته‌اند و اعتراض علیه کاهش بودجه رفاهی و آموزشی در چندین شهر بزرگ آمریکا برگزار شد. از جمله شرکت‌کنندگان در این تظاهرات متعدد که نیروهای انقلابی و ترقیخواه در آنها شرکت داشتند، هواداران سازمان فدائیان خلق "اکثریت" بودند. از جمله این تظاهرات، راهپیمایی چندین هزار نفر در شهر سانفرانسیسکو بود. راهپیمایان ضمن ابراز همبستگی با مبارزات خلق السالوادور و خلق‌های جهان از خیابان‌های شهر گذشته و به آفشاگری در میان مردم پرداختند. هواداران سازمان در این راهپیمایی مبادرت به پخش اعلامیه‌ای نمودند که در آن توطئه‌های امپریالیسم علیه خلق‌های خاور میانه و انقلاب ایران محکوم شده بود.

موجود میان کشورهای سوسیالیستی و اخلاص در قدرت دفاعی آنها می‌شمارند. وی همچنین گفت: "لهستانی‌ها بیش از پیش در خارج از کشور مورد بازپرسی قرار می‌گیرند و آنها را اغلب وادار می‌سازند در آنجا بمانند به‌ویژه سرویس‌های جاسوسی آمریکا و جمهوری فدرال آلمان فعالیت زیادی در رابطه با لهستان انجام می‌دهند."

ضیاء الحق زاندارم جدید منطقه

کمیسیون امور خارجه سنای آمریکا لایحه‌ای را به تصویب رسانید که به موجب آن محدودیت در مورد کمک نظامی آمریکا به پاکستان لغو می‌گردد. امپریالیسم آمریکا برای اجرای سیاست‌های تجاوزکارانه خود در جنوب غربی آسیا، رژیم ضیاء‌الحق را به عنوان تکیه‌گاه اصلی برگزیده است. به این منظور برای پنج سال آینده نزدیک به ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار جهت تسلیح ارتش پاکستان اختصاص داده است. از سوی دیگر پاکستان از جانب آمریکا ماموریت یافته است که نقش اصلی را در ضربه‌زدن به انقلاب افغانستان ایفاء نماید. هم‌اینک مستشاران نظامی آمریکائی، چینی و پاکستانی در پایگاه‌های موجود در خاک پاکستان به ضدانقلابیون افغانی آموزش و تعلیم می‌دهند.

هجدهمین کنگره حزب انقلابی خلق مغولستان

با موفقیت به کار خود پایان داد

هجدهمین کنگره حزب انقلابی خلق مغولستان که با شرکت پانصد نماینده از سراسر کشور و همچنین با حضور هیئت‌های نمایندگی احزاب برادر و سازمان‌های آزادیبخش تشکیل یافته بود، با موفقیت به کار خود پایان داد. نمایندگان شرکت‌کننده در کنگره ضمن بررسی فعالیت‌های حزب در دوره پیش به بحث و تبادل نظر پیرامون مسائل گوناگون پرداخته و برنامه پنج‌ساله ۸۵ - ۱۹۸۱ را به تصویب رسانیدند. "سندبال" دبیر اول کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق مغولستان طی گزارشی که به کنگره تقدیم کرد، پیشنهاد نمود که در آینده کنفرانسی با شرکت احزاب کمونیستی و کارگری آسیا به منظور بحث و تبادل نظر پیرامون مبانی تامین صلح و اوضاع قاره تشکیل گردد.

دبیر اول کمیته مرکزی حزب انقلابی خلق مغولستان همچنین ضمن ابراز نگرانی عمیق از احیای میلیتاریسم امپریالیسم ژاپن، گسترش همکاری نظامی میان آمریکا و ژاپن را محکوم کرد. او در بخش دیگری از گزارش خود به سیاست‌های رهبران چین اشاره کرد و گفت: "مداخله در امور داخلی دیگر کشورها با توسل به تهدید و تجاوز نظامی و پشتیبانی از رژیم‌های فاشیستی و نژادپرست و... همه اینها از وسایل سیاست جدید رهبران چین است."

پایان موفقیت آمیز

کنگره کمونیست‌های کامپوچیا

با حضور هیئت‌های نمایندگی بسیاری از احزاب برادر و جنبش‌های آزادیبخش چهارمین کنگره حزب انقلابی خلق کامپوچیا که در پنوم پن تشکیل شده بود، پس از بررسی و تصویب گزارش کمیته مرکزی، برنامه توسعه اقتصادی و آئین - نامه‌های جدید حزب، به کار خود پایان داد. "تن ساوان" دبیر اول کمیته مرکزی حزب از سوی کمیته مرکزی گزارشی تقدیم کنگره کرد که در

قرارداد ۲۰ ساله‌ای میان آمریکا و ژاپن

به امضاء رسید

بر اساس گزارش خبرگزاری‌ها ناو هواپیمابر اتمی میدوی آمریکا به سوی ژاپن حرکت کرده و در بنادر این کشور لنگر خواهد انداخت. در ژاپن به مناسبت استقرار سلاح‌های هسته‌ای آمریکا در این کشور تظاهرات گسترده‌ای صورت پذیرفت. لیکن دولت ژاپن اعلام کرده است علی‌رغم اعتراض وسیع مردم ژاپن به درخواست‌های آنان مبنی بر عدم استقرار سلاح‌های هسته‌ای آمریکا توجهی نخواهد کرد. به قرار اطلاع میان ژاپن و آمریکا قرارداد ۲۰ ساله‌ای مبنی بر ورود کشتی‌های اتمی به بنادر ژاپن به امضاء رسیده است.

صفوف نیروهای انقلابی در منطقه

فشرده‌تر می‌شود

به گزارش خبرگزاری‌ها، احزاب کمونیست و جبهه‌های آزادیبخش منطقه طی اعلامیه مشترکی ضمن محکوم کردن "شورای همکاری خلیج" ساخته امپریالیسم که اخیراً در ابوظبی تشکیل گردید، حمایت کامل خود را از انقلاب ایران اعلام کردند. در این اعلامیه آمده است: "شورای همکاری خلیج زمانی تشکیل می‌گردد که نیروی دریائی آمریکا و پایگاه‌های آمریکائی در نزدیکی تنگه هرمز و در عمان و بحرین بسیج شده و منطقه خاورمیانه زیر چتر هواپیماهای جاسوسی آواکس آمریکا قرار گرفته است. این شورا زمانی به وجود می‌آید که سران امپریالیسم جهانی مانند هیگ، تاچر، دستن و اشمیت از منطقه خلیج فارس دیدن کرده‌اند و این در شرایطی است که رژیم دیکتاتوری عراق به جنگ خود به نیابت از سوی امپریالیسم با کمک رژیم‌های ارتجاعی علیه ایران ادامه می‌دهد و ملت ایران را که رژیم شاه را سرنگون کرد و ایران را از دژ امپریالیسم به صورت پشتیبان جنبش آزادیبخش ملی عرب درآورد، مورد تجاوز قرار داده است." از جمله سازمان‌ها و احزابی که این اعلامیه مشترک را امضاء کرده‌اند، عبارتند از: حزب کمونیست عراق، جبهه خلق برای آزادی عمان، حزب کمونیست عربستان سعودی، جبهه خلق برای آزادی بحرین، جبهه آزادیبخش ملی بحرین و جبهه ملی دمکراتیک جمهوری عربی یمن.

ورود عمال سازمانهای جاسوسی غرب

به لهستان: به دستور امپریالیسم افزایش می‌یابد

وزیر کشور لهستان طی یک کنفرانس مطبوعاتی در ورشو اظهار داشت که اخیراً توطئه‌های امپریالیستی در رابطه با لهستان شدیداً افزایش یافته است. او گفت: "شمار عمال سازمان‌های جاسوسی غرب در میان کسانی که وارد کشور ما می‌شوند، پیوسته افزایش می‌یابد. سازمان‌های جاسوسی کشورهای عضو ناتو اوضاع کنونی لهستان را بهانه مناسب برای تضعیف روابط

بقیه از صفحه ۲

قیام ۱۵ خرداد

فدائیان خلق رفا: بیژن جزینی، حسن ضیاء - ظریفی و همزمان بودند که از بنیانگذاران سازمان فدائیان خلق ایران "اکثریت" می‌باشند.

*

جنبش حق طلبانه‌ای که در ۱۵ خرداد ۴۲ آغاز شد، تنها به نیروی اتحاد و وحدت عمل تمامی نیروهای خلق در ۲۲ بهمن به پیروزی رسید. رژیم شاه که از نیروی دورانساز وحدت همه نیروهای ضدامپریالیست و انقلابی در هراس مرگ بود، بعد از سرکوبی قیام ۱۵ خرداد زیر لوای شعار "مرگ بر ارتجاع سرخ و سیاه" کوشید تا آنجا که در توان دارد مانع وحدت مسلمانان مبارز و معتقدین اصیل سوسیالیسم علمی شود.

ضرورت دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن می‌طلبد که همه نیروهای مدافع انقلاب، صرف نظر از اختلافات ایدئولوژیک، عقیدتی و مسلکی در راه تامین استقلال همه‌جانبه میهن از سلطه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امریکا صفوف خود را فشرده‌تر سازند.

ما در سالروز ۱۵ خرداد خونین ۴۲ ضمن گرامیداشت خاطره این روز و درود به همه شهیدان انقلاب ایران، در پاسداری از آرمان شهدای انقلاب، همه نیروهای مردمی، ترقیخواه ضدامپریالیست و انقلابی میهن را دعوت می‌کنیم که برای درهم شکستن تجاوزات و توطئه‌ها و دسائس امپریالیسم و ارتجاع منطقه و ضدانقلاب داخلی، در جبهه‌های واحد گردآئیم، صفوف خود را فشرده‌تر سازیم تا پرچم استقلال و آزادی را افرشته‌تر در اهتزاز درآوریم.

امپریالیسم بسرکردگی امریکا طراح اصلی این سیاست بود و اکنون نیز با تمام توان تلاش دارد با بهره‌گیری از گرایش‌های تنگ‌نظرانه محافظی درون خط امام مانع از وحدت مسلمانان مبارز با انقلابیون کمونیست گردد.

امپریالیسم امریکا سیاست دامن‌زدن به اختلافات میان نیروهای مردمی را با شوق تمام ادامه می‌دهد و آن را به سلاحی برای به‌زانو درآوردن انقلاب خونبار مردم ما تبدیل کرده است. لیبرالها، مائوئیست‌ها و همه کسانی که از پیشرفت و تعمیق انقلاب در هراسند، با استفاده از امکانات تبلیغی وسیعی که در اختیار دارند به امپریالیسم در این راه یاری می‌رسانند.

بیش از یک‌ده سال پیکار رهایی‌بخش در میهن ما و همه تجارب خلقهائی که مبارزات رهایی‌بخش خود را به فرجام رسانده‌اند، اثبات می‌کند که وحدت همه نیروهای مردمی، ضدامپریالیست و انقلابی شرط لازم پیروزی بر دشمن مشترک، امپریالیسم بسرکردگی امریکاست.

بقیه از صفحه ۷

مروری بر...

تعقیب می‌کردند. به علاوه قانون کار قدیم (قانون ۱۳۳۸) علیرغم نقائص و کمبودهایش، از زمره دستاوردهای مبارزاتی کارگران در دهه ۲۰ بود. لفظ این قانون و تصویب یک قانون ارتجاعی به معنای باز ستاندن یکی دیگر از دستاوردهای مهم جنبش کارگری - سندیکایی بود.

رژیم کودتا با برخورداری از "رهنمودهای" امپریالیستی دریافتی بود که برآمد مبارزات اعتصابی کارگران (کوره‌پزخانه‌های تهران، کارخانه وطن اصفهان و...) در بطن خود زمینه‌های عینی وحدت سندیکایی را دارد و باید به هر طریقی که شده از گسترش آن جلوگیری نماید. در همین رابطه بود که در دی ماه ۱۳۳۸ وزارت کار به نمایش مضحک و عوام‌فریبانه‌ای دست زد و آئین‌نامه‌ای تحت عنوان "آئین‌نامه سندیکا، اتحادیه و کنفدراسیون" تهیه و تدوین نمود این آئین‌نامه در اساسی‌ترین خطوط خود از قوانین ارتجاعی ممالک امپریالیستی الهام گرفته بود و اساساً روح فاشیستی این قوانین را در بندهند خود منعکس می‌ساخت. بطور کلی در سالهای پس از جنگ جهانی دوم به موازات اعتلای چشمگیر جنبش بین‌المللی سندیکایی، ارتجاع جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا نیز مذبحخانه می‌کوشید تهاجم به حقوق سندیکایی را گسترش دهد. در کشورهای مختلف سرمایه‌داری حکومت‌های ارتجاعی وقت برای مقابله با موج اعتلایی جنبش سندیکایی، قوانین و آئین‌نامه‌های ضدکارگری متعددی را تدارک دیدند که فصل مشترک جمیع آنها ضدکارگری و ضدکمونیستی بودنشان بود. فی‌المثل در امریکا قانونی به نام "تافت - هارتلی" به تصویب رسید که سرشت فاشیستی سیاست کارگری امپریالیسم امریکا را به خوبی نشان می‌داد. قانون تافت - هارتلی دو خصوصیت بارز داشت اول آنکه مطابق این قانون نمایندگان سندیکاها

و همه مسائلی که به نحوی از انحاء به منافع و حقوق طبقه کارگر ارتباط و پیوستگی دارد، مذاکره درباره تعیین دستمزد و شرایط کار با کارفرمایان و مقامات دولتی، انعقاد پیمان‌های دسته‌جمعی، ارائه نظر و پیشنهاد به هنگام تنظیم قوانین و آئین‌نامه‌هایی که بطور مستقیم و مشخص به منافع کارگران مربوط می‌شود، مخالفت با تصمیمات و اقدامات یک‌جانبه کارفرمایان و دولت و... را نیز اساساً پایمال کرد. فروپاشی سندیکاهای واقعی و تصویب و تحمیل قانون کار ضدکارگری رژیم کودتا، آنچنان زمینه‌های فراهم آورد که سندیکاهای فرمایشی یا به قولی طاغوتی بلافاصله و از همه جا همچون قارچ بعد از باران برویند بطوری که از ۱۳۳۸ تا ۱۳۵۵ متجاوز از ۷۶۷ "سندیکا" و ۱۸ "اتحادیه" ساخته شد و در ۱۳۴۶ سیستم بوروکراتیک فاسدی تحت عنوان "سازمان کارگران ایران" در چارچوب ضوابط ساواک و آئین‌نامه‌های ضدکارگری فوق‌الذکر شکل گرفت. که ما چگونگی سیر جنبش کارگری، مضمون تشکلهای و عملکرد آنها در دهه ۴۰ و ۵۰ را در جای خود به تفصیل مورد بررسی قرار خواهیم داد. اما آنچه که در پایان این فصل باید توضیحا اشاره کنیم مسئله چگونگی درج فصول بعدی این مقاله ("مروری بر تاریخچه جنبش سندیکایی در ایران") از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۶۰ در نشریه "کار" است. باید خاطر نشان کنیم که درج فصول بعدی این سلسله مقالات (که خود مشتمل بر چهار فصل دیگر از ۱۳۳۹ تا ۱۳۶۰ است) اقتضائاً در همین جا به پایان می‌رسد، چون همانطور که برخی از رفقای خواننده "کار" به درستی اشاره کرده‌اند، درج یک مقاله به صورت دنباله‌دار و با فاصله زمانی نسبتاً طولانی تعقیب مباحث و تسلسل مفاهیم (به صورت کلیتی واحد و منسجم) را دشوار می‌گرداند. از این رو بنا به پیشنهاد رفقا بهتر دانستیم که کل این مقاله را به صورت جزوه‌ای مجزا و واحد تحت عنوان "مروری بر تاریخچه جنبش سندیکایی در ایران" (از ۱۳۲۶ تا ۱۳۶۰) چاپ و منتشر نمائیم.

موظف بودند در برابر کمیسیون ویژه سنای امریکا (کمیسیون مک کارتی) نسبت به حکومت سوگند وفاداری یاد کنند و دوم آنکه سوگند یاد کنند که نه تنها از اندیشه‌های کمونیستی بکلی "مبری" هستند بلکه تعهد می‌نمایند که مبارزه ضدکمونیستی را همواره به پیش برند. و اما قانون کار رژیم شاه در این مورد به مراتب پا را از قانون تافت - هارتلی نیز فراتر گذاشت و ماده ۲۶ قانون کار (ایجاد سندیکاها با تایید وزارت کار) را اینچنین به اجرا درآورد که برای تشکیل یک سندیکا ابتدا برنامه جلسات، فهرست اعضا، سابقه و عکس‌های نمایندگان سندیکاها و اطلاعات پلیسی دیگر به وزارت کار می‌بایست ارائه شود و وزارت کار این اسناد را به سازمان امنیت ارسال می‌داشت آنگاه ساواک نسبت به "صلاحیت" سندیکا تصمیم می‌گرفت و تشخیص می‌داد که آیا "آئین‌نامه سندیکای مزبور با قانون مطابقت دارد یا نه"؛ در اینجا دیگر به حضور نمایندگان سندیکا در کمیسیون سنا و ادای سوگند وفاداری نسبت به حکومت نیازی نبود زیرا ساواک با تعقیب و مراقبت‌های ممتد، استراق‌سمع تفتیش عقائد و اختناق و ارباب نمایندگان سوگند خورده مورد اعتماد و وفادار را که از صافی تهدید و تطمیع گذشته بودند، برمی‌گزید و در راس سازمان‌های به اصطلاح کارگری قرار می‌داد.

قانون کار مصوبه ۱۳۳۷ و آئین‌نامه اجرایی تشکیل سندیکاها (مصوب ۱۳۳۸) نه تنها حقوق اولیه سندیکایی (حق تشکل آزادانه توده کارگران در سازمان‌های سندیکایی و اتحادیه‌ای) را بکلی نقض می‌کردند، بلکه حق سندیکاها در انتخاب آزادانه رهبران و ارگان‌های اجرایی و تدوین برنامه عمل‌شان، برگزاری آزادانه میتینگ تظاهرات، کنفرانس، کنگره، اعتصاب، ابراز همبستگی با اقدامات پیکارجویانه دیگر سندیکاها انتشار نشریات و مطبوعات و پخش و توزیع آزادانه آنها، داشتن مکان‌های ثابت، سازماندهی آموزش‌های سندیکایی و دیگر فعالیت‌های آموزشی و فرهنگی به کلی از بین رفت و حق ایجاد اتحادیه و کنفدراسیون بر مبنای حرفه، محل منطقه و کشور، اظهار نظر پیرامون اقدامات و طرح‌های اقتصادی اجتماعی سیاسی و فرهنگی دولت

گسترده باد همگامی و همکاری

همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند

بقیه از صفحه ۹

کارگران راه آهن خواهان تعمیق انقلاب اند

کارگران راه آهن طی نامه‌ای به مجلس شورای اسلامی خواست‌ها و پیشنهادات خود را اعلام کردند. در این نامه پس از اشاره به نقش کارگران در انقلاب ایران پیشنهادات کارگران به شکل زیر مطرح شده است.

۱- به حساب آوردن هر چه بیشتر کارگران و افزایش نقش آنها در شوراهای کارخانجات و موسسات مختلف در امر تولید، توزیع محصولات و یا ارائه خدمات این موسسات و استقبال از خواست به حق کارگران در شرکت مشکل و آگاهانه در رسیدگی اقتصادی و اجتماعی محیط کار و تنظیم قانون کار عادلانه و انقلابی با شرکت نمایندگان کارگران.

۲- اقدام موثر در تعدیل درآمدها از طریق تنظیم طرح مالیات به نسبت نصاعدی بر درآمد. لغو مالیات مستقیم بر درآمدهای زحمتکشان و لغو مالیات غیر مستقیم بر مایحتاج مورد مصرف توده‌های زحمتکش.

۳- از میان بردن سود واسطه‌های سوداگر و تجار غارت‌پیشه که بخش مهمی از دستمزد زحمتکشان را در زمان ارائه کالا به خود

اختصاص می‌دهند. ایجاد شبکه تعاونی‌های مصرف کارگران و سایر زحمتکشان در سراسر کارخانجات، موسسات و روستاها یا شرکت زحمتکشان و ارائه هر چه بیشتر کالاهای مورد نیاز برای طبقات زحمتکش با نرخ عادلانه از طریق این تعاونی‌ها.

۴- بسط هر چه بیشتر سیستم سهم‌بندی تمامی کالاهای مصرفی روزمره و اجرای عادلانه این طرح از طریق نظارت و کنترل مردم هر محل. هیچ چیز در شرایط مشکل امروز شادی‌آورتر از مشاهده جلوگیری از احتکار و افزایش قیمت کالاهای مصرفی روزمره نیست.

۵- حذف سود عظیم بازرگانان استثمارگر وارد کننده محصولات از طریق انحصاری نمودن بازرگانی خارجی توسط دولت و ایجاد دستگاه دولتی واردات و توزیع مستقیم آنها به مصرف کنندگان. اصل ۴۴ قانون اساسی همه معتقدین به این قانون جمهوری اسلامی را موظف به اجرای چنین اقدام بزرگی می‌نماید و مورد تأیید تمامی زحمتکشان جامعه است.

۶- اجرای بی‌درنگ و بلاتردید و قاطعانه اصلاحات

اراضی که اکنون با متوقف ماندن اجرای بند "ج" و "د" لایحه قانون اصلاحات ارضی میلیون‌ها روستایی زحمتکش را در نگرانی و یاس باقی گذارده است. ملاحظه بی‌مورد مقامات جمهوری اسلامی امید و جسارت‌مالکان بزرگ را برانگیخته و به تاخت‌وتاز در روستاها مشغولند. برخورد قاطع و سریع مقامات جمهوری اسلامی در جهت انجام بندهای اصلی (ج و د) اصلاحات ارضی نه تنها دهقانان زحمتکش، بلکه طبقه کارگر جامعه ما را بر امیدها و ماهیت حرکت این مقامات مطمئن‌تر و لازم‌تر خواهد ساخت.

مامضاء کنندگان ذیل این نامه سرگشاده را به نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی و تمامی مردم انقلابی جامعه خود می‌دهیم که تعیین تکلیف برنامه جمهوری اسلامی در جهت اجرای خواسته‌های فوق و وحدت توده‌های میلیونی زحمتکش را تأمین نموده و مشت قاطع و سرنوشت‌سازی بر پیوزه کثیف امپریالیسم جهانی و در راس آن شیطان بزرگ آمریکا و تمام ضدانقلابیون داخلی خواهد بود.

قطعه قطعه کردن اراضی ...

تولیدی موجود واحد را به شدت کاهش داده و بر تولید عمومی کشاورزی کشور اثرات مخرب و فاجعه‌باری بر جای خواهد گذاشت. همچنین صنایع غذایی، تبدیلی و تولید خوراک دام این واحد با توجه به تولید زراعی و دامی، با برنامه ایجاد گردیده‌اند. هر یک از این واحدها چون کارخانه قند به چغندر قند، خوراک دام به علوفه، کشتارگاه‌ها به دام و بطور کلی برای فعالیت و تولید به محصولات زراعی معین و طبق برنامه‌ای نیاز دارند. بنا بر این برای ادامه کار این واحدها ضروری است که تولید زراعی و دامی بطور برنامه‌ریزی شده صورت گیرد تا صنایع جانبی بتوانند به کار خود ادامه دهند. در صورت به هم خوردن نوع کشت مورد نیاز واحدهای صنعتی ادامه کار و فعالیت این واحدها نیز به مخاطره خواهد افتاد. با واگذاری اراضی کشت و صنعت مسلماً نوع کشت منطقه بسته به نیاز بازار و سودآورتر بودن هر محصول تغییر می‌کند. مکانیسم بازار روی تنوع کشت اثر می‌گذارد و بالطبع تأثیرات مخرب آن در نحوه فعالیت صنایع وابسته به این محصولات نیز قابل ملاحظه خواهد بود.

در حالی که در اختیار گرفتن این واحد توسط دولت و تأمین نظارت شوراهای کارکنان و کارگران در مدیریت همه‌جانبه واحد دولت را قادر می‌سازد تا از این واحد تولیدی عظیم به عنوان اهرمی برای کنترل

فعالیت بخش خصوصی استفاده نماید. بطوری که هر چه بخش دولتی گسترده‌تر باشد امکان کنترل دولت بر قیمت‌ها، تورم، تنوع تولید، تولید محصولات اساسی مورد نیاز جامعه بیشتر خواهد بود. با تقسیم و واگذاری این واحدها، دولت این اهرم مهم کنترل اقتصادی را از دست خواهد داد و مکانیسم بازار و سودجویی جای آن را خواهد گرفت که نتایج زیانبار و فاجعه‌آمیز تبعی آن بر کسی پوشیده نیست.

به نظر ما دولت بایه کار-گیری نیروی عظیم کارگران کشاورزی این واحدها، بهره‌گیری از تجربیات سایر کشورهای مترقی در بهره‌برداری از یک چنین مجتمع‌هایی، ایجاد یک نظام مدیریتی مردمی با دخالت کارگران و کارکنان این واحدها برنامه‌ریزی متمرکز دولتی در فعالیت این واحدها قادر به بهره‌برداری از این واحدها، افزایش تولید محصولات کشاورزی و رشد سطح زندگی زحمتکشان خواهد بود.

مصلح انقلاب بر این مسأله تأکید دارد که علاوه بر اینکه دولت نیابتی واحدهای پیشرفته کشت و صنعت دولتی را واگذار سازد، بلکه باید واحدهای خصوصی مکانیزه و کشت و صنعت را تحت مدیریت خود قرار داده و واحدهای تولیدی پیشرفته دولتی را به سود زحمتکشان و کل جامعه گسترش دهد.

برگشته جهان سرود تو شکفت
ازیشه ز بارش تو بار شکفت
ز در آن نفس زمانه زارت بزرگ است
شادانمخ و پیروزم از زار شکفت

مردم میهن ما قاطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

سطح حداقل حقوق کارگران با سنجگری باید اصلاح اساسی گردد

سرانجام سیاست وزارت کار و امور اجتماعی در قبال حداقل مزد کارگران در سال جاری با مصوبه‌ای از جانب شورای عالی کار اعلام گردید طبق این مصوبه :

"حداقل دستمزد روزانه کارگران همان ۶۳۵ ریال باقی می ماند و کارگری که حداقل یک سال در واحد تولیدی کار کرده باشد ، روزانه ۴۰ ریال به عنوان پایه یا سنوات به حقوق قبلی اش اضافه می شود و همچنین کارفرمایان می توانند براساس تایید کمیته‌های متشکل از شورا و سرپرستان کارگاه‌ها رقمی معادل روزانه ۲۰ یا ۴۰ یا ۶۰ ریال علاوه بر ۴۰ ریال قبلی به حقوق کارگران واجد شرایط خود اضافه کنند بدین ترتیب با توجه به مطالب فوق حداقل روزانه ۴۰ ریال و حداکثر ۱۰۰۰ ریال می تواند به حقوق کارگران اضافه شود"

در توجیه انگیزه‌های طرح و اجرای این مصوبه آقای مهرانچی معاون وزیر کار ، طی یک مصاحبه مطبوعاتی چنین استدلال نمود که :

"سیاست کلی شورای عالی کار این است که داشتن یک کار با درآمد کمتری بهتر از آن است که اصلا کاری نباشد لذا حقوق دستمزد روزانه کارگران رقم ۶۳۵ ریال قبلی باقی می ماند . این مسئله باعث می شود که تورم ایجاد نشود و همچنین کارگران از روستاها به شهر کشیده نشوند و به امور کشاورزی بپردازند" ظاهرا انگیزه‌های عدم افزایش پایه ثابت حقوق از نظر مسئولین وزارت کار سه وجه داشته است :

۱ - پیشگیری از تشدید تورم (از طریق عدم افزایش حداقل دستمزد کارگران) .
۲ - تشویق کارفرمایان به استخدام کارگران بیشتر (طی سال آینده) با دستمزد سابق و تحمل هزینه استقال کمتر
۳ - جلوگیری از تشدید اختلافات مزد میان کارگران روستا و شهر و ایجاد دافعه‌ای در مقابل مهاجرت کشاورزان به شهرها .
این انگیزه‌ها بیش از آنکه ناظر بر جوانب مثبت و واقعی حقوق صنفی کارگران و مصالح عمومی انقلاب باشد ، عمدتاً توجیهی سطحی و ناسنجیده برای سیاستی بدبینانه در قبال طبقه کارگر و انقلاب است .

اولا این ادعا که این مسئله باعث

به موضوع کشاکش ظاهرا تازه‌ای میان کارگران و دولت بدل می شود . حال آنکه در حوامعی که اقتصادی سالم و شکوفا دارند آنچه که این کشاکش‌ها و محاسبات را تقریبا منتفی نموده و تحت الشعاع خود قرار می دهد ، تثبیت قیمت‌ها و افزایش تدریجی قدرت خرید واقعی زحمتکشان است . مسئله افزایش دستمزدها برای کارگران همواره یک شعار مطالباتی بوده است اما آنچه که برای کارگران بیش از افزایش دستمزدها مورد مطالبه واقعی و باید باشد ، مهار کردن و تثبیت قیمت‌ها و افزایش قدرت خرید واقعی شان است نه افزایش صوری نرخ مزد و این مهمترین الگوی ما در اتخاذ یک سیاست اصولی ناظر بر تعیین دستمزدهاست .

اگر بخواهیم در رابطه با نرخ دستمزد کنونی بطور مشخص ، دآوری کنیم می توانیم با محاسباتی نسبتا دقیق نشان دهیم که چرا "ترمیم مزدی" که توسط شورای عالی کار صورت گرفته است علیرغم شرایط بحرانی و جنگ و گواش منابع مالی دولت و غیره همچنان دارای

عملی شود ؟
ثالثا - برای جلوگیری از تشدید اختلاف سطح دستمزد میان کارگران شهر و کارگران روستا چرا به جای آنکه درآمد کارگران شهر را به اندازه کارگران روستا تنزل بدهیم ، سعی در ارتقای سطح معیشت و درآمد کارگران روستایی نداشته باشیم ؟ چرا به جای برحذر داشتن کارگران کشاورزی از مهاجرت به شهر ، در همان روستا جاذبه‌های اشتغال و تولید به وجود نیآوریم ؟ به هر حال "استدلالات" فوق نمی تواند توجیه منطقی مصوبه اخیر شورای عالی کار باشد .

اما آنچه که در مورد طرح حداقل دستمزد بطور کلی می توان گفت این است که اصولا ، تعیین هر ساله میزان حداقل دستمزدها ، به ویژه در اقتصادهای بحران زده سرمایه داری ، به واسطه تغییرات مداومی که در قیمت‌ها و هزینه‌های زندگی به وجود می آید ضرورت پیدا می کند و همراه با نوسان قیمت‌ها ترمیم دستمزدها نیز لزوما مطرح می گردد . و در این رابطه نیز چگونگی محاسبه این تغییرات و معیارها و ضوابط آن هر ساله

می شود که تورم ایجاد نشود" اگر نگوییم ادعایی عوام - فریانه است باید گفت ادعایی نامربوط و سبک سرانه بیش نیست . چه هر کسی می داند که تورم اساسا معلول استثمار و چپاول مستمر امپریالیسم و سرمایه داران بزرگ بوده و تشدید آن محصول اقتصاد بحرانی و جنگ زده ماست . آقای مهرانچی به جای آنکه بر غارت‌های ۱۲۰ میلیارد تومانی سرمایه داران و تجار بزرگ و نقشی که این چپاولگری‌ها در تشدید بحران و تورم دارد انگشت گذارد ، بر چند درصد افزایش دستمزد برحق کارگران انقلابی و مبارز میهن ما انگشت نهاده و این افزایش را " ایجاد کننده تورم" می نامد .

ثانیا - تشویق کارفرمایان به استخدام کارگران بیشتر ، ممکن است با این استدلال همراه باشد که در شرایط کنونی که بیکاری از جمله مشکلات جدی زحمتکشان است برای کاهش بیکاری اقدام موثر و مثنی است ولی آیا باید این "تشویق" با قیمت پائین نگاه داشتن دستمزد کارگران و قربانی کردن آنان

تعطیل شرکت‌ها و اخراج کارگران به زبان انقلاب است

جمهوری اسلامی را به نتایج خطرناک تعطیل شرکت‌ها و اخراج کارگران جلب می کنیم این اعمال غیرمسئولانه شرایط بهتری را جهت توطئه چینی نیروهای ضد انقلاب و عناصر ماجراجو فراهم می کند . تعطیل شرکت‌ها و اخراج کارگران ، انقلاب را از مسیر کسب استقلال و قطع وابستگی منحرف نموده و بنوبه خود زنجیر محاصره اقتصادی امپریالیسم را که گرد میهنمان کشیده شده است ، محکم تر می نماید .

و اعلام نمودند که نیروگاه را می توان و باید به راه انداخت . یکی از کاوگران می گوید :
"به دنبال جنگ تحمیلی مدت‌ها به سوسنگرد و آبادان مهمات می رساندم و ضمن این کار از تلاش برای راه اندازی کارگاه‌ها کوتاهی نمی کردم . حالا بعد از هفت ماه حکم اخراج و تعطیل شرکت را می شنوم . فکر می کنم عده‌ای در این دولت هستند که کارها را خراب می کنند ولی با این همه اگر یک عمر گرسنگی بکشم ، به انقلاب پشت نخواهم کرد ."

حدود ۲۵۰۰ نفر از کارگران شرکت‌های ساختمانی تکنوپرم اکسپورت و ملی ساختمانی (اهواز) که در نیروگاه برق ورامین به کار مشغول بودند ، از آغاز جنگ تحمیلی تاکنون بیکار بوده و جز یک مورد ، حقوق دریافت نکرده اند . اخیرا به این کارگران ابلاغ شده است که کارگاه‌ها تعطیل و کارگران اخراج به حساب می آیند و اگر کارگران تسویه حساب کنند حقوق عقب افتاده و حق اخراجی معادل سالی چند روز به آنها پرداخت می گردد نمایندگان کارگران با این عمل به شدت مخالفت کرده

نواقص اساسی است و با شرایط تورمی کنونی به هیچ وجه پاسخگویی نیازهای حداقل کارگران نمی باشد .
ما حتی نرخ کلی تورم را نیز شاخص افزایش دستمزد قرار نمی دهیم چون در آن صورت با نرخ متجاوز از ۴۰٪ طبعا می بایست متوقع باشیم که دستمزدها نیز به همین نسبت (طی یک سال) افزایش یابد . ولی ما نرخ تورم حیاتی ترین و ضروری ترین کالاها ، کالاهایی که در عین حال نوسان قیمت شان از دیگر کالاهای مصرفی کندتر است (مثل قند ، شکر ، نان ، گوشت و ... در مقایسه با مثلامیوه شیرینی جات و ...) را ملاک افزایش هزینه‌ها گرفتیم . محاسبه ۱۷ کالای ضرور و حیاتی مورد مصرف زحمتکشان افزایش نرخ تورم را (از اسفند ۵۸ تا اسفند ۵۹) در حدود ۲۱٪ نشان می دهد . حال آنکه درصد افزایش درآمد کارگران (کارگرانی که حداقل یک سال کار کرده اند) حتی از این سطح تامین حداقل نیاز نیز به مراتب نازل تر است .

ما مقایسه سطحی و نعلبه نعل میان نرخ عمومی تورم و نرخ افزایش دستمزدها را بدون در نظر گرفتن شرایط بحرانی کنونی و جنگ ... به هیچ وجه تایید نمی کنیم و آن را غیر مسئولانه می شناسیم . ولی در عین حال در نظر نگرفتن تناسب لازم میان نرخ تورم (در اساسی ترین کالاهای مورد مصرف زحمتکشان) با نرخ افزایش دستمزدها نشان را که در مصوبه کنونی شورای عالی کار انعکاس یافته است نیز مسئولانه و منطقی نمی دانیم و مهمتر از آن اینکه همچنان که بارها گفتیم باید تاکید کنیم که راه اساسی مبارزه با شرایط بحرانی کنونی و درهم شکستن سد تورم و گرانی را در پیشبرد قاطعانه امر ملی کردن تجارت خارجی ، خلع ید از سرمایه داران و تجار بزرگ ایجاد و تقویت شبکه‌های توزیع دولتی و تعاونی با مشارکت دمکراتیک تشکل‌های توده‌ای ، تحکیم روابط همه جانبه با ممالک سوسیالیستی و ترقیخواه ، افزایش بهره‌وری تولید و مبارزه پیگیرانه در جهت پایه‌ریزی استقلال اقتصادی و ... را متضمن مهار و تثبیت قیمت‌ها و ارتقای واقعی سطح معیشت کارگران و زحمتکشان می دانیم .

قرچک تا اواسط سال ۵۶ ، فقط با تعداد زیادی از کوره‌های آجرپزی مشخص می‌شد. سرمایه‌داران به خاطر وجود خاک‌های مناسب برای تولید آجر ، دهها کوره بزرگ آجرپزی در آنجا ساخته‌اند.

قرچک بین راه تهران - ورامین قرار دارد. در طول روزهای قیام ، این منطقه که به شکل روستای کوچکی بود ، به سرعت گسترش یافت. کارگران فصلی و زحمتکشانی که برای پیدا کردن کار ، از روستاهای دور و نزدیک به تهران می‌آمدند ، چون در تهران جایی برای زندگی پیدا نمی‌کردند به قرچک پناه می‌آوردند و در کنار کوره‌ها که قبلا کسی حاضر نبود آنجا زندگی کند ، قطعه زمین کوچکی خریده و خانه می‌ساختند. حالا روستای کوچک قرچک تبدیل به منطقه‌ای شده که دهها هزار نفر در آن زندگی می‌کنند.

قرچک حالا هم با کوره‌های آجرپزی مشخص می‌شود. چه از بیرون قرچک و چه از داخل آن ، آنچه بیشتر از همه به چشم می‌خورد ، دودکش‌های بلند کوره‌پزخانه‌های آن است که همیشه و همه وقت دودی غلیظ از آنها بیرون می‌آید و بر سر ساکنین منطقه می‌ریزد و تمام خانه‌ها ، کوچه‌ها و خیابان‌ها را سیاه می‌کند. بطوری‌که در خانه‌های نزدیک این کوره‌ها نفس کشیدن دشوار می‌شود و بیشتر اوقات چربی لزجی از دوده‌دهان را می‌گیرد. خانواده‌هایی که از تنگدستی در همسایگی این کوره‌ها زندگی می‌کنند ، خانه و زندگی‌شان همه وقت سیاه و دودآلود است. زن‌های زحمتکش این خانواده‌ها با همه مشکلاتی که دارند ، دست کم روزی یکی دو ساعت هم وقتشان صرف پاک کردن دوده کوره‌ها از روی طاقچه‌ها و رختخواب‌ها و اسباب و اثاثیه خانه می‌شود. قرچک که تا ۳ سال پیش جمعیت چندانی نداشت و دکان و مغازه‌ای در آن دیده نمی‌شد حالا صدها دکان و مغازه و پاساژهای درجه ۳ در آن دیده می‌شود و کوچه‌ها و خیابان‌های باریک‌مملو از جمعیت شده است. زحمتکشانی که در قرچک

«قرچک»

محله مشکلات و رنج‌های فراوان



حمایت کنیم . اما این مسئول‌های دولتی‌ها باید به فکر ما باشند .

فشار مشکلات ، ۱۵-۱۴ ساعت کار و رفت و برگشت ، گرانی ، بیکاری و رنج‌های فراوان ، هر قامت استواری را درهم می‌شکند .

انقلاب به همه زحمتکشان به پیروزی رسیده است . یاری و پشتیبانی

همین زحمتکشان هم می‌تواند آن را تعمیق بخشیده و توطئه‌های ضدانقلاب را خنثی کند. دولت باید پاسخگوی خواسته‌های برحق زحمتکشان باشد. این خواسته‌ها نیازهای اولیه‌ای هستند که با سازماندهی و خودیاری خود مردم و پشتیبانی دولت از آنها به ساده‌ترین شکلی قابل حل است. برای حل مشکلات اهالی قرچک ، مسئولین دولتی باید به موارد زیر توجه نمایند :

۱- امکانات رفاهی لازم از قبیل داشتن درمانگاه ، مدرسه ، آبلوله‌کشی ، برق شبانه‌روزی و غیره باید برای اهالی قرچک فراهم گردد .

۲- دولت باید کاری کند که سرمایه‌داران چپاولگر کوره‌پزخانه‌ها ، کوره‌های خود را از شهر بیرون برده یا با عوض کردن نوع سوخت از آلودگی هوای قرچک جلوگیری کرده و زحمتکشان ساکن آنجا را از این مشکل نجات بدهد .

۳- شرکت واحد اتوبوسرانی باید به خط تهران - قرچک توجه لازم را نموده و اتوبوس‌های خراب و قراضه را از این خط برداشته و با گذاشتن اتوبوس‌های سالم و زیاد کردن تعداد آنها باری از دوش کارگرانی که روزی سه ، چهار ساعت وقتشان به‌همین خاطر گرفته می‌شود ، بردارد .

۴- دولت باید به وضع شهرپایانی (انتظامات) و شهرداری قرچک رسیدگی و با کمک شوراهای محلی ، این منطقه شلوغ و پررفت و آمد را سروسامان دهد .

۵- با توجه به زمان جنگ و کمبود و گرانی کالاها ، مسئولین قرچک با همیاری و کمک خود مردم نرخ‌ها و توزیع کالاها را در کنترل خود درآورند .

زحمتکشان منطقه که کارگر ساختمان بود ، می‌گفت :

" اینجا هیچ‌کس به داد آدم نمی‌رسد. راهپیمایی کردیم ، رفتیم شهرداری ، شهردار تهران آمد ، اما همه‌اش حرف و حرف ... معلوم نیست چه بلایی سر بودجه این شهر می‌آید ."

یکی دیگر از مردها که تازه از سرکار آمده بود ، می‌گفت :

" همین دیشب ، زن همسایه ما از درد داشت می‌مرد ، برش داشتیم بردیم دکتر . نه دواپی پیدا می‌شد نه دکتري . گفتیم بپریمش شهر (تهران) ، توی این تاریکی و سرما یک گاری شکسته هم پیدا نمی‌شد. بیچاره زن همسایه را آوردیم کنار جاده و یک‌ساعتی انتظار کشیدیم تا یک کامیون از سمت ورامین آمد و توانستیم اون بیچاره را به شهر برسانیم ."

می‌گفت :

" ما که سال‌ها با بدبختی زندگی کرده‌ایم ، حالا هم که جنگ است ، طاقت می‌آوریم ، اما مگر نه اینکه خود دولت باید به فکر ما باشد. ما قرچکی‌ها خیلی از جوان‌هایمان را فرستادیم جبهه. حالا هم آماده‌ایم تا پای جان از انقلاب

می‌روند ، روزی ۱۵-۱۴ ساعت از وقتشان در رابطه با کار و رفت و برگشت گرفته می‌شود. بیشتر شب‌ها هم ، همین‌که کمی از غروب می‌گذرد ، به‌خاطر نبودن وسیله ، از تهران به قرچک برگشتن کار مشکلی می‌شود .

در قرچک آب شور است ، دارو گیر نمی‌آید ، دکتر کم است. یکی دو درمانگاه موجود در شهر پاسخگوی نیاز بیماران زیاد این منطقه نیست. برای محصل‌های سال آخر ، دبیرستان مناسبی وجود ندارد. مدرسه‌های دوره ابتدایی گنجایش پذیرفتن همه محصلین را ندارد. برای رفت و آمدهای داخل منطقه وسیله‌ای نیست. مردم از وانت‌بارها استفاده می‌کنند .

برای رفتن به شهرهای اطراف بخصوص به تهران ، وسیله‌ای جز مینی‌بوس‌های شخصی و اتوبوس‌های شرکت واحد وجود ندارد. که این اتوبوس‌ها و مینی‌بوس‌ها هم پاسخگوی مسافران زیاد این منطقه نیست. از آنجا که مامور انتظامی در شهر وجود ندارد ، مردم (بخصوص در موقع شب) احساس امنیت نمی‌کنند .

در گفتگویی که با مردم قرچک داشتیم ، یکی از

زندگی می‌کند. چون در منطقه هیچگونه امکانات رفاهی ، بهداشتی و درمانی لازم وجود ندارد با مشکلات بسیار زیادی مواجه هستند. به‌جز دکا‌داران ، دست‌فروشان و زحمتکشانی که در کوره‌پزخانه‌های خود قرچک کار می‌کنند ، تقریباً بقیه نان‌آوران خانواده‌های ساکن قرچک بیرون از این شهرک کار می‌کنند .

از حدود ساعت ۴/۵ صبح کار و کوشش در این منطقه آغاز می‌شود. نان‌آوران خانه‌ها با خستگی کار روز قبل که هنوز بر تنشان باقی مانده است از خانه بیرون می‌آیند و در خیابان اصلی قرچک دسته دسته به‌وسیله مینی‌بوس‌ها یا اتوبوس‌های شرکت واحد ، برای کارگری ، دست‌فروشی و ... به‌طرف تهران ، کرج ، ورامین رهسپار می‌شوند. عصر وقتی که خسته و کوفته از کار برمی‌گردند ، دیگر آفتاب غروب کرده است. مردهای زحمتکش این منطقه در سراسر هفته خورشید را در آسمان قرچک نمی‌بینند. هوا روشن نشده از شهر بیرون می‌روند و یکی دو ساعت از شب گذشته است که به‌شهر باز می‌گردند. زحمتکشانی که برای کار به تهران یا شهرهای مجاور

استقلال - کار - مسکن - آزادی

«شورای هماهنگی کشورهای خلیج» تلاشی از سوی آمریکا برای احیاء پیمان سنتو

امیرالسم سرگرم سعه‌ور ساختن آتش تصادمات و به راه انداختن و گسترش جنگ‌های "داع" در منطقه است. طرح کم‌دود که اسخوار بندی اسرائیری امیرالسم برای سلط ساسی - نظامی در منطقه خاورمیانه می‌باشد. تاکنون موجب وحامت بیسر اوضاع اس منطقه شده و مردم سسری را در لیب آس جنگ به مرگ و نابودی کسانده‌است.

امیرالسم امریکا که با اغلاب ایران و افغانستان رحم‌های مهلکی برداشه است، با درهم سکسه سدن سمان خاورکارانه سوو که اغلاب ایران و افغانستان آن را درهم سکس، با عموسر کردن سوبدهائی که سر رژیم‌های مرجع غرب با رژیم صهیونسی اسرائیل وجود دارد، برای محاصره اغلاب ایران و افغانستان و سرکوت مبارزات اسقلال - طلبانه مردم منطقه و حکم سلطه همه‌جانبه امیرالسم در خاورمیانه و بردسک رژیم‌های ارتجاعی منطقه را سس از سس‌گردیم می‌آورد و بلوک نظامی خاورکارانه باره‌ای برای هدف‌های خاورکارانه و جنگ‌افروراه خود سازمان می‌دهد.

سکول "شورای هماهنگی کشورهای خلیج" در واقع تلاسی است برای احیاء سمان خاورکارانه سوو و در جهت سکول سمان نظامی وسع و گسرنده در منطقه. طرح‌های امیرالسم در اقدامات خاورکارانه و جنگ-افروراه بر هدف‌های زیر اسوار است:

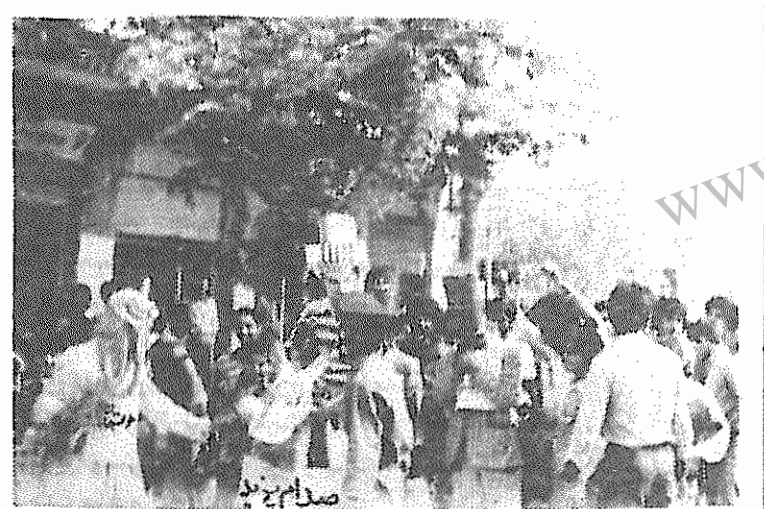
- ۱- وسعه جنگ‌اعلام نشده علیه افغانستان.
- ۲- افزایش دعواوی گستاخانه و بی‌سابقه امیرالیست‌های ایالات متحده که مناطقی در فاصله چندین هزار کیلومتری را قلمرو منافع حیاتی خود خوانده‌اند.
- ۳- تجمع ناوگان‌های ارتش ایالات متحده در این منطقه که از آن برای مداخله و باج‌خواهی، فشار و تهدید آشکار، استفاده به عمل می‌آید.
- ۴- فعال کردن نیروهای پلیسی موسوم به "نیروهای واکنش سریع" به بهانه "تهدید نظامی شوروی".
- ۵- تشویق پنتاگون به ایجاد پایگاه‌های نظامی بیشتر در عربستان، آفریقای شرقی و مدیترانه.

۶- ایراد فشار باهنجار بر ایران سس از ساد و فعالیت مخرب حتی مداخله نظامی علیه اغلاب ایران. آنچه که شورای هماهنگی کشورهای خلیج اعلام داسته‌اند، هر چند ماهرانه و فرسکارانه تنظیم شده است، لکن با کمی دقت به‌خوبی ماهیت خاورکارانه این سورا را برملا می‌سارد. اعضای سورا یعنی دول عربستان سعودی، کویت، قطر، بحرین، سلطان‌سین عمان و امارات متحده عربی سس از اسام مذاکرات، طی ساسه‌ای اعلام کردند که اولاً در سحالی کسه صهیونست‌های اسرائیل و حدائی‌طلبان راست‌گرا در لسان پدید آورده‌اند، از سوریه، فلسطین و حبش مرفی لبنان حمایت می‌کند تا با بر این اعتقادند که حفظ امنیت در خلیج فارس به عهده خود کشورهای منطقه است. مقامات سورا اعلام کردند که از نقطه نظر آنها حضور نیروهای بیگانه در منطقه پذیرفته نیست. بسیار قابل توجه است که دور نگه‌داشتن خلیج فارس از دخالت به‌اصطلاح "نیروهای بیگانه" و "ابر قدرت‌ها" از سوی رژیم‌هایی ادعا می‌شود که خود مجریان وفادار سیاست‌های امیرالسم بین‌المللی سرکردگی امریکا در منطقه هستند. اگر در نظر داشته باشیم که هم‌اکنون سلطان‌سین عمان چندین پایگاه امریکائی را در خاک خود جای داده، عربستان سعودی محل استقرار هواپیماهای جاسوسی آواکس امریکا است و بحرین در واقع خود پایگاه تمام عیار نیروهای انتظامی امریکا است، میزان فریب نهفته در سیاست "دورنگه‌داشتن خلیج فارس از دخالت نیروهای بیگانه" و به‌اصطلاح "ابر قدرت‌ها" بطور کامل از پرده بیرون می‌افتد. به همین علت است که محافظ حاکمه یکن نیز زیر علم تئوری ارتجاعی "ابر قدرت‌ها"

از خیر تشکیل جلسه مساوره فوق‌السادامائی نای می‌کوبند همچنین حالت توجه است که ادعای حمایت از سوریه توسط "شورای همکاری" توسط از سوی حکام عربستان و کویت در شرایطی اعلام می‌شود که این رژیم‌ها از مدت‌ها قبل بودجه نیروهای سوری حافظ صلح در لبنان را قطع کرده‌اند و در بحبوحه تجاوز اسرائیل به سوریه و لبنان، راشد عبداللله سخنگوی احلاس سورا همکاری . . . اعلام می‌کند که رهبران ۶ کشور برای مسائل منطقه تصمیمات سوری اتخاذ نخواهد کرد. آنچه میل روز روس است اس است که "شورای . . ." طرح‌ها و عملیات امیرالسم سس و در اجرای همس طرح‌ها و عملیات که جلسه سورا ماسک مخالفت با به‌اصطلاح "نیروهای بیگانه" در خلیج فارس" و طرفداری از فلسطین و سوریه را به چهره زده چرا که امیرالسم دریافته که دیگر نمی‌تواند سیاست جنگ طلبانه و تجاوزکارانه‌اش را بطور آشکار و عربان سس بسرد. بی تلاش می‌کند جهت بسسرد سیاست‌های جنگ‌افروزانه و تجاوزکارانه خود با ایجاد کانون‌های ارتجاعی همچون "شورای همکاری کشورهای خلیج" به شعارهای مردم منطقه نظیر "مبارزه با صهیونیسم" و "مخالفت با حضور نیروهای بیگانه" متوسل شود. "شورای هماهنگی کشورهای خلیج" علاوه بر نقشی که در تحکیم سلطه همه‌جانبه امیرالسم در منطقه دارد، آماج اصلی آن نظامی‌گری، تحکیم موقعیت نظامی امیرالسم در منطقه و انباشتن اسلحه در منطقه است. امیرالسم برای حفظ موجودیت و سلطه خود در منطقه سیاست تشدید تشنج و بهره‌انداختن جنگ‌های منطقه‌ای را در پیش گرفته است. برای این‌کار دست به

صدامیرالیست و ترقیخواه است که با تحکیم صفوف خود و گسترش همکاری و اتحاد عمل، تجاوزات و توطئه‌های امیرالسم جهانی سرکردگی امریکا را بی‌اثر سازند. تجربه نشان می‌دهد که طرح‌های تجاوزکارانه امیرالسم بین‌المللی به سرکردگی امریکا را نمی‌توان به‌تنهایی و بدون همکاری و وحدت با دیگر نیروهای انقلابی خشی، ساخت. امروز مقدم‌ترین وظیفه، انقلابی تمامی نیروهای صلح‌دوست، ترقیخواه و صدامیرالیست و انقلابی میهنان این است که فعالانه برای فشرده‌تر ساختن وحدت نیروهای ضد امیرالیست و انقلابی ایران و منطقه بکوشند و در جهت استحکام هرچه بیشتر جنبه انقلاب جهانی قاطعانه پیکار نمایند. زمان زمان فروپاشی محتوم امیرالیسم و پیروزی ناگزیر خلق‌هاست.

کارناوال ضد امیرالیستی



هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در رامهرمز کارناوال ضد امیرالیستی باشکوهی برپا کردند در این کارناوال توطئه‌های امیرالیسم آمریکا در منطقه خاورمیانه و نیز رژیم‌های آمریکایی پاکستان، عربستان و . . . افشا شدند و مردم دعوت به اتحاد و یکپارچگی در برابر این توطئه‌ها گردیدند.

اعدام رفیق عبدالباست احمدی دشمنی آشکار با انقلاب ونقض کینه توزانه پیام بهمن ماه امام خمینی است

ما اعدام رفقای خود را توسط دادگاه‌های انقلاب جمهوری اسلامی اقداماتی می‌شناسیم که تنها دشمنان انقلاب را شادمان می‌سازد. این اقدامات صفوف خلق را پراکنده می‌کند. نفاق و پراکندگی را در میان نیروهای انقلابی و ضدامپریالیست دامن می‌زند و راه را برای غلبه دشمنان انقلاب هموار می‌کند.
ما با ابراز انزجار نسبت به صدور احکام اعدام انقلابیون ایران توسط محاکم جمهوری اسلامی، آن را محکوم کرده و بار دیگر اعلام می‌داریم که علیرغم این اقدامات نفاق‌افکنانه همچنان برای تحکیم وحدت صفوف نیروهای مدافع انقلاب در مبارزه با امپریالیسم و ضدانقلاب داخلی پیکار خواهیم کرد.
در صفحه ۱۷

ملی کردن تجارت خارجی گامی ضروری در جهت پیشبرد مبارزه ضد امپریالیستی

در صفحه ۱۴

شورای ناشران حمله به کتابفروشیهای تهران را محکوم کردند

در صفحه ۱۶


روزنامه اطلاعات چرا؟

● سیاست خارجی متناقض جمهوری اسلامی، آلوده بودن اذهان مقامات طراز اول آن جمهوری به تز ارتجاعی "ابر قدرت‌ها" که از جانب ایدئولوگ‌های امپریالیسم جهانی و محافظ سرمایه‌داری ایران و ماتوئیست‌ها برای تطهیر امپریالیسم و "وارد کردن امپریالیسم از پنجره" اشاعه می‌یابد، این امکان را فراهم آورده که نمایندگان رسمی امپریالیسم اروپا و ژاپن در پر تیراژترین روزنامه کشور که به تمام ملت تعلق دارد در جهت منافع غارتگرانه انحصارات امپریالیستی اروپا و ژاپن تبلیغ کرده و درصد فریب مردم ما برآیند.

رفقای ما باید آزاد شوند!

در صفحه ۱۸

مردم می‌پرسد:
دولت جمهوری اسلامی و مقامات قضایی کشور تاکنون چه اقداماتی در جهت تعقیب و مجازات جاسوسکارانی که میتینگ قانونی میدان آزادی را در روز اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) به خون کشیدند، انجام داده است؟



سنگرهای مقاومت علیه تجاوزگران از خون رفیقان ما لاله‌گون است

در دفاع از انقلاب، در دفاع از استقلال مبین و در راه آرمان پر افتخار خلق کارگر، فدائیان خلق در سنگرهای سرخ مقاومت، در عرضای از پیکار تاریخساز خلق بزرگ ما، هر روز جان‌های عزیزی را در راه انقلاب نثار می‌کنند.
خون پاک رفقا، دشت‌ها و دره‌های مبین را گلگون می‌سازد و بشارت می‌دهد لاله‌زاران سرخی را که ایران مستقل، آباد و دیکراتیک فردای پیروزی زحمتکشان بر آن بنا می‌شود.

فدائیان خلق، رفقای شهید سنگرهای پیکار با تجاوزگران

- اکبر بدلی
- اکبر فخوری
- امیر آقایی
- علی مصاف
- جواد گنجی
- البرزیوسفی
- مریم رئیسی
- رحیم سقیلی
- سعید کوشش
- بهرام ورامینی
- محمود ابخو
- حسرو کریمی
- حسین شریعی
- عبدالله مرادی
- محمد سبازدار
- قی اسکویی
- حسین صالحی
- عباس دهبه‌دار
- اکرم غفاری
- غلام عباس بخرد
- عنایت‌الله رئیسی
- محمد رضا آذربان
- سپهلا مستحقان زاده
- حبیب‌الله فرحبخش
- ابراهیم شکرچی
- عبدالحسین شاه میر
- محمود اشرف آبادی
- فریدون مرتضی زاده
- محمد قاسم فتح بیگی
- محمد مهدی نیت اندام
- محمد اسداله زادرودینه
- محمد حسین صدرا نادجی
- رحم‌الله (امیر) انصاری پور
- نوری نیساگان
- سعید (عباس) آقا پور
- علیرضا خلیلی
- افراسیاب (زویب) سلمانی
- سید رضا طالب موسوی
- کاظم عدی
- علیرضا کاظمی
- علی حاتم‌زاده
- ابرج حسین‌نا
- لطیف علیزاده
- پرویز کریمان
- اسحاق بابازاده
- مرتضی دارایی
- زهره موسویون
- وحید نیک سیر
- شهریار باقرزاده
- کورس پاک‌بین
- حمید ولادوست
- غلامرضا صفر نژاد
- محمد رضا جعفری
- منصور دهقانی
- یداله اسماعیلی
- حسین دهبه‌دار
- محمد رضا وصاف

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید ★

مذهب در اتحاد جماهیر شوروی

برخلاف تبلیغات مفرضانه پلنتدگوه‌های تبلیغاتی امپریالیستی و با افراد ناآگاه متأثر از این تبلیغات و رعایت خطبایان و امامان می‌توانند آزادی در ساختن و ایکن مذهبی سخنرانی نمایند و موضوع بحث و سخنرانی آنان از سوی خودشان تعیین می‌گردد و ارگان‌های دولتی و یا مقامات اداری حق مداخله در اینگونه امور را ندارند.
در صفحه ۱۴

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر